

اعتماد و علاقه این مردم باشند با رویه صحیح و غیر قابل اعتراض به مجلس خواهندرفت و فقط نماینده حزب دموکرات شناخته نخواهند شد بلکه نماینده عموم مردم بشمار خواهند آمد و مسلماً حزب دموکرات باتکاء چنان وکلائی که بنوبه خود از اتکاء افکار عمومی برخوردارند بهتر می‌تواند برای حفظ مصالح کشور در مجلس مبارزه کند و اگر غیر از این باشد ممکن است بین مردم و حزب دموکرات جدائی پیدا شود که از لحاظ مصالح کشور آن را نیز باید مورد توجه و دقت قرار داد.

در خاتمه عرض می‌کنم که این نامه را مدتی است تهیه نموده ولی در ارسال آن تأمل داشتم تا اینکه وجدان اجازه نداد بیش از این مسکوت بگذارم و اکنون آن را تقدیم می‌نمایم.
[امضاء] دکتر محمد مصدق

۷۳

نامه سرگشادهٔ دکتر مصدق به قوام‌السلطنه

پنجم دی‌ماه ۱۳۲۵

جناب اشرف آقای قوام نخست وزیر

در دوره استبداد سلاطین بطبقات روحانیون و رجال احترام مینمودند برای اینکه مرکز اتکاء دولت باشند و آنها بخوبی درک کرده بودند که شخصاً قوه ندارند و هر قدر جامعه و رجال را بزرگ کنند بر قدرت و بزرگی خود می‌افزایند.

این سیاست تا بدو مشروطیت برقرار بود چنانکه از اواخر عهد ناصری و مظفری خود آنجناب بخاطر ندارند که فردی از این طبقات بحکم دولت تبعید و یا زندانی شوند و تنها موردیکه بخاطر همگی است تبعید مرحوم سعدالدوله به یزد مصادف با اول مشروطیت بود و وقتیکه وارد تهران شد ملت او را ابوالمله لقب داد و فقط در دوره مشروطیت این رسم از میان رفت و هرکس خواست در صلاح مملکت حرفی بزند چون حکومت ملی نارس بود دولتهای متکی بسیاست خارجی او را زندانی و یا تبعید نمودند.

از جمله خود آنجناب که بعد از چند سال تبعید وقتی که از اروپا وارد تهران شدید بنده جرأت نکردم نامه تبریک خود را از طریق عادی بفرستم و آن را محرمانه بوسیله خانواده خود بخانواده آنجناب رسانده و جواب هم بهمین ترتیب به بنده رسید و باز پس از چند سال که بنده از مسافرت برلن مراجعت نموده و سوءظن دولت نسبت به آنجناب کمتر شده و در باغچه محقری در تجریش از این جانب عیادت فرمودید مدتی از وقت بذکر بدی اوضاع و آه و ناله گذشت و چون سکنای بنده غالب تحت نظر بود منتظر بودم که از این ملاقات نتیجه سوئی عایدم شود و خدای خواست که نگشت.

این مقدمه برای این بود که عرض کنم از بدو زمامداری جناب اشرف عده‌ای از رجال بدون ذکر علت تبعید و یا توقیف شده‌اند و چنانچه بعضی از آنها احیاناً مورد تردید جامعه بود عدم ذکر علت سبب شده‌است که مظلومیت آنها بر جامعه معلوم شود.

و اما راجع به جناب آقای سیدضیاءالدین طباطبائی که قریب نه ماه است بامر آن جناب توقیف و اکنون از قرار مذکور می‌خواهند ایشان را تبعید کنند هرچند این جانب نظریات خود را در مجلس شورای ملی نسبت بایشان در پاره‌ای از مسائل اظهار نموده‌ام^{##} ولی اکنون از نظر حفظ اصول و احترام به قانون مقتضی است که بتوقیف غیرقانونی و یا تصمیم به تبعید ایشان و تمام اشخاصیکه بدون ذکر علت تبعید و یا زندانی شده‌اند خاتمه داده شود، الملک یقی بالعدل. یقین دارم که رهبر حزب دموکرات ایران که خودشان گرفتار این روزها شده راضی نخواهند شد که این اشخاص و عائله آنها ناله نموده و بحکومت دموکراسی لعنت کنند.

دکتر محمد مصدق

۷۴

پاسخ دکتر مصدق به اظهارات تدین در روزنامه اطلاعات^{##}

اداره روزنامه محترم اطلاعات :

آقای تدین در یکی از جلسات دادگاه نسبت به این جانب اظهاراتی نموده که به تفصیل در روزنامه اطلاعات شماره ۶۳۵۷ ششم خرداد مندرج است. از آنجایی که هر متهم سهی می‌کند خود را بهر وسیله تبرئه کند این جانب مایل نبودم که به اظهارات ایشان جوابی داده شود ولی چون خبرنگار روزنامه مظفر در شماره ششم خرداد آن روزنامه در یک قسمتی از اظهارات آقای تدین که مربوط به سیاست این جانب است، نظریاتی اظهار نموده و دفاع قسمتی را که مربوط به معامله ملک است بواسطه بی‌اطلاعی از موضوع بعهد خود این جانب گذارده که اگر دفاع نکنم ممکن است افکار عامه نسبت به این جانب مشوب شود لذا قبلاً از احساسات آن خبرنگار محترم نسبت به خود تشکر و شرح معامله املاک خرقان را که در دو سال اخیر دو مرتبه در بعضی از جراید منتشر شده باز تکرار می‌کنم و بعد توضیحاتی هم نسبت به سایر اظهارات آقای تدین می‌دهم و قضاوت آنرا بعهد جامعه محول می‌نمایم.

در سال ۱۲۹۸ شمسی شش‌دانگ قریه کامشکان و چند قریه دیگر واقع در خرقان قزوین را به

^{##} منظور نطق تاریخی دکتر مصدق در مجلس چهاردهم در مخالفت با اعتبارنامه سیدضیاءالدین طباطبائی از عوامل کودتای سیاه انگلیسی سوم اسفند ۱۲۹۹ است.

^{##} این نامه از طرف آقای دکتر مصدق روز شنبه ۱۶ خرداد به اداره رسید و این دو روزه متأسفانه بواسطه کثرت مطالب، چاپ آن به تأخیر افتاد.

مبلغ ۲۸ هزار تومان از مرحوم شعاع‌الدین میرزا قهرمانی خرید و تا سال ۱۳۱۳ که اعلان ثبت املاک مزبور داده نشده بود کوچکترین اختلافی بین زارعین آن املاک و این جانب نبود و همه ساله صاحبان باغات به نام و نشان در حدود یکصد تومان از بابت جریانه می‌پرداختند ولی اعلان ثبت من که در ۲۸ آذر ۱۳۱۳ در روزنامه بازپرس قزوین منتشر شد صاحبان باغات به ثبت اعتراض نمودند و مدعی مالکیت عرصه خانه‌ها و باغات شدند که این قبیل اعتراضات در اغلب حوزه‌های ثبتی وجود داشت و در محاکم طرح می‌شد بعد از اعلان ثبت در ظرف چند ماه یعنی از بیست و هفتم اسفند ۱۳۱۳ تا هفتم مرداد ۱۳۱۴ چند نفر از معترضین به نام نورعلی - چراغعلی - علی آقاییک - امامقلی - علی کرم و سبزعلی نوشتجاتی ارائه نمودند که دلالت داشت مالک سابق زمین باغات و خانه‌ها را به آنها بخشیده یا فروخته‌است که همین نوشتجات دلیل بود که عرصه سایر خانه‌ها و باغات ملک مالک است. لذا این جانب به اداره ثبت قزوین نوشتم که عرصه خانه‌ها و باغات را به اسم خود آن چند نفر ثبت کند.

پس اظهاراتی که آقای تدین در دادگاه بشرح ذیل نموده: «شاهزاده‌ای بود به نام روح‌الله میرزا مالک کامشکان در خرقان قزوین، این شاهزاده قبل از آنکه ده را به مصدق بفروشد مقداری از اراضی برعایا می‌فروشد سند هم به امضای ملای محل است اسناد را می‌آورند و دکتر هم قبول می‌کند موعد ثبت می‌رسد تمام اینها را به نام خودش ثبت می‌دهد و استثنایی نمی‌کند مورد اعتراض هم می‌گذرد و بنام ایشان ثبت می‌شود و بعد هم ایشان می‌فروشند در چند ماه پیش نوشته بود که حق اعتراض اینها ساقط شده آیا این حرف قابل قبول است؟ الی آخر...» بر خلاف واقع، جعل و عاری از حقیقت است. زیرا تاریخ اعلان ثبت اینجانب قبل از اعتراض رعایا و تصدیقی است که به حقانیت این چند نفر نموده‌ام. من شش‌دانگ قریه کامشکان را خریده و چون گفتند دو شعیر آنجا وقف است ۹۴ شعیر به ثبت داده‌ام و در موقع معامله هم ملک به اسم من ثبت شده بود و معترضین به اعتراض خود باقی بودند و چون این جانب نخواستم مالک ملکی باشم و با ساکنین آن دعوا و مشاجره نمایم طبق سؤال وضعیاتی که دفتر اسناد رسمی شماره ۲۵ تهران از اداره ثبت نمود کلیه املاک را به قید اینکه آنچه مالکم در ۲۵ بهمن ۱۳۱۵ به موجب سند شماره (۷۱۳۴) و (۷۱۳۵) همان دفتر فروخته‌ام و در اسناد مربوط به این معامله همین معنا قید و معامله با تصریح به دعاوی رعایا نسبت به عرصه باغات واقع شده‌است.

من از آنهایی که اظهارات آقای تدین را شنیده و یا در روزنامه‌ها خوانده‌اند سؤال می‌کنم که یک فروشنده که به حق خود قانع بوده و نخواهد به حقوق دیگران تجاوز کند غیر از آنچه من کرده‌ام چه می‌توانسته‌است بکند؟

چنانچه آقای تدین اظهاراتی که نسبت به این معامله نموده توانست ثابت کند گذشته از اینکه سایر اظهارات معجول ایشان را نسبت به خود تصدیق می‌کنم مبلغ بیست هزار ریال هم به ایشان تأدیبه می‌نمایم و حاضرم این وجه را قبل از ثبوت ودیعه گذارم و الا همه بدانند که آنچه در دادگاه

گفته بر خلاف حقیقت و همه از قبیل نسبت‌هایی است که به من داده‌است. یکی دیگر از اظهارات آقای تدین این است که شایسته نبود دکتر حقوق از بغل خود قرآن در بیاورد و بگوید من مسلمانم و برای اثبات اسلامیت اشهد خود را بگویم.

در ۱۴ مهرماه ۱۳۰۴ که جناب آقای مؤتمن‌الملک پیرنیا به ریاست مجلس شورای ملی انتخاب شد و قبول نمود، به مقتضای سیاست مرحوم مستوفی‌الممالک به ریاست مجلس شورای ملی و آقای تدین به نیابت ریاست انتخاب شدند.

انتخاب مستوفی‌الممالک از این نظر بود که ایشان اگر قبول هم می‌نمودند هیچ‌وقت حاضر نمی‌شدند که جلسات مجلس را اداره کنند و قهراً آقای تدین جلسه نهم آبانماه را اداره و مقدمات دورهٔ دیکتاتوری را فراهم می‌کرد. من که با وقایع نهم آبانماه مخالف بودم برای پیشرفت نظریه خود چه می‌توانستم بکنم؟ از یک طرف اکثریت قریب به اتفاق نمایندگان مادهٔ واحده را امضاء کرده و از طرف دیگر مثل تدین کسی که خود را متخصص و عامل مؤثر خلع سلطنت می‌دانست جلسه را اداره می‌کرد که هر قدر مرحوم مدرّس اعتراض نمود و گفت آقای مستوفی‌الممالک استعفا داده و قبل از هر کار باید رئیس انتخاب شود مورد توجه واقع نشد. پس من از دو کار یکی را می‌توانستم بکنم. یا اینکه فقط عقیدهٔ خود را اظهار کنم و از مجلس خارج شوم، و دیگر اینکه طوری اقدام کنم که مؤثر شود و به مقصود برسم. من شقّ دوم را به اول ترجیح داده و نمایندگان را به خدا و بعد به کلام خدا که قسم یاد کرده بودند «به اساس سلطنت و حقوق ملت خیانت نمایند» توجه دادم، ولی متأسفانه برای چند روز نیابت ریاست و وعده‌های دیگر قرآن را زیر پا گذارده و بر خلاف مصالح مملکت عمل نمودند.

در اوایل دورهٔ ششم تقنینیه در اول هر جلسه قرار بود عده‌ای از نمایندگان قسم یاد کنند و در اول شهریور ۱۳۰۵ که جلسهٔ هفتم بود چون نه می‌توانستم قسم بخورم و نه دلایل آن را در مجلس علنی اظهار کنم فرضاً هم که محرمانه به آقای تدین می‌گفتم ساعتی نمی‌گذشت که شاه مطلع می‌شد لذا این‌طور صلاح دانستم که شمایل ببرم و بگویم:

«این است پادشاه اسلام که در دست اوست بیرق ایران» که همه لال شوند و نتوانند بگویند بیرق ایران دست شاه است و بادمجان دورقابچین‌ها بنه‌مند که اگر به من اصرار کنند برای قسم، به شاه برمی‌خورم و مورد عذاب واقع می‌شوند. من به این ترتیب از قسم فرار کردم و چند روز بعد از این واقعه مرحوم مستوفی‌الممالک رئیس‌الوزراء وقت از قول شاه نقل نمود که دکتر مصدق در مجلس شمایل برده و عنقریب کار مجلس به سقاخانه هم می‌رسد جواب من این بود: در سال ۱۳۰۲ روزی اعلیحضرت (آنوقت وزیر جنگ) مرا که وزیر خارجه بودم در هیئت وزراء مخاطب قرار داده و فرمودند عده‌ای از نظامیان که مأمور بروجرد بودند بین راه به شاه عبدالعظیم رفته و در آنجا متحصن شده‌اند تکلیف چیست؟ من عرض کردم که بست حرمت شرعی ندارد عدم اجرای قانون و عدالت است که امامزاده و مسجد و بعضی از نقاط دیگر را به

اعتبار ساکنین آن‌ها بست قرار می‌دهند.

من به احمد شاه قسم یاد کرده‌ام و از او نسبت به مملکت خلافتی ندیده‌ام و این را هم می‌دانم که یکی از جهات خلع او از سلطنت عدم موافقت با قرارداد بوده وقتی که وکیل نتواند به‌طور آزاد عقیده خود را اظهار کند آیا راه دیگری بود که اعتذار خود را تلویحاً برسانم؟ مرحوم مستوفی‌الممالک تصدیق نمودند و من تقاضا کردم اگر بتوانند به شاه عرض کنند.

در دوره اول تفتینه نماینده شدن آسان بود چون که در آن وقت وکالت درخت بارآوری نشده بود که عده زیادی داوطلب باشند.

انتخابات صنفی بود چند نفر که جمع می‌شدند هر کس را که می‌خواستند انتخاب می‌نمودند با اینکه اعتبارنامه نمایندگان کمتر از سی سال در مجلس تصویب شده بود به محض اینکه معلوم شد که از نظر شرط سن می‌خواهند با من مخالفت کنند من به کلی منصرف و با احدی از نمایندگان داخل مذاکره و راضی نشدم که خود را بهر طریق و هر وسیله‌ای بود وارد مجلس نمایم و بخود اینطور گفتم: حالا که سن من کم است برایم محال است که معلومات بیشتری پیدا کنم و به مملکت بهتر خدمت نمایم این بود که سالها از وطن دور و با اینکه بکرات ناخوش بودم بدرجه دکترای حقوق رسیدم، هم‌چنانکه خود آقای تدین هم در کبر سن دکتر ادبیات شدند و من نمی‌دانستم از اینکه به مجلس رفتم و بر معلومات خود افزودم چه ایرادی بمن وارد است.

دو ماه بعد از کودتا از خاک فارس به چهارمحال بختیاری رفتم و در آنجا بودم تا اینکه مؤسس کودتا از ایران رفت و دولت قوام‌السلطنه تشکیل شد و بدون مراجعه به من، برای پست وزارت مالیه به شاه معرفی شدم.

تلگراف آقای قوام‌السلطنه که در چهارمحال رسید، به تهران آمدم و چون پیشنهاد ایشان صمیمانه نبود از قبول کار امتناع نمودم، زیرا آرمیتاژ اسمیت مستشار انگلیسی طبق قرارداد در آن وزارتخانه بود و من که با قرارداد مخالف بودم چه‌طور ممکن بود با ایشان همکاری نمایم؟

آرمیتاژ اسمیت یکی از شخصیتها و اشخاصی بود که من کمتر کسی را مثل ایشان دیده بودم ولی حفظ اصول و پرنسیپ مقدم به دوستی و رضایت اشخاص است.

چون آقای قوام‌السلطنه مایوس شدند که من وزارت مالیه را قبول کنم روزی به هیئت وزراء دعوت نمودند و با حضور وزیر جنگ و سایر وزراء اظهار نمودند که وزارت جنگ محتاج پول و خزانه دولت تهی است چنانچه کار بدین منوال بگذرد رشته انتظامات گسیخته می‌شود نظر دولت این است که اوراقی به نام اسناد خزانه چاپ و از مردم استقراضی شود، و چون مردم به شما اعتماد دارند اسناد خزانه را شما و آرمیتاژ اسمیت امضاء کنید تا به اطمینان شما دو نفر به

دولت قرض بدهند و امنیت عمومی مختل نشود.

من دریافتم که این پیشنهاد هم در سنخ همان پیشنهاد وزارت است. لذا بدون موافقت، از جلسه خارج شدم. مدتی گذشت و (آرمیتاژ اسمیت) رفت، البته او نرفت که مالیه در دست ایرانی باشد. بلکه مقصود این بود که یک ایرانی وارد کار شود و نگذارند اداره کند و بعد معلوم شود ایرانی نمی‌تواند کار کند مستشاری از دول دیگر بیاید.

با این حال وقتی که گروهی از طبقات مختلفه با من داخل مذاکره شدند و اصرار نمودند برای اینکه بعدها نگویند به واسطه امتناع من از قبول کار، مستشار آمد وارد کار شدم و آنچه را که در قدرت یک ایرانی بود کردم و ماده واحده پیشنهادی من این بود که مدت سه ماه تشکیلات وزارت مالیه را به معرض آزمایش قرار دهم و بعد لایحه تشکیلات جدید را پیشنهاد مجلس نمایم - دو ماه و پنج روز بیشتر نگذشت همین که سران اکثریت دیدند که در مدت قلیل سوابق هر یک از کارمندان وزارتی معلوم شده و اشخاصی که سوابق روشنی نداشتند در محاکمات جدیدالتاسیس محاکمه می‌شوند و عنقریب بودجه تعدیل و لایحه تشکیلات جدید در شرف پاکنویس است از حضور در جلسات مجلس طفره زدند و مرا در مقابل اعتراضات غیرموجه اقلیت بدون مدافع گذاشتند تا اینکه دولت سقوط کرد.

خلاصه اینکه اکثریت قریب به اتفاق نمایندگان با اصلاحات موافق نشدند و وقتی که مرحوم مشیرالدوله رئیس‌الوزراء برای ادامه اصلاحات مرا به همان سمت در جلسه خصوصی نمایندگان معرفی نمود، فریاد وانفسا طوری بلند شد که پیشنهادکننده را از نظر خود منصرف کرد. مرحوم مشیرالدوله می‌خواست که من پست دیگری قبول کنم چون خواهان اصلاحات بودم نه کار، از قبول هر پست دیگر خودداری کردم.

آقای تدین از اینکه مرا مغرض خطاب نموده‌اید گله‌مندم از روزی که من با شما آشنا شده و تا روزی که پرونده شما را مجلس به دیوان کشور ارجاع نمود با شما سابقه بدی نداشتم و کوچکترین سوء تفاهمی بین ما نبود البته در کار شما بی‌نظر نبودم زیرا صلاح مملکت را در این می‌دانستم که دیوان کشور به اتهاماتی که به شما نسبت داده‌اند رسیدگی و قضاوت کند. از اینکه به من نسبت منفی داده‌اید متأسفم. به عقیده من هیئت حاکمه را به سه دسته می‌توان تقسیم کرد: منفی - مثبت و خادم صدیق.

منفی - آن کسی است که جرأت و جسارتش برای کار کم و طالب حسن شهرت هم می‌باشد از اوضاع طوری انتقاد می‌کند که به هیچکس برنخورد و از قبول هرکاری که در عمل کوچکترین لطمه به حیثیات ظاهری او وارد کند خودداری می‌کند.

خلاصه این که هیچ ناسازی را برای خدمت به مملکت قبول نکند و چون قدر متیقن این است که منفی‌باف دزد و خیانتکار نیست و کسی از او متضرر نمی‌شود مردم همه با او موافق و از رویه او همگی تحسین می‌کنند.

مثبت کسی است که در هیئت حاکمه بسیار مؤثر و از قبول هر کاری چه خوب و چه بد برای تأمین مصالح و نظریات خود مضایقه نکند این دسته اشخاص چون نظریات شخصی دارند همه با هم متفق و صنف خود را حفظ می‌کنند و برای پیشرفت مقصود با هر نیک و بدی می‌سازند و چون معتقد به اصول نیستند هیچ وقت مواجه با مشکلات نمی‌شوند.

خادم صدیق - بین این دو دسته کسانی هستند که از نظر مصالح عمومی خود را مواجه با هر مشکلی می‌کنند و از هیچ ناسزا و بدی حتی ضرب و شتم و مرگ باک ندارند که این دسته را باید خادمان صدیق گفت. حال بسته به تشخیص جامعه است که با ملاحظه به سوابق اشخاص هرکس که با یکی از این سه دسته تطبیق می‌کند در محل خود بشناسند.

آقای تدین! من هیچ وقت دنبال کار نرفته‌ام زیرا هرکس که داوطلب باشد محتاج به مساعدت است و کمتر کسی است که از نظر مصالح مملکت با داوطلب مساعدت کند. به من هر وقت کاری تکلیف شده اگر از روی صمیمیت بوده از قبول آن خودداری ننموده‌ام. مدت ۱۴ ماه اوقاتی که مالیه مملکت پول و دولت قدرت نداشت معاون وزارت مالیه بودم. در آن زمان که هیچ‌کس در این مملکت اسم محاکمه نشنیده بود عده‌ای از رؤسای آن وزارتخانه را محاکمه و محکوم کردم. بر حسب تصادف در شمال و جنوب مملکت والی شدم و اهالی شهادت می‌دهند که تا چه اندازه در خیر آنها کوشیده‌ام.

و باز بر حسب تصادف وزیر مالیه و وزیر خارجه شدم همه می‌دانند که برای اصلاح وزارت مالیه و تعدیل بودجه به تمام طبقاتی که از حقوقشان کسر می‌شد مبارزه کرده و چقدر از متضررین و مخالفین اصلاحات بد و ناسزا شنیده‌ام.

من در وکالت پنجم و ششم تقنینیه در بعضی از نطق‌های خود خطر کشته‌شدن را حس کرده‌ام. من در تمام دوره ۱۴ با هر سیاستی که می‌خواست به حقوق این مملکت تجاوز کند مخالفت کرده و موفق هم شده‌ام.

آقای تدین! در دوره ۱۴ نهایت جدیت را نمودم که از فترت جلوگیری شود ولی موفق نشدم و فترت سبب شد که کار سوء استفاده و دخالت در انتخابات به جایی برسد که چندی قبل که شما را در یک مجلس ترحیم دیدم شرمنده شوم ولی از اینکه اکثریت دادگاه شما را تبرئه نمود و به یک تیر دو نشان زد بسی متأثرم. از یک طرف خلافتکاری تشویق گردید که هرکس بتواند عناصری را موافق میل و احتیاج خود نماینده ملت کند و حق حاکمیت ملت را پایمال نماید و نیز هر غارت و چپاولی که بخواهد از دارایی مملکت و مردم بکند و از بازخواست پروا نکند و از طرف دیگر مردم از این دموکراسی و آزادی مأیوس شوند که زمینه برای ایجاد دیکتاتوری تهیه و فراهم شود در عین حال جای خوشوقتی است که عناصری بودند ولو اینکه در که حق و عدالت و مصالح اجتماعی را بر همه کس و همه چیز ترجیح دهند.

دکتر محمد مصدق

۷۵

نامه دکتر مصدق به روزنامه مظفر

اداره روزنامه محترم مظفر

در شماره ۹۶ چهارم دیماه روزنامه محترم ایران ما آگهی بدون امضائی راجع به نظریات این‌جانب در تعقیب جناب آقای قوام السلطنه و وعده توضیحات بیشتری در شماره هفتم مجله ترقی ملاحظه شد. حقیقت امر این است:

آقای احتشامی مخبر روزنامه اطلاعات و مجله ترقی با تلفن برای عیادت وقت خواستند و دستور دکتر معالج را هم که منع از حرف زدن و بدیوار نصب شده دیدند چنانچه از طرف این‌جانب مطالبی در جرائد منتشر کنند جعل محض و قویاً تکذیب می‌نمایم، خواهشمندم این نامه را در اولین شماره آن روزنامه محترم درج فرمائید که موجب تشکر است.

دکتر محمد مصدق

۷۶

نامه دکتر مصدق به دادسرای تهران

۱۳۲۶/۱۲/۲۹

دادسرای شهرستان تهران - شماره ۱۵۱۲۴ مورخ ۲۶/۱۲/۲۷

موقعی که دادسرا قیومت ژینت فرزند صغیر مرحوم محمد مسعود را به این‌جانب تکلیف نمود، طبق اظهار مطلعین و دوستان نزدیک آن مرحوم ورثه‌اش منحصر به دختری چهارساله بنام ژینت است که آن مرحوم در کودکستان ایتالیائی گذارده و ماهیانه او را پرداخته است و ضمن مطالعه پرونده نصب قیم که آقای واصف دادیار دادسرای تهران برای ملاحظه سوابق و اوراق مربوطه ارائه نمودند. عین نامه اداره کل ثبت احوال حاوی رونوشت نامه دفتر ثبت احوال تهران و دو نسخه اظهارنامه پوران دیده شد که اظهارات مطلعین را به دلائل زیر تائید می‌کند:

اولاً - پوران در سال ۱۳۱۴ متولد شده و طبق اظهارنامه سال ۱۳۲۰ شناسنامه نداشته و با الزام قانونی پدر در گرفتن شناسنامه برای فرزند هیچ دلیلی مشاهده نشد که چرا مدت شش سال بدون شناسنامه بوده است.

ثانیاً - با اینکه مرحوم مسعود در آن وقت در ایران بوده چرا اظهارنامه را امضاء ننموده و مادر امضاء کرده است.

ثالثاً - در اظهارنامه که رونوشت آن ملاحظه شد مصرح است که پدر پوران مسعود قمی

است، در صورتیکه مدیر روزنامه مرد امروز که در بهمن‌ماه گذشته به قتل رسید و پوران خانم ادعای وراثت او را می‌کند (محمد مسعود) می‌باشد. چون طبق مندرجات روزنامه اطلاعات شماره روز قبل و تحقیقاتی که از صحت این خبر بعمل آمده معلوم شد که دادگاه شهرستان تهران آقای ساسان خواجه نصیری را به قیمومت پوران مسعود قمی نصب نموده و اداره ثبت احوال هم شناسنامه جدیدی با تصریح پدر (محمد مسعود) صادر گردید به قیم داده است و بدون هیچ‌گونه تحقیق از مطلعین و دفاع این‌جانب از حقوق ژینت صغیره نصف ماترک مرحوم مسعود را تفکیک کرده‌اند.

تصدیق می‌فرمائید که با این طرز کار در ادارات دولتی این‌جانب نمی‌توانم مسئولیتی را قبول کرده به آخر برسانم و بناچار بدین وسیله از قیمومت ژینت فرزند مسلم مرحوم مسعود موضوع نامه شماره ۸۲۰۴۱ - ۲۶/۱۲/۱۷ داسرای تهران استعفا می‌دهم. البته آقای واصف گزارش داده اند که پس از وصول نامه فوق الذکر بدون فوت وقت به تحویل اموال مقتول در خانه مسکونی و اداره روزنامه مبادرت شده و چون حفظ اثاث البیت در خانه‌ای که خارج از آبادی است بسیار مشکل و خانه هم می‌بایست به صلاح صغیره اجاره داده شود و حمل اموال و حفاظت آن‌ها هم در محل دیگر مستلزم خروج و تفریط بود آگهی حراج اثاث البیت با اطلاع دادسرا داده شده و این‌جانب مسئولم که قیمت کلیه اشیائی که به معرض حراج گذارده شده و موجود است با اطلاع و استحضار دادسرا به قیم جدید تحویل دهم.

دکتر محمد مصدق

نامه دکتر مصدق به ناصر نجمی

۱۷ آبان ماه ۱۳۲۷

قربانت شوم [؛] موقعی که عزم رفتن ده دارم کتاب مرحمتی رسید و از اهداء آن به خودم که هیچ‌گونه شایسته و لیاقت آن را ندارم متشکرم. آن را با خود می‌برم و از مطالعه آن مستفیض خواهم شد و از خدای متعال مسئلت می‌نمایم که شما جوانان حساس وطن‌پرست را به خدمت میهن کامیاب و موفق بدارد [.] درد بسیار است و طبیب نیست [،] باشد که از بین شما کسی بتواند کشتی بلادیده ما را به ساحل نجات رساند [.] بیش از این مصدع نمی‌شوم و بقیه تشکرات قلبی و صمیمی خود را موکول به مراجعت به شهر و زمان تشریف محول می‌نمایم و در خاتمه سلامت وجود محترم را خواهانم [.]

ارادتمند - دکتر محمد مصدق

نامه دکتر مصدق به حسین مکی

۱۰ بهمن ماه ۱۳۲۷

جناب آقای مکی نماینده محترم مجلس شورای ملی

گرچه بعد از تحصن در دربار و شکست ملت ایران در انتخابات دوره پانزدهم اینجانب سکوت اختیار کرده و کوچکترین دخالتی در امور سیاسی نداشته و حتی از حضور در اجتماعات هم خودداری کرده‌ام ولی در مورد استیضاح جناب آقای اسکندری که یک قضیه حیاتی است نمی‌توانم مرقومه جنابعالی را بلاجواب گذاشته و از اظهار عقیده خودداری نمایم. زیرا سکوت سبب می‌شود که مردم تصور کنند اینجانب هواخواه سیاست یک طرفی می‌باشم، در صورتی که ایرانی به دنیا آمده و ایرانی از دنیا می‌روم و به هیچ یک از سیاستها بستگی ندارم. یکی از مزایای دموکراسی آن است که مردم بتوانند به‌طور آزاد اظهار عقیده کنند. متأسفانه هریک از طبقات و صنوف مختلفه کشور را به جهاتی دعوت به سکوت می‌نمایند. از قبیل اینکه دانشجویان فقط درس بخوانند و کشاورزان مشغول زراعت باشند، وکیل در مجلس حرف نزنند و جار و جنجال ننمایند و احزاب سیاسی هم فقط افراد خود را وارد ادارات کنند و گاهی هم برای [اینکه] مردم اغفال شوند و نگویند احزابی در مملکت نیست، در یکی از موضوعاتی که در دانشکده‌ها درس می‌دهند و در روزنامه‌ها می‌نویسند سخنرانی نمایند و صحنه سیاست ایران را برای آن دسته از مردمی که خادم اجنبی هستند قرق نموده تا آنها بتوانند از عهده انجام وظایف خود برآیند.

من از خود شما می‌پرسم اگر در مجلس مذاکراتی که به جار و جنجال تعبیر می‌شود نشده بود جناب آقای تقی‌زاده حاضر می‌شدند خیانت عظیمی را که در دوره دیکتاتوری به میهن عزیز ما شده بود فاش نمایند؟ ایشان از ابتدای این دوره هزارها کلام حرف در مجلس زدند ولی نخواستند یک کلام راجع به بیانات من در مجلس ۱۴ اظهار نمایند، چرا؟ برای اینکه دکتر مصدق مرده بود و دستش از میز خطابه به مجلس کوتاه است، البته با مرده کسی بهتر از این رفتار نمی‌کند. کما اینکه ملت ایران را هم بواسطه روش نامطلوبی که اتخاذ کرده ملت زنده نمی‌دانند. سکوت در چنین موقعی در حکم این است که اثاث خانه‌ای را ببرند و صاحب آن منتظر عسس باشد [!] اگر ما عسس داشتیم چرا اوضاع ما به این صورت درمی‌آمد؟

آقایانی که در مجلس شورای ملی اقلیت متشکلت دارید، سکوت نکنید که بر خلاف مصالح ایران است و هیچ فرقی بین این سکوت و رایبی که مجلس برای تمدید داد نمی‌باشد، پس از سکوت:

گر تضرع کنید و گر فریاد دزد زر باز پس نخواهد داد

به دولت رأی منفی بدهید و ثابت کنید که شما نماینده افکار ملت ایرانید. برای اینکه جناب آقای ساعد نخست‌وزیر ناخوشند و باعث خون‌حق و یا ناحقی نشوید اگر بعضی نمایندگان که دعوت به سکوت می‌کنند سوء نیت ندارند با آنها موافقت کنید که دولت در مجلس علنی بیانات صادقانه جناب آقای تقی‌زاده را تصدیق کند و جناب آقای اسکندری هم استیضاح خود را مسترد نمایند تا دولت بتواند راه حلی در مصالح ایران به دست آورده و پس از اظهار در جلسه خصوصی و موافقت نمایندگان تصمیمی که لازم است اتخاذ نمایند.

دکتر محمد مصدق

۷۹

نامه دکتر مصدق در جواب به نامه سلطان‌العلمای زنجان

۲۵ بهمن ماه ۱۳۲۷

به عرض عالی می‌رساند: [مرقومه محترمه شرف وصول داد و موجب بسی امتنان و تشکر گردید خواهانم که هرکجا تشریف دارید همیشه سلامت و خوش باشید. از تشریف‌فرمایی به زنجان هیچ اطلاعی نداشتم و مخصوصاً می‌خواستم روزی در محل اقامت در شهر تهران تشریف حاصل کنم. از اینکه موقع حرکت سعادت زیارت دست نداد بسیار متأسفم و جبران مافات را خواهانم. البته باز تهران تشریف خواهید آورد و چشم دوستان به زیارت خود روشن خواهید فرمود.

استفسار از حال ارادتمند فرموده‌اند، غالباً دچار کسالت هستم و از اینکه عمر به بطلالت می‌گذرد متأثرم. دیگر بیش از این مصدع اوقات محترم نمی‌شوم و در خاتمه ارادت دیرینه خود را تجدید می‌نمایم و مژده اخبار صحت و سلامت وجود عالی را همیشه انتظار دارم.

[امضاء] دکتر محمد مصدق

[رقم ظهر پاکت]

زنجان

خدمت ذی‌شرافت آقای سلطان‌العلماء ادام الله بقاءه مشرف گردد.

دکتر محمد مصدق

تهران

۸۰

نامه دکتر مصدق به نمایندگان دوره پانزدهم توسط حسین مکی

صبح پنجشنبه ۳۰ تیرماه ۱۳۲۸

آقایان نمایندگان دوره پانزدهم

شما که به استناد قانون این جانب قرارداد «قوام - سادچیکف» را رد کردید حق این بود که در

موقع شور قرارداد «ساعد - گس» مرا بعنوان یک عضو مشاور در کمیسیونها دعوت می‌کردید تا نظریات خود را اظهار و ثابت کنم که ضرر قرارداد داری از نظر مدت برای این ملت هزار درجه کمتر است. این کار را نتوانستید بکنید گله هم ندارم در صورتی که باید بگذرد اگر می‌توانید دربارهٔ مادهٔ واحده توضیح دهید که شش شیلینگ حق‌الامتیاز لیره طلاست که به نرخ روز لیره کاغذی پرداخته می‌شود یا کلاه کاغذی است. چون از مضمون نامه آقای هزیر وزیر مالیه وقت و وزیر دربار فعلی به کمپانی که جزو اسرار اداری است اطلاع ندارم و فعل و انفعالهائی هم تا ۱۹۳۶ بین وزارت مالیه و کمپانی شد که قرارداد الحاقیه در این باب سکوت کرده است، بدا به حال شما اگر از درج این توضیح هم خودداری کنید.

دکتر محمد مصدق

۸۱

نامه دکتر مصدق به حسین مکی

قربانت گردم [۰]. نامه را تقدیم می‌کنم خوب است قبل از اینکه نمایندگان از نیات حضرت عالی عصبانی شده باشند و بخواهند تلافی آن را بر این نامه درآورند نامه را در اول نطق خودتان قرائت فرمائید و اسمی هم از بنده نبرید فقط بفرمائید تشکری از آقایان نمایندگان توسط من شده که اگر اجازه می‌فرمائید چون خیلی مختصر است بخوانم البته اجازه خواهند داد اگر نامه قرائت شد در آخر نطق با تلفن به بنده خواهید فرمود، چنانچه لازم هم نیست آن را بعد به بنده لطف خواهید فرمود [۰].

۸۲

نامه دکتر مصدق به حسین مکی

شنبه اول مرداد ۱۳۲۸

جناب آقای حسین مکی نماینده محترم

تشکرات بی‌پایان مرا به آقایان نمایندگان که موقع خواندن نامه من در مجلس احساسات خود را ابراز کرده‌اند تقدیم کنید امیدوارم که سایر آقایان نمایندگان نیز به آنها تاسی کنند و قرارداد باطل دوره دیکتاتوری را با تصویب لایحه دولت ساعد برای خاطر بعضی چیزها تنفیذ نمایند [۰]. بزرگترین مظالم آن دوره به ملت ایران همین قرارداد است که آقای تقی‌زاده امضاءکننده بر بطلان آن اعتراف نمود و چون این قرارداد قادر نیست با افکاری که امروز دنیا دارد ۴۴ سال دیگر ملت ایران را از حق خود محروم کند این است که کمپانی داوطلب قرارداد جدید شده و می‌خواهد بوسیله چند ملیون لیره از مجلس پانزدهم امضاء بگیرد [۰]. کجا هستند فرزندان دلاور و غیور ایران که ببینند در این روزهای تاریخی آنهائی که همیشه در روزنامه‌ها از ملت دفاع

می‌کردند در نتیجه وقایع اخیر و حبس و محکومیت قلم را شکسته‌اند و در مجلس هم فقط چند نفر با این قرارداد منحوس مبارزه می‌کنند. نام شما ای نمایندگان مدافع وطن در تاریخ ایران جاودان است.

فدائی بازنشسته - دکتر محمد مصدق

۸۳

یادداشت دکتر مصدق به اداره روزنامه شاهد بضمیمه نامه به مدیر روزنامه طلوع

اداره روزنامه محترم شاهد

رونوشت نامه‌ای که به آقای مدیر محترم روزنامه طلوع نوشته‌ام ارسال می‌شود که اگر مقتضی بدانند در آن جریده شریفه درج شود.

دکتر محمد مصدق

جناب آقای مدیر محترم روزنامه طلوع!

شرحی که راجع به بیانات این جانب در جلسه مصاحبه مطبوعاتی ۴ شنبه ۲۳ شهریورماه زیر عنوان «شاه نوعی یعنی چه» در آن جریده شماره ۴۲ درج فرموده‌اید ملاحظه و موجب کمال تأسف گردید که نویسنده بیان ساده این جانب را شاید از روی عدم توجه، سوء تعبیر کرده است. حاجت به توضیح نیست که قوانین اساسی برای تسلیهای متوالی و دوران ممتد و مدید، نوشته می‌شود و منظور این جانب از شاه نوعی این بوده که قانون‌گذارانی که می‌خواهند به شاه این مملکت اختیار بستن مجلس را بدهند نباید فقط حسن نیت و پاک‌دلی پادشاه زمان خود را ملاک و مأخذ استحقاق چنین اختیارات وسیعی قرار دهند، بلکه باید فکر کنند که این اختیار در ایامی که پادشاه عصر، فاقد فضیلت اخلاقی باشد مبادا زیان و محدودیتی متوجه آزادی و مشروطیت کند.

در بیانات این جانب اگر دقت شود جمله‌های دیگر یافت می‌شود که نشان می‌دهد مصاحبه این جانب نسبت به مقام سلطنت از حدود ادب خارج نبوده و در این امر، جز انجام وظیفه ملی و اجتماعی، منظور و محرکی وجود نداشته است.

دکتر محمد مصدق

۸۴

نامه دکتر مصدق به انجمن مرکزی^۱

ریاست محترم انجمن نظارت انتخابات دوره شانزدهم [!] مرقومه جوابیه شماره ۲۳ مورخ

^۱ ساعت ۵ بعدازظهر دیروز [۱۵ مهر ۱۳۲۸] نامه زیر از طرف جناب آقای دکتر مصدق السلطنه در پاسخ انجمن نظارت انتخابات تهران ارسال شده است.

۲۴ جاری آن ریاست محترم واصل گردید، هیئت متحصنین نمی‌خواهند بیش از این در طرز اجرای قانون انتخابات و اعمال نفوذی که از طرف بعضی از ادارات دولتی و بنگاه‌هایی که تحت نفوذ دولت هستند نسبت به انتخابات این دوره شده است قلم‌فرسایی کنند.

حقایق چیزی نیست که بتوان آنرا کتمان نمود و ملت ایران با هوشتی از این است که حق را از باطل تمیز ندهد. بنابراین هیئت متحصنین قضاوت در موضوع را به عهده اشخاصی محول می‌کنند که غیر از خیر مملکت و صلاح مردم نظری ندارند.

از طرف هیئت متحصنین دکتر محمد مصدق

۸۵

نامه دکتر مصدق درباره انتخابات مجلس سنا

[رونوشت به مدیر روزنامه اطلاعات]

اجازه می‌خواهم قبلاً گله دوستانه‌ای از جنابعالی بکنم و بعد نظریات خود را در خصوص سؤال روزنامه اطلاعات که در شماره ۷۰۴۶ مورخ دهم مهرماه فرموده‌اید عرض نمایم. گله‌مندی نامه‌ای که روزهای آخر دوره ۱۵ تقنینه در خصوص لایحه نفت که در مجلس مطرح بود به جناب آقای ساعد نخست‌وزیر نوشتم و تقاضای درج آن را نمودم در روزنامه اطلاعات درج نشد، بیش از این عرض ندارم و داخل در جواب سؤال می‌شوم و برای این که خوانندگان محترم از مراجعه به شماره فوق مستغنی شوند متن سؤال را در این جا نقل می‌نمایم:

«موضوعی که مورد اختلاف نظر بود این بود که آیا افرادی که به سناتوری شهرستانها انتخاب شده و می‌شوند و در صورت ۷۵ نفری هستند آیا می‌توانند در دادن رأی به سناتورهای تهران شرکت کنند یا نه؟ طبق تحقیقاتی که از طرف این اداره شده و با مقامات مسئول تماس گرفته شده و با مراجعه به مراجع قضایی و مطالعه قانون و آیین‌نامه انتخابات چنین مستفاد شده است که شرکت اشخاصی که به سناتوری از شهرستانها انتخاب شده‌اند در حوزه مرکزی مانعی ندارد و می‌توانند رأی بدهند الی آخر».

از تنظیم ماده ۱۶ قانون انتخابات سنا مقصود دولت این بود که مأمورین نوشتن آراء در هر ورقه‌ای اسم ۷۵ نفر را بنویسند تا نتیجه این بشود غیر از اشخاصی که دولت در نظر داشت کسی انتخاب نشود و چون نوشتن اسم ۷۵ نفر در اوراق سهل نبود و نویسندگان عده‌ای را کمتر از این نوشتند نتیجه مطلوبه حاصل نشد و اشخاص دیگری برخلاف نظر دولت جزو منتخبین درجه اول انتخاب شدند و اکنون دولت نگران است و بیم دارد که بعضی از منتخبین ۷۵ نفری بخواهند حیثیاتی که در یک عمر تحصیل کرده حفظ کنند و شخصیت خود را برای اشخاص مورد توجه دولت از دست ندهند، این است که دولت می‌خواهد فقدان آراء این عده از منتخبین درجه اول را بدعوت اشخاصی که در تهران انتخاب شده و در ولایات هم در انتخابات درجه ۲ سناتور

شده‌اند جبران نمایند. ای کاش روزنامه اطلاعات می‌گفت چه اشخاصی قانون انتخابات را این‌طور تفسیر می‌کنند که سناتورهای ولایات در انتخابات درجه ۲ تهران هم می‌توانند شرکت کنند و هم‌چنین نام آن کسانی را که معتقدند این عده سناتورها حق دارند در ولایات و تهران هر دو رأی بدهند فاش می‌نمود تا مردم بدانند که در رأس بعضی از مراجع قضائی یا اداری ما چه اشخاص متملق و مغرض واقع شده‌اند.

مطمئن به قوانین بین‌المللی می‌دانند که در هیچ‌کجا معمول نیست که در انتخابات یک دوره تقنینه خواه مربوط به مجلس شورای ملی باشد یا به مجلس سنا یک نفر بتواند بیش از یک مرتبه رأی بدهد، در این مملکت غیر از بدو مشروطیت تاکنون چنین عملی برطبق قانون واقع نشده و برای استناد به گفته خود موادی که در قوانین انتخابات منسوخه و مجریه ما تصویب شده از نظر خوانندگان می‌گذرانم. ماده هفتم نظامنامه انتخابات اصنافی سال ۱۳۲۴ قمری هجری از این قرار است: (هریک از انتخاب‌کنندگان صاحب یک رأی می‌باشند و فقط در یک طبقه می‌توانند رأی بدهند) این ماده که منسوخه است اجازه نداده که افراد یکی از طبقات در طبقه خود و طبقه دیگر هر دو رأی بدهد و ماده ۱۶ نظامنامه انتخابات مجلس شورای ملی مورخ سال ۱۳۲۷ قمری بدین قرار تنظیم شده:

(هریک از انتخاب‌کنندگان زیاده بر یک مرتبه حق رأی دادن ندارند مگر در صورتیکه تجدید انتخاب لازم شود) که ماده مزبور در قانون سال ۱۳۲۹ قمری ذیل عدد ۱۹ بدون تغییر در مجلس دوم تصویب شده و موقع تجدیدنظر در دوره پنجم تقنینیه بهمان حال ذیل عدد ۷ باقی مانده است.

هرگاه اسامی اشخاصی را که به تلقین محافل دولتی آنها را برای سناتوری تهران نامزد کرده و در انتخابات به آنها کمک نموده‌اند و در روزنامه اطلاعات شماره ۷۰۰۳ مورخ ۲۲ مرداد مندرج است با اسامی اشخاصی که در تهران انتخاب شده‌اند و روزنامه اطلاعات ۷۰۲۹ مورخ ۲۱ شهریور درج شده مطابقت کنیم معلوم می‌شود متجاوز از ۲۰ نفر برخلاف نظر دولت انتخاب شده‌اند که ممکن است دولت بگوید آیا این اشخاص بهترند یا آنهایی که من کاندید کرده و یا با کمک من انتخاب شده‌اند.

شک نیست که در بین هر دو دسته اشخاص خوب و بد هر دو یافت می‌شوند ولی آن چیزی که در اعمال وکیل بیشتر مؤثر است خوبی وکیل نیست بلکه طرز انتخاب اوست. به عقیده من اگر مردم افراد بدی را هم از روی اغفال انتخاب کنند چون خود را خادم و محتاج به مردم می‌دانند به مردم خدمت می‌کنند و برعکس اگر احیاناً دولت اشخاص خوبی انتخاب نمود و قبول هم کردند ممکن است در فروع مطالب که ضروری به دستگاه دولت نرسد از میل و افکار مردم تبعیت کنند ولی در اصول معینی آنجائی که یک قضیه حیاتی به ضرر جامعه پیش بیاید بخدا قسم نمی‌تواند از اجراء امر دولت تخلف کند و به همین دلیل بود که مرحومان مشیرالدوله و

مستوفی الممالک و مؤتمن‌الملک را که برای نمایندگی دوره ۷ تقنینیه دولت انتخاب نمود از قبول امر دولت سر زدند [.] رحمت‌الله علیهم اجمعین.

دکتر محمد مصدق

۸۶

یادداشت ارسالی دکتر مصدق به روزنامه اطلاعات به ضمیمه نامه به شاه

اداره روزنامه اطلاعات

خواهشمندم رونوشت عریضه سرگشاده‌ای که به پیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی عرض شده در آن جریده شریفه درج بفرمائید.

دکتر محمد مصدق

متن نامه دکتر مصدق به شاه

جمعه ۲۲ مهر ۱۳۲۸

پیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی

سوء جریان انتخابات دوره شانزدهم و مداخلات نامشروع مأمورین و مقامات ذی‌نقوذ از نظر شاهانه پنهان نیست به طوری که مکرر ابراز عدم رضایت شده و اوامر اکید دائر بر رعایت آزادی انتخابات صادر فرموده‌اند. با کمال تأسف باید اذعان کرد که تاکنون به صدها تلگراف و عرایض شکایتی که از طرف و اکناف مملکت به مراجع مسئول کشور رسیده کمترین توجهی از طرف اولیای امور مبذول نگردیده و از شدت آن مداخلات به هیچ‌وجه کاسته نشده است. از این نظر در تمام شهرستان‌ها و هم‌چنین در پایتخت یک نوع نگرانی در افکار عمومی بوجود آمده و عدم رضایت عامه را فراهم نموده است که علاوه بر تضییع حقوق جامعه باعث وخامت اوضاع و حدوث وقایع غیرمترقبه و بروز مفاسد خواهد بود.

برای مردمی که مورد تجاوز و تعدی قرار گرفته و می‌گیرند جز توسل به ذات مبارک شاهنشاهی ملجا و پناهی نیست و به همین جهت امروز نمایندگان قاطبه اهالی پایتخت به عنوان اعتراض بر مفاسد انتخابات تصمیم بر تحصن در دربار شاهنشاهی را نموده‌اند.

از پیشگاه همایونی استدعا دارند که با توجه به انتخابات شهرستان‌های دور و نزدیک خصوصاً نقاط مرزی کشور که از نظر استقلال و وحدت ملی مورد کمال اهمیت است بذل عنایت فرمایند که حقوق از دست رفته مردم به آن‌ها بازگردد و انتخاباتی که با تهدید و تطمیع و اعمال نفوذ و غیرقانونی صورت گرفته است از اعتبار ساقط شود.

این کار میسر نخواهد شد مگر اینکه یک هیئت مورد احترام و توجه افکار عمومی زمام امور را در دست گیرد و مسئول صحت انتخابات باشد و مخصوصاً وزارت کشور را یکی از رجال

مجرب و کارآزموده و صالح که طرف اطمینان عامه است عهده‌دار شود تا سوء جریان کنونی برطرف گردیده و تسکین در افکار متشنج مردم داده شود.

فساد انتخابات در شهرستان‌ها به حدی رسیده که مردم از فشار مأمورین و زجر و ضرب و جرح دسته دسته به تهران مهاجرت می‌کنند یا در تلگراف‌خانه‌های محل یا اماکن مقدسه به حالت تحصن بسر می‌برند. در تهران انتشار لیست معین منتسب به دستگاههای دولتی سبب شده که افراد خوشنام از عضویت انجمن اصلی و انجمن‌های فرعی مستعفی شده و یأس و نومیدی کامل بر تمام طبقات ملت مستولی شده است.

مقدمات انتخابات تهران طوری نیست که بتواند اعتماد و اطمینان عامه را بخود جلب کند زیرا جمع‌آوری شناسنامه‌های مجعول و بی‌صاحب برای صدور کارتهای کارگری و فشار به کسبه و تهدید و تطمیع آنها از طرف بنگاهها و اداره‌های دولتی و شهرداری و شهربانی برای انتخاب افراد و اشخاص معینی است که در اکثر جراید پایتخت لیست واحد این مقامات انتشار پیدا کرده است و حتی انجمن نظارت انتخابات نیز بوجود این صحنه‌سازیها تلویحاً اعتراف نموده است.

فدوری بنام جماعتی که برای عرض شکایت قصد تحصن دارند این عریضه را که به منزله فهرستی از درخواستهای آنان است پیشگاه همایونی تقدیم و استعجازه می‌طلبد که تا صدور اوامر موکده و اخذ نتیجه به حال تحصن دربار اعلیحضرت همایون شاهنشاهی باقی بمانیم.

دکتر محمد مصدق

نامه دکتر مصدق به انجمن نظارت انتخابات تهران

جناب آقای سید محمد صادق طباطبایی رئیس انجمن اصلی نظارت انتخابات تهران هیئت متحصنین که از افراد ملت ایران اند از زحماتی که برای انجمن تحمل فرموده‌اید متشکرند، ولی نسبت به جریان امر انتخابات اعتراضات و نظریاتی دارند که ذیلاً شرح داده می‌شود و از جنابعالی که سوابق آزادی‌خواهی دارید انتظار دارند که به اعتراضات مزبور توجه فرموده و موجبات نگرانی را رفع نمایند:

۱ - اظهار تلویحی جنابعالی در مصاحبه مطبوعاتی منتشره در روزنامه اطلاعات دو روز قبل دائر به اینکه از طرف بعضی مقامات لیستی به طبقاتی از مردم داده‌اند دلالت دارد بر مداخلات نامشروع دستگاههای دولت در امر انتخابات.

۲ - با آنکه تصمیم گرفته شده بود فقط شناسنامه با عکس قبول شود عدول از این تصمیم و قبول کارت کارگری موجبی نداشته و باعث نگرانی شده‌است و این اجازه که به طور نامحدود به

عنوان کارگران داده شده با محروم کردن عده زیادی که شناسنامه عکس‌دار ندارند به هیچ چیز تلقی نمی‌شود جز مساعدت به کسانی که به عنوان کارت کارگری قصد سوءاستفاده دارند.

۳- چون فردا مقرر است انتخابات شروع شود هنوز مردم از اسامی اکثر اعضاء انجمن‌های فرعی بی‌اطلاع‌اند و فقط اسامی ۲۴ شعبه در روزنامه اطلاعات منتشر شده بعلاوه به عده زیادی کارت‌های دعوت نرسیده و بیش از ۲۸ نفر نیز استعفا داده‌اند و سایل اخذ رای، روز مقرر میسر نمی‌شود.

۴- در انجمن‌های فرعی اشخاص غیرمحلّی انتخاب کرده‌اند از جمله یک سرهنگ بازنشسته برای ریاست یکی از انجمن‌های حومه معین شده که سایر اعضاء انجمن مزبور هم بدان اعتراض نموده‌اند.

۵- تصمیم انجمن به شروع اخذ آراء با وجود عدم تعیین بعضی از انجمن‌های فرعی ترتیبی است که بر خلاف قاعده و معمول شده است.

۶- با اطلاعی که انجمن دارد بعضی از رؤساء متنفذ ادارات شهربانی به مؤسسات حمل و نقل شهری برای رای دادن به نفع اشخاص معینی اظهار تمایل کرده‌اند به علاوه رؤساء بعضی از مؤسسات دولتی و بلدی نیز اشخاصی را که تحت نفوذ آنها هستند جمع‌آوری و دستورات مخصوص برای ریختن آراء داده‌اند.

۷- محل‌های بعضی از انجمن‌ها بدون ذکر علت تغییر داده شده و موجبات نگرانی را فراهم کرده‌است.

۸- نرخ بعضی از خطوط اتوبوس به مناسبت موافقت یا نظریات مأمورین مربوط تغییر داده شده و ایستگاه شمیران در نتیجه همین عمل به جای اول خود برگشته است.

۹- آقای شهردار تهران که معروف است تحت حمایت شماس‌ت تا دیروز رسماً شهردار تهران بوده و در امر انتخابات کارمندان شهرداری با کسبه و اصناف در تماس بوده‌اند در جلسه انجمن محلی شمال شهر که چند هفته قبل در منزل آقای حریری طلوع تشکیل بود در حضور یک جمعیت ۵۰۰ نفری آقای عیسی بهزادی آقای دولت‌آبادی را با حضور خودشان کاندیدای تهران معرفی نمودند و در اغلب مجالس انتخاباتی آقای دولت‌آبادی از چند هفته به این طرف به عنوان کاندیدا حاضر شده و سخنرانی هم نموده‌اند.

آگهی‌های انتخاباتی مربوط به شهردار تهران را نیز مدتی قبل از استعفاء در مغازه‌ها و اتوبوس‌ها منتشر ساخته‌اند در صورتی که در دوره چهاردهم خود جنابعالی انتخابات تهران را برای مداخلات رئیس شهرداری و مدیر کل راه‌آهن تعطیل نمودید.

۱۰- ظاهری فرماندار دماوند است و چون در دوره پانزدهم بخشدار لواسان بوده و در آراء آنجا خرابکاری نموده او را به عنوان بازرس لواسان تعیین کرده‌اند با اینکه هنوز سمت فرمانداری دماوند را دارد.

- ۱۱- عده زیادی از اعضاء اسکی و دخانیات و راه‌آهن در انجمن‌های فرعی گذاشته شده‌اند.
- ۱۲- یکی از اعضاء انجمن که ریاست کارگران را نیز دارد روی ابلاغ‌های صادره به نام اشخاص برای عضویت انجمن خط زده و اسم دیگری را که می‌خواسته نوشته‌است.
- ۱۳- انجمن اصلی اغلب از کاندیداهای انتخاباتی تشکیل شده (آقایان ضیاء طباطبایی - خسرو هدایت - علی اویسی) - آقایان احمد اخوان و بوشهری به کاشان و اهواز رفته‌اند. آیه‌الله غروی نیز مستعفی است و امور انجمن به وسیله آقایان خسرو هدایت و ضیاء طباطبایی و علی اویسی در حقیقت اداره می‌شود و با این کیفیت تشکیل انجمن‌های فرعی به نظر این اشخاص متضمن سوء جریان انتخابات خواهد بود.
- ۱۴- رئیس انجمن کشتارگاه آقای ابهری یکی از قضات دادگستری بوده ولی مرتضی طوسی را بدون علت بجای مشارالیه تعیین نموده‌اند و صورت مجلس اولی دایر به تعیین آقای ابهری از میان رفته‌است و مأمور خود شهرداری در کشتارگاه را معاون انجمن کرده‌اند.
- ۱۵- با اینکه شناسنامه‌های بلاصاحب و معقول به تصدیق اداره آمار به تعداد زیادی وجود دارد تهیه کارتهای کارگری متعدد عکس‌دار کار آسانی است.
- علیهذا فقط کارت کارگری باید عبارت باشد که اداره دولتی مسئول کارخانه‌ای که کارگر در آنجا کار می‌کند آن را صادر نماید و به هیچ قسم کارت دیگری نباید اعتبار داده شود.
- ۱۶- برای اطمینان از جلوگیری از سوء جریان لازم است دو شعبه انجمن فرعی تخصیص به کارگران کارخانه‌های دولتی که دارای کارت به صورت فوق می‌باشند داده شود و در هر انجمن دفتری باشد که نام و شماره کارت و مشخصات کامل آن ذکر و ثبت گردد.
- ۱۷- نقل و انتقال رؤساء برزن‌ها به وسیله شهردار تهران که امروز استعفا نموده موجب نگرانی است.
- ۱۸- از ناحیه خود کارگرا اطلاع رسیده که شناسنامه‌های کارگرهای راه‌آهن خارج از حوزه تهران را جمع‌آوری نموده و به تهران فرستاده‌اند تا در موقع اخذ رأی مورد سوء استفاده قرار دهند. انجمن نظارت چه اقدامی برای جلوگیری از اینگونه آراء نموده‌است.
- ۱۹- به وسیله مؤسسات حمل و نقل اطلاع رسیده که اداره راهنمایی شهربانی کارتهای سفید به عنوان کارت شاگرد رانندگی بین شرکت‌های اتوبوسرانی و شاگرد شوferها پخش نموده (که نمونه آن در دست است) و دستور داده‌اند شاگردشوferها با ۲ قطعه عکس در روز ۲شنبه در اتحادیه رانندگان حاضر شوند.
- ۲۰- با آنکه به انجمن پیشنهاد شده بود که برای کنترل رای بهترین طریق که در امریکا هم معمول است آلوده نمودن انگشت یا کف دست به مرکب چین می‌باشد بکار برده شود معذالک با موجود بودن آن نوع مرکب در تهران و یا امکان تهیه آن از امریکا چرا انجمن از قبول این پیشنهاد خودداری و با ابتکار کارت کارگری حق رأی را از بسیاری از مردم ساقط کرده‌است؟

با توجه به جهات فوق که فعلاً به نظر رسید آیا شروع به اخذ آراء برای فردا در چنین وضعی منظور آزادی انتخابات و مشروطیت را تأمین می‌کند؟ امیدواریم جنابعالی توجه فرمایید که هرچه زودتر این نواقص مرتفع شده پس از رفع به طوری که در نظر دارید بزودی انتخابات شروع گردد.

۲۲ مه‌ماه ۱۳۲۸

از طرف هیئت متحصنین دربار دکتر محمد مصدق

۸۸

نامه دکتر مصدق به هژیر

جناب آقای هژیر وزیر دربار سلطنتی [!]

اوامر شاهانه مندرج در نامه شماره ۷۸۱۹ آن جناب به این جانب رسید و به آقایان متحصنین ابلاغ گردید. هیئت متحصن نسبت بانتخابات تهران بالاخص نظری ندارند و می‌دانند که مرجع شکایت بعد از خاتمه انتخابات مجلس شورای ملی است. ولی البته پادشاه منشاء عموم اصلاحات می‌باشند و غرض عمده از تحسن این بود که در این دوره فترت که تعیین نخست‌وزیر محتاج به تمایل مجلس نیست دولتی روی کار بی‌آورند که وجهه نظر خود را فقط حفظ مصالح سلطنت و ملت قرار دهد و در عصر چنین پادشاهی مملکت صاحب مجلسی شود که به اصلاحات اساسی قادر باشد و از فقر و بیچارگی مردم بکاهد و کشور را قرین آسایش و رفاهیت نماید. اگر فقر و بیچارگی مردم نتیجه اعمال هیئت‌های حاکمه نیست خوب است آن جناب بفرمایند علت بدبختی‌های این جامعه چیست؟ اکنون که درخواست ما مورد توجه و عطوفت شاهانه قرار نگرفت به تحسن خاتمه می‌دهیم و سعادت مملکت را همیشه خواهانیم.

دکتر محمد مصدق

۸۹

تکذیب دکتر مصدق در خصوص داوطلبی آیت‌الله غروی برای نمایندگی از بهبهان

آقای مدیر محترم روزنامه شریفه شاهد [!]

از تهران رونوشت تلگرافی راجع به داوطلبی حضرت آیت‌الله غروی از بهبهان برای نمایندگی مجلس شورای ملی به این جانب رسید که به کلی برخلاف حقیقت است؛ زیرا حضرت معظم‌له نه از بهبهان و نه از تهران هیچ‌کدام داوطلب نمایندگی دوره ۱۶ تقنینیه نیستند و بنابراین

خواهشمندم مراتب را در آن جریده شریفه تکذیب فرمائید.

دکتر محمد مصدق

۹۰

نامه دکتر مصدق به دکتر محمود مصدق

۲۹ مهرماه ۱۳۲۸ = ۲۱ اکتبر [۱۹۴۹]

قربان محمود عزیزم [؟] کاغذ اول اکتبر رسید و موجب خوشحالی من گردید. از اینکه حالت بحمدالله خوب است مشتکرم و از اینکه از اوضاع و هوا ناراضی هستی، چون هنوز عادت نکرده‌ای نمی‌توانم چیزی بنویسم. البته هوا و آفتاب ایران در انگلستان نیست ولی در عوض معلوماتی پیدا می‌کنی که به درد این مملکت بخوری و چندی هم که عادت بکنی دیگر خیلی ناگوار نخواهد بود و من یقین دارم که روز به روز به وضعیات آنجا انس خواهی گرفت. در خصوص رادیو هرچه معمول مدرسه باشد باید عمل کنی البته به یک دانش‌آموز نمی‌شود چیزی داد که دیگری از داشتن آن محروم باشد همه باید یک جور و یک طریق زندگی کنند و فرقی بین عده‌ای که در یک مدرسه زندگی می‌کنند نباشد، اگر این رویه معمول نشود پسر یک لردی ممکن است خیلی چیزها داشته باشد که تو نسبت بآنها بدیده حسرت بگیری.

باری بیش از این چه بنویسم، چون که تو بسیار عاقل و باهوشی و می‌دانم که هرچه بگویم قبول می‌کنی. از حال من بخواهی بقدری گرفتارم که حد ندارد اگر روزنامه‌ها را پاپولا*^۱ برایت بفرستد از جریان امور مستحضر می‌شوی، دیگر چه برایت بنویسم که از کارت بی‌کار شوی، البته از اخبار خود همیشه برایم بنویس و مکاتبه سبب می‌شود که معلومات ایرانی را فراموش نکنی. خیلی دلم برایت تنگ شده ولی تحصیل و تربیت از هر چیز برایت مفیدتر است. قربان محمود جون عزیزم بروم.

پاپا

[مجدداً]

کاغذ دهم اکتبر هم رسیده است
آدرس تو را من این‌طور در ... خودم نوشتم اگر صحیح است همین‌طور باشد و الا آن را اصلاح
کنم.

Sutton - Surry England

اول اکتبر را این‌طور نوشته بودی اکتبر که من یازدهم خواندم.

* منظور دکتر غلامحسین مصدق است.

نامه دکتر مصدق به فرماندار نظامی تهران

احمدآباد، اول آذر ۲۸

تیمسار محترم آقای سرلشگر خسروانی، فرماندار نظامی تهران [!] از چهاردهم آبان‌ماه که این‌جانب را از تهران به احمدآباد آورده‌اند و زیر نظر مأمورین کارآگاهی واقع شده‌ام، چون رؤیمی برای زندگی این‌جانب تعیین نشده در حال بلاتکلیفی مانده‌ام، بدیهی است که مقصود از رژیم کلیه اعمالی است از مکاتبه و ملاقات که باید مطلقاً از آنها احتراز کنم. نظر به اینکه تولید بیمارستان نجمیه با این‌جانب و امور زندگی خود را نیز باید اداره کنم، متمنی است مقررات حکومت نظامی را ابلاغ فرمائید تا کاری برخلاف آنها مرتکب نشوم. تبعیت این‌جانب از قانون به قدری است که حتی این‌نامه را نمی‌خواستم مستقیماً تقدیم کنم چون مأمورین کارآگاهی نخواستند واسطه ارسال آن شوند ناچار شدم که به وسیله قاصد از آن تیمسار محترم کسب تکلیف کنم.

دکتر محمد مصدق

نامه دکتر مصدق به دکتر محمود مصدق

احمدآباد نهم آذرماه ۱۳۲۸

قربان محمود عزیزم [!؛] کاغذ ۱۹ نوامبر رسید و موجب نهایت خوشوقتی گردید. امیدوارم همیشه سلامت و خوش باشی و کار خود را تمام کنی و به درد مردم بخوری. آنچه را که نوشته‌ای تصدیق دارم و الحق خوب قضاوت کرده‌ای و من از اینکه متوجه تمام نکات هستی بسیار خوشوقتم. از حال من بخواهی عجزالتاً بد نیستم و در احمدآباد می‌گذرانم تا خدا چه خواسته‌باشد و چه پیش آید. پاپولا هم هفته [ای] یک مرتبه سری به من می‌زند و جای تو بسیار خالی است. اینکه نوشته‌ای از من کاغذی نداری، هر وقت که کاغذ تو رسیده است من بلاجواب نگذاشته‌ام و نمی‌دانم چرا نرسیده است، در صورتی که پاکت‌ها را خود خانم به پست می‌دهد. مامان ملک، حموش همگی هستند. دیگر بیش از این نمی‌نویسم و تو را از کارت باز نمی‌دارم و از دور تو را می‌بوسم و قربانت می‌روم.

پاپا

نامه دکتر مصدق به رئیس اداره کل شهربانی

احمدآباد، ۱۶ آذر ۱۳۲۸

تیمسار محترم سرلشگر زاهدی رئیس اداره کل شهربانی [!]

ساعت ۵ بعدازظهر امروز سرکار سروان احمدی برای بردن مأمورین کارآگاهی به احمدآباد آمده و حاضر نشدند که تقاضای این جانب را در خصوص ابقای آن‌ها مورد قبول قرار دهند. تا در شهر تهران حکومت نظامی برقرار است این جانب جرأت آمدن نمی‌کنم و علت اینست که بدون ذکر هیچ دلیل فرمانداری نظامی این جانب را از شهر تبعید و اکنون ۳۲ روز است که در این جا تحت مراقبت مأمورین کارآگاهی قرار داده است، با این حال این جانب توقف خود را در این جا به آمدن شهر ترجیح می‌دهم و از آن تیمسار محترم خواهش می‌کنم با تقاضای این جانب موافقت و امر به عودت آن‌ها فرمائید.

دکتر محمد مصدق

نامه دکتر مصدق به جبهه ملی ایران

احمدآباد، هشتم دی‌ماه ۱۳۲۸

حضرات آقایان محترم و همکاران عزیزم [!]

از اینکه چندبار به بازگشت شهر دعوتم فرموده‌اید و بواسطه وجود حکومت نظامی در تهران باز در احمدآباد مانده‌ام بسی متأسفم و حقیقت امر این است که با وجود حکومت نظامی در حفظ حقوق ملت و صیانت آزادی‌های سیاسی هیچ نوع اقدامی نمی‌توان بعمل آورد چه حکومت نظامی تعطیل عملی مشروطیت است و با وجود آن حقوق و آزادی‌هایی که به موجب قانون اساسی برای ملت شناخته شده چنانکه به تجربه دیده‌ایم کان لم یکن می‌شود.

در ممالکی که دولت علاقمند به قانون اساسی و اجرای اصول مشروطیت است بر فرض لزوم حکومت نظامی دوام پیدا نمی‌کند ولی در این مملکت کافی است که دولت بهانه‌ای بدست آورد و به واسطه برقراری حکومت نظامی ماه‌ها و سالها مشروطیت را تعطیل کند.

معدالک ممکن است اقامت را در خارج تهران حمل بر تعلل در ایفاء وظایف فرمایند و حال آنکه همیشه و در هر حال، برای خدمت به ملت و فداکاری در راه آزادی حاضر بوده و هستم اینک به اختصار نظر خود را در تأیید افکار آزادی‌خواهانه آقایان دوستان و همکاران عزیز عرض می‌کنم [.]

به عقیده این جانب نجات کشور ما منحصرأ در ایمان به دموکراسی حقیقی و ایجاد حکومت

واقعی مردم بر مردم است و هر نوع حکومتی که به آراء و افکار عمومی متکی نباشد نه تنها قادر نیست خدمتی انجام دهد بلکه منشاء بدبختی‌ها و مصائب عظیم برای ملک و ملت خواهد شد و سرانجام خود و مملکت را نابود خواهد ساخت.

ایجاد حکومت دموکراسی هم یک راه بیش ندارد و آن انتخابات آزاد است که جز با الغاء حکومت نظامی و عدم دخالت دولت به نفع و یا به ضرر اشخاص صورت پذیر نیست. اگر انتخابات بدست مردم انجام گیرد یعنی مردم بتوانند هرکه را بخواهند روانه مجلس کنند مجلس شورای ملی نماینده قاطبهٔ مملکت است و تقریباً محال است که جز به صلاح موکلین خود قدمی بردارد و آنچه در حکومت مردم بر مردم در درجهٔ اول اهمیت است همین یک نکته اساسی است.

بارها این عقیده را اظهار نموده‌ام که نمایندهٔ مردم هرکه باشد بهتر از نمایندهٔ دولت است ولو اینکه نمایندهٔ مردم عادی و بی‌خبر باشد و نمایندهٔ دولت عارف و صاحب‌نظر و باایمان به این اصل است که انتخابات مجلس شانزدهم و مجلس سنا را که با قتل و ضرب و شتم و تهدید و تطمیع توأم بوده باطل می‌دانم یعنی معتقدم که عدم اجرای شرایط اولیه صحت انتخابات عمل ساختگی عمال دولت بنام انتخابات را از درجهٔ اعتبار انداخته بطوریکه نمی‌شود به این صورت‌سازیه‌ها عنوان انتخابات اطلاق نمود چه بر هیچ‌کس پوشیده نیست که انتخابات باید برطبق قانون و در محیطی آزاد صورت گیرد و اهم وظایف دولت ایجاد همین محیط منظم و آزاد است. بنابراین نمی‌توانیم انجمن‌های نظار را که برخلاف قانون تشکیل شده یا انتخاباتی را که با فشار تهدید و یا تطمیع انجام گرفته انتخابات قانونی حساب کنیم، علی‌الخصوص با تعهدی که درانتخاب پاره‌ای عناصر و جلوگیری از انتخاب ملیون در تمام مملکت به عمل آمده است.

در این جا لازم است عرض کنم که فعلاً اهم مسائل حیاتی ایران مسئله نفت است و چنانکه می‌دانیم وقتی که دولت خواست قرارداد باطل تمدید مدت امتیاز داری را با تصویب لایحه الحاقی نفت مجلس پانزدهم تلویحاً تنفیذ کند و عده‌ای از آزادی‌خواهان ایران در مجلس و خارج با آن مخالفت کردند و فشار افکار عمومی به مجلس نگذاشت سند رقیبت ایران تنفیذ شود. ملت ایران در انتخابات دورهٔ شانزدهم با انتخابات مخالفین قرارداد نفت به نمایندگی مجلس نشان داد که نمایندگی اقلیت مجلس از زبان او سخن گفته‌اند و انتخاب مخالفین قرارداد به نمایندگی مجلس در عرف سیاست یک نوع رفراندوم (مراجعه به آراء عمومی) تلقی می‌شود.

با این سوابق، دولتی که می‌خواهد از انتخابات مخالفین لایحه نفت جلوگیری کند تا عمال اجانب بر کرسی‌های نمایندگی ملت تکیه زنند باید متوجه باشد که نه تنها بر علیه آمال ملی قیام می‌کند بلکه این عمل دولت نقض غرض است چه اگر نمایندگان غیرمللی می‌توانستند قراردادهای دولت را با اجانب تصویب کنند قرارداد تمدید امتیاز نفت هم منقضی نداشت و محتاج نبود که در مجلس پانزدهم تنفیذ شود، مسیر آن مجلسی که غیر از نمایندگان واقعی ملت

تشکیل شود بنا به اصرار عناصر منتخب بیگانگان قرارداد تمدید مدت امتیاز را به ضرر ایران تنفیذ کند یا چون نمایندگان واقعی ملت این کار را نکرد ملت ایران آنرا به رسمیت نخواهد شناخت و عیب و نقص کماکان باقی خواهد بود.

البته حکومت می‌تواند اعمال قدرت کند و مردم را از حق انتخاب وکیل سناتور و یا نماینده انجمن شهر علناً یا در خفا برخلاف قانون و یا ظاهراً آراسته به مقررات قانونی بازدارد و مجلس شورای ملی و سنا و یا انجمنهای شهری را هرکه خود می‌خواهد تشکیل دهد ولی این کار را سابقاً و اخیراً پاره‌ای از دول دنیا و دولت‌ها بارها امتحان کرده و نتایج آنرا دیده‌اند.

منظور آزادی‌خواهان ایران این است که با ایجاد حکومت مردم بر مردم بدون بروز حوادث نامطلوب و از راه قانون و صلح و سلم در اوضاع مملکت اصلاحاتی به نفع مملکت و ملت شود و نفاق و شقاق دولت و ملت از میان برود و مصائب و آلام مردم از فقر و فاقه و جهل و بیماری و گرسنگی و برهنگی بیش از این مقدمات فنانی ملت را فراهم نکند [۰]. چاره این بیچارگی‌ها چنان که مذکور شد فقط ایجاد حکومت دموکراسی است و الا اقدامات مذبحخانه‌ای مانند ایجاد مجلس سنا یعنی قانون اساسی دولت‌ها مسئول مجلسین هستند و به آن جهت کمتر حکومتی است که به واسطه بی‌دوامی بتواند به مملکت خدمتی بکنند با آن مخالفت کرده‌اند آن هم به این طریق که دولت حق مردم را غصب کند (به طوریکه در جلسه انتخابات درجه دوم سنا بر همه معلوم شد) و مانع شود که نصف نمایندگان برطبق قانون اساسی از طرف مردم انتخاب شوند، یا هر اقدام دیگری که تصور شود قدرتی به حکومت خواهد داد به نفع مملکت تمام نخواهد شد زیرا به تجربه ثابت شده که این قبیل قدرتها قدرت کاذب است و بالمال به ضرر ملک و ملت تمام می‌شود.

در خاتمه امیدوارم که قوای حاکمه ایران از گذشته دور و نزدیک مخصوصاً از انتخابات اخیر تهران عبرت گرفته و برای یک‌بار هم که شده با مردم از در صلح و آشتی درآیند و مطمئن باشند که هر کسی قدمی به نفع آزادی و تأمین حقوق مردم برداشته، ملت هوشیار و حق‌شناس ایران از جان و دل از او پشتیبانی کرد.

دکتر محمد مصدق

نامه آقایان محترم در باب توقیف جناب آقای دکتر بقایی شرف وصول ارزانی داشت. از این پیش آمد غیرمترقبه اظهار تأسف چه می‌توان کرد البته مردم تهران روزنامه شاهد و مقاله‌ای را که به عنوان اهانت به ارتش موجب توقیف آقای دکتر شده خوانده و قضاوتی را که می‌بایست بکنند کرده‌اند، بنده هم در آن مقاله چیزی که توهین به ارتش تلقی شود اصولاً و ابداً نیافتم.

تعجب فرموده‌اید که چطور یک نفر استاد دانشگاه و نماینده مجلس را که در انتخابات اخیر تهران هم مورد توجه عامه مردم بوده بدون علت توقیف کرده‌اند، از آقایان دوستان محترم تعجب می‌کنم مگر بالاخره آقایان برای تبعید خود بنده به احمدآباد علت و موجب قانونی توانسته‌اند پیدا کنند؟

وقتی که اولیاء مور معتقد به قانون و دموکراسی نشوند این‌گونه کارها باید از امور جاری محسوب شود. اگر حرف بنده مسموع بود می‌گفتم فوراً آقای دکتر بقایی را با عذرخواهی آزاد و روزنامه را هم از توقیف خارج کنند و باعث نشوند افکار عمومی بیش از پیش از امکان اجراء قانون و عدالت در این مملکت مأیوس و فاصله ملت و دولت زیادتر شود.

از طرف دیگر باید عرض کنم آقایان از زندانی شدن آقای دکتر بقائی و امثال ایشان نباید نگران باشند، زیرا اشخاصی که داعیه خدمت به مملکت دارند و خود را سرباز راه آزادی می‌دانند باید طبعاً برای همه‌گونه فداکاری و از خودگذشتگی حاضر باشند و آنچه به خاطر دارم همین آقای دکتر بقائی و رفقای ایشان هنگامی که پشت تریبون مجلس نطق‌های آزادی‌خواهانه خود را به نفع ملک و ملت ایراد می‌کردند چنین روزهایی را پیش‌بینی می‌نمودند البته آزادی و دموکراسی به آسانی بدست نمی‌آید.

ترک مال و ترک جان و ترک سر در ره مسجون اول منزل است

حال فرض بفرمائید که برخلاف قضاوت عامه و برخلاف انصاف و عدالت دکتر بقائی را محکوم کنند و به این وسیله یکی از سربازان راه آزادی را از میدان مبارزه برکنار نمایند، این حکم و محکومیت چه وزنی در افکار عمومی خواهد داشت؟! محکومیتی که باید میلیون و آزادی‌خواهان از آن بهراسند، محکومیت در محکمه افکار عمومی است و خوش‌بختانه تا کسی سالک راه آزادی و دموکراسی است و در خیر و صلاح جامعه قدم می‌زند افکار عمومی او را محکوم نخواهد کرد. اگر انتخابات تهران انشاءالله آزاد شود تأثیر این توقیف را در آراء دکتر بقایی و رفقای ایشان ملاحظه خواهید فرمود و اگر هم خدای نخواستہ آرزوی میلیون و آزادی‌انتخابات بعمل نیاید توقیف و حبس دکتر بقایی و امثال او سنگهای شالوده بنای مشروطیت ایران خواهد بود و آنها باید مفتخر باشند که در پی افکندن کاخ رفیع آزادی سهم خود را پرداخته‌اند.

دکتر محمد مصدق

جبهه ملی که به صورت مصاحبه با این جانب درج شده و جای کمال تأسف است مطالب مزبور با جریان واقع تطبیق نمی‌کند و بغیر از یک مصاحبه مطبوعاتی که اخیراً از طرف جبهه ملی ترتیب داده شده بود و نمایندگان مطبوعات داخلی و خارجی حضور بهم رسانیده بودند این جانب با هیچ خبرنگار جریده یا مجله‌ای مصاحبه نکرده‌ام، خواهشمند است این تکذیب‌نامه را در آن نامه گرامی انتشار دهید که موجب کمال سپاسگذاری و رفع سوء تفاهم است.

دکتر محمد مصدق

۹۷

نامه دکتر مصدق به انجمن نظارت انتخابات

۲۳ بهمن ۱۳۲۸ ساعت ده و ۴۵ دقیقه صبح

انجمن نظارت مرکزی انتخابات تهران [۱]

چون بی‌اعتمادی مردم به انجمنهای فرعی به منتها درجه رسیده برای تسکین افکار عمومی مقتضی است اجازه فرمایند چند نفر از رؤسای شعب فرعی که مورد اعتماد جامعه هستند، تمام صندوقهای شعب را امروز ظهر مهر نمایند زیرا طبق گزارشهای مورد اطمینان در نظر است عده‌ای از صندوقها را منجمله صندوق سر قیر آقا - پرورشگاه - مسجد مشیرالسلطنه - مقبره آقا شیخ هادی - مسجد سلمان - مسجد لولاگر را مانند انتخابات مفتضح گذشته تعویض نمایند.

جبهه ملی - دکتر محمد مصدق

۹۸

تکذیب‌نامه دکتر مصدق

در این چند روز در بعضی از مجلات و جرائد راجع به تشرف این جانب به پیشگاه بندگان اعلیحضرت همایون شاهنشاهی مطالبی درج کرده‌اند که چون عاری از حقیقت است تکذیب می‌شود.

۹۹

نامه دکتر مصدق به انجمن نظارت مرکزی انتخابات تهران

انجمن محترم نظارت مرکزی انتخابات تهران [۱]

با اینکه انجمن فعلی نظارت مرکزی با نظر دولت و در زمان حکومت نظامی که مردم در

اظهار عقیده آزاد نبودند تشکیل شد و بهیچوجه مورد اعتماد طبقات ششگانه و مردم پایتخت نیست جبهه ملی از این نظر که حقوق عمومی کمتر پامال شود حاضر شد با اعمال چنین انجمنی که تحت نفوذ دولت واقع شده به حالت انتظار نگاه کند، ولی اکنون درک می‌کنیم که این دستگاه هیچ‌کدام حاضر نیستند با نظریات جبهه ملی که مقصودی غیر از حفظ حقوق جامعه و مصالح کشور ندارد روی موافقت نشان دهند و من باب مثال عرض می‌کنم:

۱ - انجمن لواسان که به واسطه برف و مسدود بودن راه نتوانست از مردم رأی بگیرد و جز چند رأی بقیه آراء را در دفتر به اسم همان اشخاص نوشت که در دفتر نوبت اول انتخابات تهران ثبت شده و بهترین گواه شناسنامه اشخاصی است که به مهر انجمن نرسیده و حال آنکه نام آنها در دفتر ثبت شده و با اینکه صندوق حوزه مزبور از طرف بعضی از اعضاء انجمن با ذکر دلایل قویه مورد اعلام جرم واقع شده و یکنواخت بودن کاغذ در خطوط آراء، دلایل دیگر وقوع جرم را تأیید می‌کند و با این مقدمات باید صندوق مزبور با حضور نماینده دادستان باز شود اکنون با کمال تعجب، شنیده می‌شود که همکاران جنابعالی می‌خواهند بدون حضور او آن را باز نمایند و آراء را قرائت کنند.

۲ - جبهه ملی که می‌خواست در خواندن و نوشتن آراء نظارت کند تا آرائی که از روی عقیده و ایمان وارد صندوقها شده برخلاف حقیقت به اسم اشخاص منتسب به لیست دولت خوانده و نوشته نشود و همچنین آنها را تعویض نکنند و برای اجرای این وظایف تعدادی کارت ورودی درخواست نمود که به قدر کافی نظارگماشته شود با تقاضای جبهه ملی موافقت نشد و فقط یک عده کارت داده شد که منظور جبهه ملی را تأمین نمی‌کند.

۳ - معمولاً بعد از اخذ آراء همیشه بلافاصله شروع به قرائت آراء کرده‌اند و اکنون دو روز است که به جهات غیرموجه و نامعلوم، انجمن‌های فرعی تعطیل شده است و مردم می‌گویند علت تأخیر این است کارهایی که برای تعویض آراء در دست اقدام است تمام کنند و قبل از اینکه زمینه آراء صندوقها معلوم شود به موقع عمل بگذارند.

آقای رئیس محترم انجمن! بسیار متأسفم، این خطری را که متوجه دومین انتخابات تهران است به شما اعلام کنم تا شما هر چاره‌ای که لازم می‌دانید بکنید و ضمناً جا دارد که به مردم هم بگویم که فقط دادن رأی کار شما را اصلاح نمی‌کند. ملت رشید - ملت حساس و مردم وطن پرست، آنهاست، هستند که قادر هستند رأی خود را از دست دزدان ناموس ملی حفظ کنند.

آن ملتی که نتواند رأی خود را از دست نوکران بیگانه حفظ کند، چطور خواهد توانست، اظهار حیات کند و استقلال خود را تأمین نماید. بیش از این درباره حفظ این ودیعه ملی به جنابعالی اظهاری نمی‌کنم و امیدوارم این تذکرات که صرفاً برای حفظ حیثیت و آبروی مملکت است در جنابعالی و همکارانتان مؤثر واقع شده و در رفع این مفاصل اقدام فوری و عاجل مبذول فرمایند. جبهه ملی - دکتر محمد مصدق

۱۰۰

نامه دکتر مصدق به انجمن نظارت مرکزی

انجمن محترم نظارت مرکزی انتخابات تهران [!]

تعداد ۲۴ برگ بلیط از شماره ۴۲ تا ۶۵ که برای جبهه ملی ارسال فرموده‌اید رسید و البته تصدیق می‌فرمائید که این عده بلیط که فقط اجازه می‌دهد در هر حوزه فرعی یک نفر نظارت کند برای انتخابات تهران که سوء اعمال بعضی از خوانندگان و نویسندگان آراء و عوض‌کنندگان لیست‌های رأی در نوبت اول این انتخابات مشهور عام و خاص شده کافی نخواهد بود و معلوم نیست که این یک نفر در اعمال کدامیک از این دسته بفرض محال می‌تواند نظارت نماید. در نوبت اول انتخابات این دوره هم برای سازمان نظارت آزادی انتخابات تعداد ۱۲۴ بلیط صادر شده و اکنون معلوم نیست چه باعث شده که می‌خواهند از نظارت جبهه ملی که در صلاح جامعه و بعضی از آن انجمن است جلوگیری فرمایند.

چنانچه در این تصمیم باقی بمانند شک نیست که بعضی‌ها می‌خواهند آن عده آرائی هم که مردم خیرخواه توانسته‌اند وارد صندوقها بکنند از بین ببرند، بنابراین بلیط‌های ارسالی اعاده خواهد شد و جبهه ملی دیگر در این انتخابات سر تا پا مخدوش دخالت نخواهد کرد. جبهه ملی - دکتر محمد مصدق

۱۰۱

نامه دکتر مصدق به وزیر دادگستری

دوم اسفند ۱۳۲۸

جناب آقای دکتر سجادی وزیر دادگستری [!]

خاطر محترم مسبوق است که نسبت به انتخابات لواسان از طرف عده‌ای از ارباب جرائد و اشخاص محترم دیگر و حتی از طرف اعضاء خود انجمن لواسان اعلام جرم شده و با وجود اینکه کوس رسوائی انتخابات را بر سر بازار زده و عامه ناس از فساد و خرابکاری آن مطلع شده‌اند برای تذکر شمه‌ای از اوضاع و احوال انتخابات مخدوش لواسان به عرض می‌رسد.

۱ - مسیر صندوق به واسطه انباشته شدن برف مسدود بوده و مأمورین انتخابات نتوانستند برای گرفتن رأی به قراء بروند چنانکه هنوز راهها مسدود است.

۲ - مردم رأی نداده‌اند.

۳ - صدها رأی بنام دهکده‌هایی در دفاتر ثبت شده که چند نفر هم رأی‌دهنده ندارد.

۴ - شناسنامه‌ها مهر نخورده و پس از اعلام جرم چند نفر از تهران برای مهر زدن شناسنامه‌ها

فرستاده‌اند.

۵- آراء از جهت کاغذ و خط و محصور بودن کاندیدا از لیست معین کاملاً یکنواخت است. با اندک دقتی در اوضاع و احوال مذکوره این جرم را می‌توان از جرائم مشهود دانست. با وجود این دادستانی دیوان کیفر برخلاف انتظار نه صندوقها را که خود از دلائل جرم است توقیف نموده و نه تاکنون از اعضاء انجمن بازپرسی بعمل آورده و نه هم به تحقیقات محل پرداخته است. از جنابعالی که ریاست عالیہ دادسراها را دارید - از جنابعالی که ریاست هیئت تصفیه را بعهدہ گرفته‌اید - از جنابعالی که دائماً مردم را تشویق می‌کنید که مقصرین و مرتکبین جرائم را معرفی کنند بسیار تعجب‌آور است که چنین جرمی را بدون تعقیب گذاشته اجازه دهید همچنان ادامه پیدا کند [.]

مردم محترم تهران از تجار و اصناف و کسبه و کارمندان دولت و استادان و دانشجویان با زحمت فراوان و دست بگریبان شدن با عده عمده بالآخره توانسته‌اند چند هزار رأی آزاد به صندوق‌های تهران بریزند و بدین وسیله به وظیفه ملی و وجدانی خود قیام کنند [.] اینک عده‌ای شیاد می‌خواهند اشخاصی را که رأی طبیعی در لواسان ندارند به جای نمایندگان واقعی مردم تهران بنشانند. آیا وجدان شما اجازه می‌دهد که این عمل ننگین و خلاف قانون و خلاف انصاف را ندیده انگارید؟ آیا تصور می‌فرمائید دزد و خیانت‌کار فقط کسی است که مال مردم را می‌رباید و آنکه آراء را می‌دزد خیانت‌کار نیست؟ اشخاصی که در انتخابات سابق دوره شانزدهم در تهران و لواسان یک رأی نداشته‌اند با چه اعجازی یک‌مرتبه چندین هزار نفر مردم لواسان را متحدالقول متوجه وجود ذی‌وجود خود کرده‌اند.

این وجهه بی‌سابقه و محبوبیت خلق‌الساعه پاداش کدام فداکاری و جان‌فشانی خارق‌العاده است؟ آیا مردم چشم ندارند؟ آیا آفتاب را می‌توان به گل اندود؟ آیا بر فرض که مردم تهران هم چشم و گوش خود را ببندند و هیچ شکایت و اعتراض نکنند این جرم مشهود از نظر خارجی‌ها مستور خواهد ماند؟

امیدوارم وزارت دادگستری بیش از این در تعقیب تبه‌کاران تعلق روا نداشته و راضی نشود مردم بیدار تهران برای حفظ و صیانت حقوق و آزادی‌های سیاسی از راه ناچاری شکایت خود را بدنیای متمدن اعلام نموده، غاصبین حقوق ملی را به ملل زنده عالم معرفی کنند.

دکتر محمد مصدق

۱۰۲

نامه دکتر مصدق به انجمن مرکزی انتخابات دوره شانزدهم

ریاست محترم انجمن مرکزی نظارت انتخابات [۱]
برخلاف انتظار عموم، آن انجمن محترم تاکنون به ابطال انتخابات مخدوش لواسان که فساد

آن بر همه معلوم و اظهر من الشمس است اقدام نفرموده و نتیجه تحقیقات خود را در این باب به اطلاع مردم تهران نرسانیده است. اگر در انتخابات تهران به وسیله ریختن هفت هزار رأی تقلبی در صندوقهای خراسان، خدشه‌ای وارد شود و حقوق صدها هزار نفر مردم آزاده و آزادیخواه تهران، بدست چند نفر صندوقساز حيله باز، پایمال گردد این عمل ناهنجار، علاوه بر اینکه بالمآل به ضرر مسبین آن تمام خواهد شد به احساسات عمومی مردم چنان لطمه وارد خواهد نمود که تصور عکس‌العمل آن، هر شخص وطن‌پرستی را دچار نگرانی و اضطراب می‌کند.

انجمن نظارت در مقابل تقاضای قانونی دادرسی تهران که دفاتر و امهاتر صندوقهای لواسان را برای تحقق و بازجوئی خواسته بود برخلاف اصول خودداری کرد و در جواب تقاضای مکرر دادرسی و یادآوری آزادیخواهان که چرا انجمن، جواب دادرسی را نمی‌دهد و دفاتر را برای رسیدگی نمی‌فرستد؛ اظهار داشت که فعلاً خود انجمن مشغول تحقیق و رسیدگی است، بنابراین تمنا دارم اگر تحقیقاتی شده جامعه را از نتیجه آن مطلع فرمایند و اگر نشده مردم از خود خواهند پرسید که چرا انجمن، قریب دو هفته، دفاتر را نگاه داشت و به وعده خود وفا نکرد.

خوشبختانه مردم هوشیار تهران، نه فقط خوب به کینه مطالب پی می‌برند و در کمال سهولت، حق را از باطل تمیز می‌دهند بلکه تجدید انتخابات دوره شانزدهم در تهران نشان داد که در حقایق حق خود تا پای جان ایستاده‌اند.

انجمن محترم نظارت انتخابات باید بداند که فساد انتخابات لواسان بر احدی پوشیده نیست و آفتاب را نمی‌توان با گل اندود، زیرا هفت هزار رأی یکنواخت و یک‌شکل که فقط با دو سه خط نوشته شده و هفت هزار رأی که اگر مردم لواسان می‌خواستند وارد صندوق کنند با شدت سرما و برفی که تمام راههای کوهستانی را مسدود کرده بود، بیش از یک ماه وقت لازم داشت. هفت هزار رأیی که بنام هریک از ۱۲ نفر معین، با مختصر اختلاف نوشته شده و قاطبه مردم لواسان از آن بی‌خبرند و آن را توهین به حیثیت و شرافت خود می‌دانند.

خلاصه این هفت هزار رأی با اوصافی که از آن گذشت به خودی خود باطل و از درجه اعتبار ساقط است و انجمن نظارت، قاعدتاً می‌بایستی اکنون به پیروی از حق و حقیقت و به احترام افکار عمومی تکلیف آن اوراق مزور و مجعول را معلوم کرده باشد.

تأخیر در این باب جز بالا گرفتن افتضاح و شدت رسوائی نتیجه‌ای ندارد، چنانکه اکنون برطبق گزارشی که در صحت آن هیچ تردید نیست، دسیسه و تقلب این چند نفر دزدان رأی از جهات دیگر نیز روشن شده و ساختگی و مجعول بودن دفاتر آراء لواسان از هر جهت معلوم گردیده است. زیرا به موجب اطلاعات قطعی به ثبوت رسیده که:

اولاً - به غالب نقاطی که به موجب دفاتر مجعول انتخابات لواسان محل اخذ رأی معرفی شده انجمن و صندوق اصلاً به آنجا نرفته است.

ثانیاً - از هفت هزار رأی‌دهنده موهوم فقط شناسنامه چند نفر مهر خورده و بقیه با وجود جد و جهد بلیغی که بعد از اعلام جرم برای مهر زدن شناسنامه‌ها به عمل آمده به واسطه اینکه دفاتر در دست نبوده بی‌مهر، مانده است.

ثالثاً - بنام نقاطی که دو یا سه نفر ساکن فقط برای حفاظت و سرایداری در آنجا بسر می‌برند، پنجاه، شصت رأی در دفتر، ثبت کرده‌اند.

رابعاً - در اغلب نقاط، نامهایی در دفتر ثبت شده که احدی آنها را نمی‌شناسد و از وجود آنها جز در چند دفتر، اثری دیده نمی‌شود.

خامساً - چون اغلب اقلام دفاتر از روی صورتهای جیره‌بندی قند و شکر نوشته شده در جزو صورت رأی‌دهندگان غالباً نام اشخاصی از این قبیل دیده می‌شود:

۱ - کسانی که سالهاست از لواسان رفته و اکنون در شهرهای دیگر مشغول کسب و کار هستند.

۲ - کسانی که مدتی است مرده و از شر دزدان رأی خلاصی حاصل کرده‌اند.

۳ - اطفال کوچک که از فرار معلوم، پس از احضار از طرف بازپرس والدین یکی از آنها شناسنامه طفل خود را فرستاده و تقاضا کرده که چون خواب است از بیدار کردن او برای اینکه نحس نشود صرف‌نظر کرده است!

۴ - نام پیرانی که سالهاست خانه‌نشین و زمین‌گیر شده‌اند.

بطران انتخابات لواسان از شدت وضوح محتاج به دلیل نبود، معذک این دلایل قویه هم‌اکنون بدست آمده است، آیا با وجود این باز انجمن می‌خواهد رسیدگی و تحقیق کند، آیا باز مردم تهران باید روزها به انتظار تصمیم انجمن در اضطراب و نگرانی بمانند؟! و حقایقی را که چشم صدها هزار نفر بدان دوخته شده می‌توان از انتظار مخفی داشت؟ بیش از این عرضی ندارم و تمنا دارم که انجمن محترم هرچه زودتر تصمیم خود را اعلام فرمایند.

دکتر محمد مصدق

۱۰۳

نامه دکتر مصدق به نخست وزیر

جناب آقای علی منصور، نخست‌وزیر [۱]

چون شهرت دارد که از طرف این‌جانب، بر له و بر علیه بعضی از داوطلبان وزارت، در کابینه جنابعالی مذاکراتی شده؛ اینست که به استحضار عالی می‌رساند: این‌جانب چه در سه دوره تقنینیه که وکیل مجلس بوده‌ام و چه اکنون که در خارج مجلس هستم؛ هیچ‌وقت در این قبیل امور دخالتی ننموده و چنانچه مطالبی از طرف این‌جانب عرض شده باشد؛ عاری از حقیقت است.

دکتر محمد مصدق

۱۰۴

نامه دکتر مصدق در جواب نامه دکتر قاسم غنی

۵ اردیبهشت ۱۳۲۹

قربانت شوم، مرقومه محترمه مورخه ۱۵ فروردین روز قبل شرف وصول ارزانی بخشید. از الطاف مبذوله متشکرم و بقا و سلامت حضرتعالی را از خداوند مسئلت دارم. امیدوارم که در این مسافرت از هر جهت به حضرتعالی خوش بگذرد و روزی بیاید که به زیارت جنابعالی نایل شوم. از حال بنده خواسته باشید با حال کسالت، گرفتاری زیاد دارم و بقدر خسته هستم که نمی‌توانم شرح آنرا عرض کنم. عجلتاً بیش ازین مصدع نمی‌شوم و ارادت خود را تجدید می‌کنم.

ارادتمند .. دکتر محمد مصدق

۱۰۵

نامه دکتر مصدق به وزیر دارائی درباره قانون املاک خالصه

جناب آقای وارسته وزیر محترم دارائی
در تعقیب مذاکرات شفاهی راجع به لایحه فروش خالصجات، لازم می‌داند نظریات خود را کتباً تقدیم کند تا در کمیسیون دارائی مجلس شورای ملی، موقع بحث در پیشنهادات آقایان نمایندگان محترم از مد نظر دور نشود و گزارش کمیسیون، طوری تنظیم گردد که مصالح عمومی را از هر جهت تأمین نماید.

در مورد ماده اول لایحه که این طور تنظیم شده: «وزارت دارائی مکلف است کلیه املاک مزروعی و اراضی قابل کشت و اراضی بائر خالصه را حداکثر تا آخر شهریورماه ۱۳۲۹ به بانک کشاورزی ایران منتقل نموده و بانک نامبرده مکلف است که املاک و اراضی انتقال یافته را در ظرف مدت پنجسال از تاریخ تصویب این قانون به رعایا و کشتکاران ملک در درجه اول و اگر آنها داوطلب نبودند به کسانی که وسیله زراعت را در اراضی ابتیاعی از اولین نسق بندی شتوی، بعد از تاریخ فروش فراهم نمایند، به شرط سکونت به فروش بپردازند» نظریات خودم تأمین نمی‌شود و املاک مرغوب خالصه را صاحبان وسایل یعنی ملاک بزرگ و متمولین تملیک خواهند نمود.

سکونت در بعضی از املاک اطراف شهر تهران از قبیل قریه امین‌آباد خالصه کار سختی نیست که کسی تحمل آنرا نکند و در املاکی هم که سکونت در آنها مشکل است که خریدار چند روز بماند و به طریقی که امروز در دستگاه دولت معمول است وسایل تملیک خود را فراهم نماید. آنهایی که می‌خواهند املاک خالصه خرده‌مالک شود و یا اینکه به قیمت حقیقی ملک به فروش

برود اگر غرضی ندارند غیر از دو طریق نمی‌توانند طریق دیگری را قبول کنند:

(۱) - چنانچه نظرشان این است که املاک مزبور نصیب زارعین گردد بطوری که خود جنابعالی هم همینطور اظهار عقیده فرموده‌اید قانون باید باین صورت از مجلس بگذرد که املاک خالصه باشخاصی داده خواهد شد که در تاریخ تصویب این قانون در آنها زراعت می‌کنند یعنی هرکس در هر نقطه زراعت کرده مالک آن قسمت از ملک بشود و از بابت قیمت ملک هم حد متوسط عایدات غیرخالص (بدون کسر نمودن خرج قنات و حقوق مباشر) سه سال قبل از تصویب قانون را نقداً جنساً در مدت هشت سال بطوری که ماده مزبور تعیین کرده و یا چنانچه صلاح باشد در مدت ده سال بدولت پردازد و در ازای این دو سال تمدید از هرگونه ممیزی استعدادی که به واسطه دادن رشوه به ضرر دولت تمام می‌شود خودداری کند.

خریدار در مدت مزبور حق انتقال ملک را به غیر نداشته باشد و حداکثر هم معلوم شود تا اینکه یک نفر ولو اینکه زارع تمام ملک باشد نتواند یک ملک شش دانگی را یکجا تملیک نماید.

به بانک کشاورزی هم اجازه داده شود به این قبیل اشخاصی که با دولت معامله کرده‌اند وام طویل‌المدت با سود کم بدهد که آنها بتوانند املاک را آباد کنند و نظری را که دولت در فروش املاک دارد کاملاً تأمین نمایند.

(۲) - طریق دیگر این است که از تاریخ آگهی فروش تا مدت معینی اگر زارعین پیشنهادی برای معامله ندهند و یا اینکه دولت بخواهد املاک خود را به وجه نقد بفروشد کارشناسان مورد اعتماد حداقل قیمت املاک را برای معامله تعیین کنند و چهار روز معین در هر سال اعلان مزایده املاک مزبور را در ده روزنامه مرکزی و روزنامه‌های محلی منتشر نمایند تا هرکس که طالب خرید ملک است از آگهی مطلع شده پیشنهاد خود را بدهد.

خلاصه اینکه تمام احتیاطات لازمه مرعی شود تا از هرگونه صورت‌سازی جلوگیری بعمل آید و مثل اغلب از معاملاتی که تاکنون شده اشخاصیکه استحقاق ندارند املاک را خریداری نکنند و دست اشخاص صالح و اهل استحقاق را از معامله کوتاه نمایند.

غیر از این هر اقدامی که بشود نظر مردم را تأمین نمی‌کند و انتقال املاک به بانک کشاورزی جز ضرر، فایده دیگری ندارد زیرا اگر تمام این املاک را مردم خریداری کنند آن عده اشخاصی که امروز به کار خالصجات اشتغال دارند باز در یکی از وزارت‌خانه‌ها یا ادارات دیگر خود وزارت دارایی وارد خواهند شد و حقوق از دولت خواهند گرفت و چنانچه تمام این املاک معامله نشود بانک کشاورزی مجبور است که باز عده‌ای را برای اداره نمودن بقیه املاک استخدام نماید.

البته تصدیق می‌فرمایند که طرز فروش این املاک بطوریکه در لایحه تعیین شده در حکم یک اجاره‌ایست که بعد از انتضای مدت مستأجر عین مستأجره را مجاناً و بلاعوض مالک شود زیرا برطبق ماده ۲: «بهای فروش هر قطعه یا تمام ملک حداقل معادل هشت برابر درآمد

استعدادی ملک بوده و مدت دریافت اقساط حداکثر در سال به اقساط مساوی خواهد بود» و نتیجه اجرای ماده مزبور این خواهد بود که ملکی را برای مدت ده سال به کسی اجاره بدهند و به محض اینکه مستأجر مال الاجاره هشت سال ملک را پرداخت مالک ملک هم بشود و چنین ارفاقی به غیر از زارعین ملک از نظر ایجاد خرده مالکین درباره اشخاص دیگر مورد ندارد و مستأجر گذشته از اینکه ملکی را مجاناً و بلاعوض بدست آورده است از ماده ۱۱ لایحه دولت هم که اینطور تنظیم شده: بانک کشاورزی موظف است که به خریداران املاک خالصه موضوع این قانون با فرعی که از صدی چهار تجاوز ننماید با شرایطی که به موجب آئین‌نامه که بترتیب مندرج در ماده ۱۲ تهیه خواهد شد قرض طویل‌المدت بدهد» می‌تواند بوسیله وام طویل‌المدت و سود صدی ۴ منافع دیگری تحصیل کند.

خلاصه اینکه لایحه به نفع عده‌ای از ملاک و یا اشخاص متمول تنظیم شده که املاک مرغوب دولت را مفت و بلاعوض تملیک کنند و با اشخاصی که فعلاً در املاک خالصه زراعت می‌کنند رفتاری هزار درجه بدتر از رفتار مأمورین دولت بنمایند.

در خاتمه متمنی است مقرر فرمایند در صورت امکان صورت ریز خالصجات و عوایدی که از آنها در سال اخیر به دولت رسیده است و الا صورت املاک عمده و عواید آنها را هرچه زودتر برای این جانب ارسال نمایند.

دکتر محمد مصدق

۱۰۶

نامه دکتر مصدق به یک خواننده روزنامه باختر امروز

خدمت جناب آقای دکتر فاطمی، مدیر محترم روزنامه باختر امروز [!] نامه یکی از آقایان هموطنان عزیزم را که به جنابعالی نوشته‌اند رسید. اطلاع از نظریاتشان موجب امیدواری گردید؛ البته حق خواهند داد آنچه واقع شده بجا و به موقع بوده است و مبارزه را نمی‌بایست منحصر به رفتن و گفتن نمود بلکه ترک فعل هم یکی از اقسام مبارزه و گاهی ممکن است از آن نتیجه مطلوب گرفت. همچنانکه قبل از عرض این نامه خبر رسید که مجلس شورای ملی در جلسه امروز گزارش کمیسیون را تصویب کرده است، بنابراین دوباره به مجلس می‌روم و مأموریت خود را با حال کسالت و ناتوانی تا آنجا که ممکن باشد انجام می‌دهم. اگر باز پیش‌آمدی کرد، همینطور عمل می‌کنم؛ چنانچه نتیجه نداد و مردمی هم باشند که انجام وظیفه را منحصر به ریختن رأی در صندوق نکنند، با پشتیبانی مردم می‌روم و انجام وظیفه می‌کنم. بیش از این مصدق نمی‌شوم. احترامات فائده را تقدیم و نامه را اعاده می‌نمایم.

دکتر محمد مصدق

۱۰۷

نامه دکتر مصدق به حسین مکی

احمدآباد، شنبه ۱۷ تیرماه ۱۳۲۹

قربانت شوم [!] چون ممکن است وقت بگذرد این است که بدین وسیله عرض می‌کند چنانچه جلسه فراکسیون در روز دوشنبه ۱۹ دو ساعت قبل از ظهر باید تشکیل شود، استدعا می‌کنم محل آن را با نظر حضرت آیت‌الله^ع معین فرمایند و به حضرات آقایان هم اطلاع داده شود. بنده هم فردا یک‌شنبه که به شهر می‌آیم، بوسیله تلفن از حضرت‌عالی محل جلسه را استفسار می‌کنم و شرف حضور خواهم داشت.

دکتر محمد مصدق

۱۰۸

نامه دکتر مصدق به حسین مکی

۱۳۲۹/۴/۲۲

ضمیمه دارد

خدمت جناب آقای مکی دبیر محترم جبهه ملی
نامه‌ای به امضای آقای عباس ضیاء احمدی راجع به تقاضای تجدیدنظر در آیین‌نامه حزب
به این جانب رسیده که عیناً تقدیم و خواهشمندم آنرا در جلسه جبهه ملی جزو دستور قرار دهید.
دکتر محمد مصدق

۱۰۹

نامه دکتر مصدق به حسین مکی

قربانت شوم [.] چشم همگی متوجه به جنابعالی است [.] تلگراف جوف را تقدیم می‌کنم.
اگر کاری می‌شود انجام بدهید و الا زحمت بی‌حاصل است.
دکتر محمد مصدق

۱۱۰

نامه دکتر مصدق به روزنامه ستاره

۲ مهرماه ۱۳۲۹

اداره روزنامه محترم ستاره [!]

در موقع تأسیس ثبت اسناد در اغلب دهات بین مالک و زارع، اختلافاتی راجع به مالکیت

* منظور آیه‌الله کاشانی است.

عرصه باغات روی می‌داد که در قراء چنگوره و کامشکان واقع در بلوک خرقان قزوین نیز این اختلاف حاصل شد و صاحبان باغات به اعلان ثبت این‌جانب اعتراض نمودند که در موقع معامله املاک مزبور به موجب سند رسمی شماره ۷۱۳۵ مورخ ۲۵ بهمن ماه ۱۳۱۵، دفتر اسناد رسمی شماره ۲۵ تهران متعهد شدم هرگاه در محاکم صالحه رفع اختلاف به نفع صاحبان باغات خاتمه یابد، ده برابر حق الارض باغات که هر ساله رعایا می‌پرداختند و از یکهزار ریال تجاوز نمی‌کرد به خریدار پردازم و از تاریخ معامله تاکنون که ۱۵ سال می‌گذرد کوچکترین دخالتی در املاک مزبور نداشته و اطلاع هم ندارم از اینکه رفع اختلاف به چه ترتیب شده است؛ چون در جلسه امروز مجلس شورای ملی در مقابل اظهارات جناب آقای سردار فاخر حکمت وعده دادم رونوشت سند رسمی مزبور را به استحضار عامه برسانم اکنون آن را تقدیم و تمنا می‌کنم در اولین شماره آن نامه محترم منتشر شود. (رونوشت سند در صفحه سوم همین شماره درج شده است)

دکتر محمد مصدق

۱۱۱

نامه دکتر مصدق به حسین مکی

۱۳۲۹/۷/۲۶

قریانت گردهم

شرحی به امضای آقای تقی عامری از تبریز به این‌جانب رسیده که عیناً تقدیم می‌شود [۰]. اگرچه برای جنابعالی اسباب زحمت است ولی چون صاحب نامه تقاضا کرده‌اند ارسال خدمت گردید رد و قبول تقاضای صاحب نامه منوط به نظر جنابعالی است.

دکتر محمد مصدق

۱۱۲

نامه دکتر مصدق در جواب نامه دکتر سعید فاطمی

دوم آبان‌ماه ۱۳۲۹ = ۲۴ اکتبر ۱۹۵۰

جناب آقای سعید فاطمی خبرنگار محترم روزنامه باختر امروز [۱]

نامه شریف مورخ ۱۹ اکتبر عز و صول ارزانی بخشید و موجب نهایت امتنان گردید. از اینکه سلامت هستید و در دانشکده سوربن اشتغال به تحصیل دارید بسیار خوشوقتم و خواهانم در این مسافرت از هر جهت به جنابعالی خوش بگذرد و با موفقیت کامله مراجعت فرمائید. از مقالات جنابعالی که در روزنامه باختر امروز منتشر می‌شود استفاده می‌کنم و خوشوقتم از اینکه وظیفه خود را خوب انجام می‌دهید. از حالم استفسار نموده‌اید، عرض می‌کنم که بسیار خسته هستم دکتر معالج سه ماه استراحت کامل را لازم می‌داند و بنده به یک روز آن هم موفق نشده‌ام.

دیگر بیش از این اوقات شریف را تزییع نمی‌کنم [۰]. در خاتمه سلامت و موفقیت و دیدار جنابعالی را همیشه خواهانم.
دکتر محمد مصدق

۱۱۳

نامه دکتر مصدق به مهندس حسینی

جمعه ۲۶ آبان‌ماه ۱۳۲۹

قربانت شوم [۴]؛ فردا از ساعت ۸ تا ظهر بقدر یک ساعت لازم است خدمت حضرتعالی برسم و یا اینکه سرفرازم فرمائید. تعیین وقت و محل موکول به نظرات حضرت‌عالی است [۰]. در خاتمه ارادت خود را تجدید می‌کنم.

دکتر محمد مصدق

۱۱۴

نامه دکتر مصدق در اطراف قرارداد الحاقی نفت

۲۹ آبان‌ماه ۱۳۲۹

اداره محترم روزنامه اطلاعات [۱] نظر به اینکه پس از مذاکرات طولانی و مطالعه پرونده‌های نفت که در مدت چند ماهه اخیر انجام گرفت ثابت شد که:

قرارداد الحاقی به هیچ‌وجه استیفای حقوق ملت ایران را نمی‌کند و علاوه بر عدم تأمین منافع ایران قرارداد مزبور باعث سلب حقوق عظیمی از ملت ایران می‌شود و با وجود تمام این مضار و معایب باز هم وزیر دارائی در جلسه اخیر کمیسیون نفت به منظور قانع کردن مخالفین پاسخ مغلطه‌آمیز و غیرصحیحی به پرسش این‌جانب داده که ممکن بود موجب گمراهی بعضی از آقایان اعضاء کمیسیون شده و یا دست‌آویز برای کسانی بشود که توانائی لازم برای انجام وظایف ملی ندارند و چون به واسطه کسالت این‌جانب حضور در جلسه امروز و توضیحات شفاهی ممکن نبود، لذا نظریات خود را کتباً تهیه نموده برای استحضار حضرات آقایان اعضاء کمیسیون تقدیم نموده‌ام و برای اینکه ملت ایران هم از آخرین دفاع این‌جانب در کمیسیون آگاه شود، متن کامل توضیحات خود را نیز برای درج در آن روزنامه محترم تقدیم می‌نمایم.

دکتر محمد مصدق

سؤال این‌جانب از جناب آقای فروهر وزیر دارایی در جلسه ۲۰ آبان ۱۳۲۹

قانون مهرماه ۱۳۲۶ دولت را مکلف کرده است که استیفای حقوق ملت ایران را بکند و چون دولت لایحه الحاقی را تأیید می‌کند این است که سؤال می‌کنم برای ۳۲ سال تمدید مدت که کلیه تأسیسات شرکت و تمام محصول نفتی متعلق به ایران است و به طوری که در جلسه علنی

مجلس شورای ملی به عرض رسانیده‌ام، لاقلاً در هر سال یکصد میلیون لیره حق مسلم ایران به واسطه تمدید مدت از بین خواهد رفت. دولت برای استیفای حقوق ملت ایران چه تصمیمی اتخاذ کرده است و چنانچه لایحه الحاقیه تصویب شود این ضرر از چه طریق جبران می‌شود؟ آیا غیر از الغای قرارداد که نظر مجلس این بوده است، راه دیگری هست؟

بیانات این جانب در جلسه ۱۷ مهرماه ۱۳۲۹

چنانچه حساب سال ۱۹۴۸ میلادی را که شرکت نفت به شرح ذیل منتشر نموده است:

۲۸	میلیون لیره	مالیات بر درآمد انگلیس
۷	میلیون لیره	سود صاحبان سهام
۱۰	میلیون لیره	حق الامتیاز دولت ایران
۱۷	میلیون لیره	وجه ذخیره
۱۷	میلیون لیره	استهلاکات
۷۹	میلیون لیره	جمع

مأخذ قرار دهیم نتیجه این می‌شود که بعد از ۱۲ سال دیگر مبلغ مزبور غیر از آنچه خرج استهلاکات بشود، به ملت ایران تعلق خواهد گرفت.

چنانچه نفتی را هم که اکنون بحریه انگلیس از شرکت به ثمن بخش می‌برد با بحریه دولت انگلیس یا با شرکتهای حمل و نقل به قیمت حقیقی نفت معامله کنند، شاید عایدات دولت ایران در سال از صد میلیون تجاوز کند که مبلغ مزبور ده برابر مبلغی است که اکنون در این حساب برای حق الامتیاز دولت ایران تعیین شده است.

جواب جناب آقای فروهر وزیر دارایی در جلسه ۲۴ آبان

در پاسخ سؤالی که جناب آقای دکتر مصدق راجع به تمدید مدت امتیاز و نظر دولت در باب استیفای حقوق ایران در مدت سی سال تمدید فرموده‌اند، اشعار می‌گردد که سی سال تمدید مورد نظر ایشان از ده سال دیگر شروع می‌شود و به طوری که استحضار دارند نه به موجب قرارداد ۱۹۳۳ و نه به موجب قرارداد الحاقی حقوق دولت ایران نسبت به این مدت یعنی سی سالی که از ده سال آینده به بعد مشخص می‌گردد معین نگردیده و نیز به موجب ماده ۱۱ امتیازنامه مقرر است که نسبت به مالیات مربوط به این دوره که بدون شک قسمت مهمی از درآمد دولت را تشکیل خواهد داد، بعداً طرفین مذاکره و توافق نمایند. بنابراین حقوقی را که قرارداد الحاقی مشخص می‌نماید فقط مربوط است به مدتی که از امتیاز داری باقی مانده است و چون از فحوای بیانات جناب آقای دکتر مصدق چه در مجلس شورای ملی و چه در کمیسیون نفت این طور استنباط گردیده که ایشان با قرارداد داری موافقت داشته و مخالفتشان فقط با تمدید مدت است، با توضیحاتی که در بالا داده شد چون تکلیف حقوق دولت در مدت سی سال تمدید بایستی بعداً با توافق دولت و شرکت معین شود فعلاً آنچه که طبق نظریه ایشان

بایستی مورد مقایسه قرار بگیرد، همانا حقوق دولت ایران طبق قرارداد الحاقی و طبق امتیازنامه دارسی است. برای این موضوع اگر شصت میلیون لیره را که خود ایشان بعنوان درآمد ویژه شرکت تعیین نموده‌اند و اگر فرض کنیم که به موجب امتیاز دارسی ۱۶ درصد درآمد ویژه کلیه شرکتهای تابعه بایستی عاید دولت ایران گردد برخلاف تعبیری که شرکت از امتیازنامه نموده و معتقد بود که فقط درآمد عملیات شرکت در ایران بایستی عاید دولت گردد ۱۶ درصد شصت میلیون لیره ۹/۶ میلیون لیره می‌باشد و حال آنکه به موجب قرارداد الحاقی درآمد دولت ایران در حدود اقلأً سالی ۲۵ میلیون لیره می‌باشد و از اینجا واضح می‌گردد که تعقیب نظر ایشان یعنی رجعت به قرارداد دارسی چه زیان مالی هنگفتی برای دولت خواهد داشت، صرف‌نظر از اینکه حدود امتیاز به سه برابر وسعت فعلی افزایش یافته و انحصار لوله‌کشی نیز برقرار می‌گردد. بنابراین واضح است که برای ده سال آینده که قرارداد دارسی بقوت خود باقی بوده و به هر حال طبق نظر جناب آقای دکتر مصدق شرکت حق استفاده از امتیاز خود دارد، مقایسه به قراری است که در بالا بیان شد و نسبت به سی سال تمديد نیز فعلاً مقایسه مقدور نمی‌باشد، زیرا حقوق دولت ایران طبق امتیازنامه موکول به موافقتی است که در آینده باید بشود.

ولی در این باب لازم است توضیح داده شود که ایشان معلوم نیست روی چه حسابی نفع آن مدت را سالی یکمصد میلیون لیره حساب نموده‌اند، زیرا اگر استخراج شرکت را در این مدت سالی سی میلیون تن فرض کنیم و اگر حداکثر سودی که از استخراج و فروش نفت خام حاصل می‌شود تنی یک لیره فرض کنیم، حداکثر منافع استخراج ایران بالغ بر سی میلیون لیره می‌شود. البته منافع شرکت فعلاً بیش از این مبلغ است، ولی یک قسمت مهم از این منافع اولاً در اثر مقدار مهمی نفت خام است که شرکت از عراق و کویت و غیره استخراج می‌کند و ثانیاً منافع دستگاههای حمل و نقل و توزیع که در خارج از ایران و در کشورهای دیگر موجود است و به همین جهت در اثر مذاکراتی که بعداً طبق ماده ۱۱ امتیازنامه برای تعیین حقوق ایران به عمل خواهد آمد ترتیبی داده خواهد شد که مالیات ایران افزوده گردد و حقوق دولت ایران را به آسانی ترقی داد»

چنانچه جواب وزیر دارایی را تجزیه کنیم به این نتیجه می‌رسیم که این جانب باید در هفت فقره اظهار نظر کنم:

(۱) اینکه نوشته‌اند: «حقوق دولت ایران نسبت به این مدت یعنی ۳۰ سالی که از ده سال آینده به بعد مشخص می‌گردد، معین نگردیده» مربوط به سؤال من نیست و مربوط به ماده ۱۱ قرارداد ۱۹۳۳ می‌باشد که راجع به مالیات و عوارضی است که میزان آن برای ۳۰ سال اول به‌طور متوسط در هر سال ۲۶۲۵۰۰ لیره تعیین شده که بر طبق قرارداد تحمیلی ۱۹۳۳ در سال ۱۹۴۸ دولت از کمپانی ۲۶۲۵۰۰ لیره از بابت مالیات بر درآمد گرفته، در صورتی که در همان سال کمپانی از بابت مالیات بر درآمد به دولت انگلیس ۲۸ میلیون پرداخته است و برای ۳۰ سال

دوم هم باید قبل از ۱۹۶۳ بین دولت و کمپانی توافق حاصل شود و آقای فروهر خواسته‌اند خود را به سؤال آشنا نکنند و جواب را به طفره برگذار نمایند.

(۲) مقایسه قرارداد ۱۹۳۳ با قرارداد داری و تعیین مزایایی برای امتیاز داری دلیل موافقت این جانب نسبت با قرارداد داری نیست. این جانب با هردو مخالفم و یگانه راهی هم که ملت ایران را از ظلم و زورگویی کمپانی خلاص کند این است که صنعت نفت در تمام مملکت ملی اعلام شود.

(۳) اینکه نوشته‌اند اجرای قرارداد ۱۹۳۳ از نظر حق الامتیاز برای دولت مفیدتر است تا قرارداد داری، قابل قبول نیست، چنانچه عایدات سال ۱۹۴۸ را که خود شرکت منتشر نموده و کمتر از میزان واقعی است مآخذ قرار دهیم معلوم خواهد شد که اجرای قرارداد داری از نظر مالی برای دولت بمراتب مفیدتر است، زیرا صرفنظر از ۳ درصدی که به خوانین بختیاری پرداخت می‌شده است دولت ایران بر طبق قسمت آخر فصل ۱۰ قرارداد داری ۱۶ درصد از عواید هریک از شرکت‌های بهره‌برداری را می‌بایستی دریافت داشته باشد، ولی طبق قرارداد ۱۹۳۳ فقط دولت ایران با شرکت نفت انگلیس و ایران که شرکت مادر است، طرف بوده، بنابراین ۱۶ درصدی که از بابت ۱۶ درصد عواید شرکت نفت مادر را که اینجانب مبنا قرار می‌دهم حداقل عوایدی است که از بابت ۱۶ درصد عواید کلیه شرکت‌های بهره‌برداری عاید ایران می‌گردد است و بنابراین ۱۶ درصد ۶۲ میلیون لیره عواید سال ۱۹۴۸ شرکت مادر، که معادل ۱۰ میلیون لیره می‌شود، به تنهایی از عایدات دولت ایران در سال ۱۹۴۸ براساس قرارداد ۱۹۳۳ بیشتر می‌باشد. به علاوه طبق فصل هفتم قرارداد داری که ضمن ماده ۲۳ قرارداد ۱۹۳۳ نیز به صورتی که مورد قبول شرکت هم بوده است تفسیر شد، شرکت نفت و سایر شرکت‌های بهره‌برداری از پرداخت مالیات بر درآمد معاف نبوده و فعلاً که بیلان سایر شرکتها در دسترس نیست، این جانب فقط میزان بدهی شرکت نفت تنها در سال ۱۹۴۸ و بر اساس قرارداد داری و نرخ مالیاتی قبلی را که ۵۰ درصد است منظور می‌نمایم و با این تفصیل طبق بیلان شرکت که مورد قبول ملت ایران نیست، شرکت نفت در سال ۱۹۴۸ می‌بایست ۳۱ میلیون لیره مالیات به دولت ایران پرداخته باشد.

بنابراین جمع عایدی دولت ایران طبق قرارداد داری در اساس بیلان ۱۹۴۸ خود شرکت و نرخ مالیاتی فعلی به ۴۱ میلیون لیره بالغ می‌شود و حال آنکه طبق قرارداد ۱۹۳۳ در همین سال عایدی ایران از همه بابت ۱۰ میلیون لیره شده و طبق قرارداد الحاقی بر خلاف ۲۵ میلیون لیره‌ای که آقای وزیر دارایی ضمن پاسخ اظهار داشته‌اند در حدود ۱۹ میلیون لیره می‌شود به شرح ذیل:

- ۱- طبق قرارداد ۱۹۳۳ و قلمدادی خود کمپانی ۱۰ میلیون لیره.
 - ۲- بابت حق دولت ایران در ذخایر طبق قرارداد ۱۹۳۳ و تفسیر شرکت ۵/۸ میلیون لیره.
 - ۳- بابت اضافه مالیات و اضافه حق الامتیاز بر طبق قرارداد الحاقی ۲/۹ میلیون لیره.
- جمع ۱۸/۷ میلیون لیره.

بنابراین از نصف مبلغ دریافتی ایران بر طبق قرارداد داری هم کمتر است.
 ۴- چنانکه ملاحظه شد عواید دولت ایران بر اساس قرارداد داری و برای یک سال مالی شبیه به سال ۱۹۴۸ چهار برابر عواید دولت طبق قرارداد ۱۹۳۳ و ۲ برابر و نیم عواید دولت بر اساس قرارداد الحاقی که دولت فعلی ما می‌خواهد به هر قیمت شده آن را از تصویب مجلس بگذرانند، می‌شده است.

به علاوه از نظر تمديد مدت هم قرارداد ۱۹۳۳ به مراتب زیانبخش تر است. زیرا در انقضای مدت قرارداد داری تمام ابنيه و مؤسسات شرکت به دولت ایران تعلق می‌گرفته است (در صورتی که طبق قرارداد ۱۹۳۳ و قرارداد الحاقی این مایملک برای مدت ۳۲ سال بلاعوض به شرکت واگذار شده است.

اما نسبت به حوزه امتیازی که وزیر دارایی محدودیت آن را تذکر داده‌اند. بایستی متوجه بود که شرکت علاوه بر اینکه از سال ۱۹۰۱ تا ۱۹۳۳ یعنی مدت ۳۲ سالی که برای شناسایی منابع واقعی نفت در حوزه امتیازی وقت داشته طبق ماده ۲ قرارداد ۱۹۳۳ هم ۸ سال برای انتخاب صدهزار میل مربع حوزه امتیازی قطعی وقت داشته و بنابراین بدون کمترین تردیدی بهترین منابع را گلچین کرده است، چنانچه سر ویلیام فریزر رئیس سابق شرکت نفت در مجمع عمومی صاحبان سهام محدود شدن حوزه امتیازی را به هیچ وجه قابل توجه نشناخته و به صاحبان سهام اطمینان داده است که منابع اصلی و حقیقی نفت ایران همچنان در اختیار شرکت نفت باقی مانده است.

۵- اما راجع به لغو انحصار لوله‌کشی که به عنوان اولویت قرارداد ۱۹۳۳ تذکر داده‌اند. باید دانست که به واسطه اعمال نفوذهای شرکت نفت تا کنون ملت نتوانسته است بقیه منابع نفتی خود را مورد استفاده قرار دهد و بعید به نظر می‌رسد که با ادامه برقراری شرکت نفت در ایران، دولت و ملت ایران بتوانند از این اولویت استفاده‌ای ببرند.

به علاوه نظر به تعهداتی که دولت ایران به عهده گرفته است، منبع نفتی که فعلاً برای بهره‌برداری مقدم خواهد بود، منابع نفتی است که بتوان محصول آن را به مصرف داخلی رسانیده و در باصرفه‌ترین شرایط به شوروی صادر نمود و قرارداد داری مانعی برای این استفاده نبوده است.

۶- و اما راجع به اینکه آقای وزیر دارایی نوشته‌اند:

«اگر استخراج شرکت را (که قاعدتاً منظور ایشان از ۱۹۶۱ تا ۱۹۹۳ می‌باشد) در آن مدت سالی ۳۰ میلیون تن فرض کنیم و حداکثر سودی که از استخراج و فروش نفت خام حاصل می‌شود ثنی یک لیره فرض نماییم حداکثر منافع استخراج ایران بالغ بر ۳۰ میلیون لیره می‌شود. بایستی متذکر شد که معلوم نیست به چه علت عایدات و استفاده از هر تن را یک لیره گرفته‌اند و حال آنکه در بیان ۱۹۴۸ که مبنای بحث ماست شرکت نفت از هر تن در حدود ۳ لیره استفاده

برده است، زیرا پس از ۱۷ میلیون لیتره استهلاكات عواید واقعی شرکت ۷۲ میلیون لیتره بجای ۶۲ میلیون ادعایی شرکت بوده است و چون این منافع از فروش ۲۳/۵ میلیون تن نفت به دست آمده است، بنابراین استفاده از هر تن ۶۱ شلینگ یعنی بیش از سه لیتره شده است.

حال اگر در این شرایط و براساس میزان استخراج سال جاری (۳۳ میلیون تن) عایدات دولت ایران را از منافع نفتی خود حساب کنیم، عایدات دولت سالیانه ۱۰۰ میلیون لیتره خواهد گردید. بایستی متوجه بود که محاسبه بالا بر اساس تنی سه لیتره صورت گرفته است مربوط به سال ۱۹۴۸ می باشد که هنوز لیتره تنزل نیافته بود، در صورتی که تنزل نرخ لیتره را نیز منظور نماییم همین عایدات بجای ۱۰۰ میلیون بالغ بر ۱۵۰ میلیون لیتره تنزل یافته امروزی می شود.

۷- اما نسبت به آنچه در انتهای نامه جوابیه خود به شرح زیر: «یک قسمت مهم از این منافع اولاً در اثر مقدار مهمی نفت خام است که شرکت از عراق و کویت و غیره استخراج می کند و ثانیاً منافع دستگاههای حمل و نقل و توزیع که در خارج از ایران و در کشورهای دیگر موجود است» نوشته اند، بایستی متذکر گردم که شرکت نفت طبق بیلان ۱۹۴۸ در حدود ۲۸ میلیون لیتره در شرکت های تابعه و متحده خود سهام داشته و از این بابت فقط در حدود ۲ میلیون لیتره طبق همان بیلان استفاده برده است و این مبلغ از ۷ درصد مبلغ به کار افتاده که کلاً متعلق به منابع نفتی ایران است تجاوز ننموده و بفرض اینکه تمام این مبلغ هم که حقاً دولت ایران در آن سهم است از عایدات شرکت کسر شود باز هم عایدات شرکت بجای ۶۲ میلیون لیتره ادعایی شرکت نفت فقط به ۶۰ میلیون لیتره تنزل می یابد و بنابراین نقصان محسوسی حاصل نمی کند.

برای مثال بایستی متذکر گردم که شرکت «بریتیش تنکر» که شرکت حمل و نقل دریایی نفت ایران است و تمام سرمایه آن متعلق به شرکت می باشد، در سال ۱۹۴۹ در حدود ۱۰ میلیون لیتره حداقل استفاده برده و از تمام این مبلغ فقط ۲۴۰ هزار لیتره به شرکت مادر، یعنی شرکت نفت سود داده است و حال آنکه ۴ میلیون لیتره از پول حاصله نفت ما در این شرکت به کار افتاده است.

دکتر محمد مصدق

نامه دکتر مصدق در اطراف قرارداد داری و قرارداد الحاقی نفت

اداره روزنامه محترم اطلاعات [!]

رونوشت نامه ای که بکمسیون نفت در جواب آقای وزیر دارائی نوشته ام، برای درج در آن روزنامه محترم تقدیم می کنم.

دکتر محمد مصدق

کمسیون محترم نفت [!]

آقای غلامحسین فروهر، وزیر دارائی، در فقره ۱ و ۳ پاسخ ثانوی که در اول آذرماه ۱۳۲۹

تسلیم آن کمیسیون محترم نموده سعی کرده‌اند که باز تلویحاً این جانب را طرفدار قرارداد داری معرفی کنند؛ این است که لازم می‌داند قبل از مبادرت به هر جواب، نظریه‌ای که جبهه ملی در خصوص امتیاز نفت جنوب در جلسه ۲۹ شهریورماه ۱۳۲۹ اتخاذ نموده و نظریه این جانب نیز بوده است به عرض برسانم:

«نظریه جبهه ملی این است که منافع ملت ایران که صاحب اصلی نفت است به طور عادلانه تأمین گردد. بنابراین چون امتیاز نامه داری که در زمان قبل از مشروطیت و تدوین قانون اساسی بدون کمترین مداخله ملت ایران تفویض گردیده و قرارداد ۱۹۳۳ که در دوران دیکتاتوری و علیرغم میل و مصلحت ملت ایران به زور و فشار تحمیل شده است و همچنین طرح الحاقی که فعلاً مطرح است، هیچ‌یک وافی به این معنا نیست، از نظر جبهه ملی مردود شناخته می‌شود.»

و چون هر قدر بیشتر نمایندگان جبهه ملی و عضو کمیسیون نفت به پرونده‌های نفت آشنا شده و اطلاعات کاملی از اعمال کمپانی و اعمال نفوذ دولت انگلیس بدست آورده بیشتر یقین حاصل کرده‌اند که بودن شرکت در این مملکت حیات ملی و استقلال کشور را به باد می‌دهد؛ این بود که جبهه ملی در جلسه ۱۵ آبان‌ماه ۱۳۲۹ قطعنامه‌ای صادر نمود که نمایندگان جبهه ملی آن را در موقع اخذ رأی به کمیسیون پیشنهاد کنند. اکنون عین قطعنامه:

«بنام سعادت ملت ایران و منظور کمک به تأمین صلح جهانی، امضاکنندگان ذیل پیشنهاد می‌نمائیم که صنعت نفت ایران در تمام مناطق کشور بدون استثناء ملی اعلام شود یعنی تمام عملیات اکتشافی، استخراج و بهره‌برداری در دست دولت قرار گیرد.»

اینجانب به ملی بودن صنعت نفت و جنبه اخلاقی آن بیش از جنبه اقتصادی معتقدم. بر فرض اینکه ما نتوانیم نفت را مثل کمپانی بمقدار زیاد استخراج نموده و بفروش رسانیم. در هر حال خواهیم توانست با استخراج مقدار کمتری [به] میزان مایحتاج داخلی خود و عواید فعلی دولت از شرکت نفت را تأمین نمائیم و بقیه نفت در محل خود بماند تا نسل آینده از آن بهتر منتفع شود.

از حسن اداره کمپانی ملت ایران تاکنون بهره‌ای نبرده و عایدات نفت یا صرفاً در راهی خرج شده که نفع آن عاید بیگانگان شده و یا اشخاصی از آن استفاده برده‌اند که دست‌نشانده کمپانی و دشمن ملت ایران بوده‌اند.

چنانچه صنعت نفت ملی شود شرکتی وجود نخواهد داشت که برای پیشرفت کار خود در امور داخلی ما اعمال نفوذ کند و اشخاص فاسد را قائم‌مقام اشخاص صالح و وطن‌دوست نماید. سطح اخلاقی امروز ما با سطح اخلاقی سال ۱۹۳۳ بسیار فرق کرده و کار تدنی اخلاقی به جائی رسیده که باعث ننگ هر ایرانی شده است.

با آن همه اعتراضاتی که نسبت به آقای تقی‌زاده شده است، ایشان تاکنون یک کلام از

خوبی‌های غیرواقع قرارداد ۱۹۳۳ بر زبان نیاورده و در مجلس ۱۵ نیز برای تبرئه خود کمره و اجباری را که در امضای آن داشته باطلاع عامه رسانیده‌اند.

در صورتیکه زمامداران کنونی بی‌محابا از آن دفاع می‌کنند و بنابه اظهارات آقای نخست‌وزیر در کمیسیون نفت قرارداد الحاقی ساعد - گس که قرارداد تحمیلی و باطل ۱۹۳۳ را تنفیذ می‌کند، وزرای ایشان تأیید کرده‌اند.

معروف است که در موقع امضای قرارداد ۱۹۳۳ کمپانی قلمی از طلا ساخته بود که بعد از امضای قرارداد آن را به آقای تقی‌زاده هدیه کند و ایشان قبول نکرده‌اند و اکنون تردید نیست که برای دفاع از قرارداد الحاقی اگر کمپانی قلمی از چوب بدهد، متصدیان آن را با منت قبول و تاج سر خود می‌کنند.

اما راجع به منظور این‌جانب از سئوالی که در جلسه ۲۰ آبان ماه ۱۳۲۹ از آقای فروهر وزیر دارائی نموده‌ام، بایستی بعرض کمیسیون برسانم که چون بکرات شنیده شد که متصدیان امور اینطور اظهار کرده‌اند که قانون ۲۹ مهرماه ۲۶ برای استیفای حقوق ملت ایران بوده و منظور از آن لغو قرارداد ۱۹۳۳ نمی‌باشد و با این استناد از هرگونه پاسخی نسبت به تمدید مدت زبان بخشی که ضمن قرارداد ۱۹۳۳ به ملت ایران تحمیل گردیده، خودداری نموده‌اند و حال آنکه در اثر تمدید مدت:

اولاً - مایملک شرکت که در ۱۹۶۱ متعلق به کشور ایران می‌شده برای مدت ۳۲ سال دیگر در اختیار شرکت نفت گذارده شده، مایملکی که برطبق بیلان سال ۱۹۴۸ و اعتراف رئیس شرکت هم‌اکنون در حدود ۲۰۰ میلیون لیره ارزش دارد و سود تجارתי آن سالیانه ۲۰ میلیون لیره می‌شود.

ثانیاً - تمام منافع حاصله از فروش و تصفیه نفت ایران که بایستی از سال ۱۹۶۱ کلاً به جیب ملت ایران برود، در ازاء مبلغ ناچیزی که ضمن قرارداد ۱۹۳۳ تعیین گردیده و می‌خواهند با قرارداد الحاقی مبلغی بر آن اضافه نمایند بجیب شرکت نفت خواهد رفت و تازه قراردادهای نامبرده با حق حاکمیت ملت ایران که تنها نمونه استقلال ماست نیز مابینت دارد. بنابراین موضوع تأمین حقوق از دست رفته ملت ایران در اثر تمدید مدت موضوعی است که منظور اصلی قانون و سؤال اینجانب بوده و هیچیک از دولت‌ها تاکنون نسبت باستیفای آن اقدامی ننموده و دولت قبلی نیز پاسخ سؤال مرا در این مورد به تعلل گذرانیده و از آن طفره زده است (ملاحظه شود فقره اول نامه آقای وزیر دارائی)

حال که برای سومین دفعه منظور اصلی از سؤال خود را بعرض آقایان اعضاء محترم کمیسیون رسانیده‌ام، لازم می‌دانم که جواب گزارش (و لایحه) آقای وزیر دارائی را به سه قسمت زیر تقسیم کنم:

۱ - موضوع مالیات و شمول یا عدم شمول آن بعایدات شرکت براساس قرارداد داری.

۲- موضوع تصحیح اعداد و تفسیرهایی که آقای وزیر دارائی از ارقام ذکر شده توسط اینجانب نموده‌اند.

۳- تذکر پاره‌ای نکات دیگر که ضروریست.

جواب فقره ۴ نامه مذکور:

(۱) - مالیات بردرآمد برطبق قسمت اول از فصل هفتم قرارداد داری که بدین قرار تنظیم

شده:

«تمام اراضی که به صاحب امتیاز واگذار شده و همچنین تمام محصولات آنها که به خارجه حمل می‌شود، از همه نوع مالیات و عوارض در مدت امتیاز نامه معاف خواهد بود...»
و این معافیت مربوط به مالیات اراضی است که به صاحب امتیاز مجاناً واگذار شده یا صاحب امتیاز آن‌ها را از صاحبان اراضی خریداری کرده و نیز مربوط به محصولات است که به خارجه حمل می‌شود از پرداخت حقوق گمرکی معاف گردیده است.

بنابراین معافیت مزبور شامل مالیات بردرآمد که در حین امتیاز معمول نبوده و در اولین بار در ۱۳۰۹ رفع و برقرار شده است نمی‌باشد و چون هر شرکتی که در ایران باعمال بهره‌برداری و تجاری اشتغال پیدا کند، مشمول مقررات قانون مزبور می‌باشد. روی همین اصل بوده که کمپانی برطبق قسمت دوم ماده ۲۳ قرارداد ۱۹۳۳ حاضر شده است که مالیات بر درآمد خود را که نپرداخته بود از اول فروردین ۱۳۰۹ یعنی تاریخ تصویب قانون مالیات بردرآمد تأدیه کند و مبالغی را هم که پرداخت نموده است با نرخ مالیاتی قانون مزبور کاملاً تطبیق می‌کند.

از مقدمه فوق این نتیجه گرفته می‌شود که برطبق مقررات قرارداد داری کمپانی می‌بایستی در یکسال مالی شبیه به سال ۱۹۴۸ از بابت حق الامتیاز و مالیات ۴۱ میلیون لیره به دولت ایران پرداخته باشد، در صورتیکه برطبق قرارداد الحاقی در سال مزبور می‌خواهد به ما ۱۸/۶ میلیون لیره بدهد.

و چنانچه از مبلغ فوق ۵/۸ میلیون وجه ذخیره که متعلق به دولت ایران بوده است، موضوع کنیم و همچنین ۱۰ میلیون لیره پرداختی از بابت حق الامتیاز و مالیات سال ۱۹۴۸ را کسر نمائیم فقط ۲/۸ میلیون لیره باقی می‌ماند و این وجهی است که برطبق مقررات قرارداد الحاقی از بابت ۲ شلینک اضافه بر ۴ شلینک حق الامتیاز سابق و سه پنس اضافه مالیات هر تن به دولت ایران تعلق گرفته است.

نسبت به سه درصد حق خوانین بختیاری چون این جانب آن را بحساب نیاورده‌ام مستغنی از جواب است.

جواب فقره ۲

(۲) - موضوع تصحیح اعداد و تفسیرهایی که آقای وزیر دارائی از ارقام ذکر شده توسط

این جانب نموده‌اند بایستی متذکر بود که منظور این جانب از تعیین ۲۶۲۵۰۰ لیره متوسط

حداقل مالیات تعهدی شرکت برای ۳۰ سال اول قرارداد ۱۹۳۳ بوده است و مقصود این نبوده که وجه مزبور مبلغ پرداخته شده در سال ۱۹۴۸ می‌باشد.

و بفرض اشتباه از اینکه آقای وزیر دارائی عدد بالا را اصلاح نموده و میزان پرداختی را معادل ۱/۴ میلیون لیره معین نموده‌اند تغییری در نکته مورد نظر اینجانب که مالیات دریافتی ایران در مقابل مالیات دریافتی دولت انگلستان بسیار ناچیز بوده خدشه‌ای وارد نشد، زیرا برطبق مبلغ تعیین شده توسط ایشان مالیات دریافتی دولت انگلیس که ۲۸ میلیون لیره بود معادل ۲۱ برابر مالیات بردآمدیست که در همان سال به دولت ایران پرداخته شده است و حال آنکه ملت ایران مالک حقیقی تمام منابع نفتی خود بوده و در صورتیکه تمدید مدت به میان نیامده بود، اولاً دولت ایران مالیات بیشتری در ظرف ۳۰ ساله آخر قرارداد داری دریافت می‌نمود و بعلاوه در سال ۱۹۶۱ تمام عواید شرکت به دولت ایران تعلق می‌گرفت.

اما اینکه ایراد نموده‌اند چرا این جانب سال ۱۹۴۸ را که مدعی هستند سال استثنائی بوده مبنای قرار دادهام متذکر می‌شوم که منظور اینجانب از کلیه آن محاسبات و تعیین عدد صد میلیون لیره به هیچوجه عظمت آن عدد نبوده بلکه برای این بوده است که در صورت ملی کردن نفت از هم‌اکنون و بفرض وجود قرارداد داری از سال ۱۹۶۱ تمام عواید حاصله از فروش نفت و تصفیه آن عاید دولت ایران می‌گردید و حال آنکه برطبق قراردادهای کشور ونزوئلا هم باشد، فقط نیمی از عایدات شرکت نصیب دولت ایران خواهد شد و برطبق قرارداد الحاقی نیز به حداکثر یک چهارم آن عایدات سهم دولت ایران می‌شود.

بهرحال بقیه موضوع تصحیح اعداد را که خود آقای وزیر دارائی بدان اتکاء نموده و درباره آن قلمفرسائی نموده‌اند مسکوت می‌گذارم. زیرا اولاً تصحیحات ایشان بهیچ وجه نکاتی که تذکر آن منظور اینجانب بوده است تغییر نمی‌دهد - و ثانیاً اگر مقصود جنگ اعداد و خرده‌گیری بوده من هم متذکر می‌شوم که آقای وزیر دارائی که حقاً بایستی لااقل نرخ مالیاتی زمان را که ۴ درصد بوده بدانند متأسفانه ضمن مرقومه خود آنرا سه درصد تعیین نموده و نمی‌توانند برای اصلاح این اشتباه نه متکی بعدم اطلاع و فقدان مدارک دردسترس خود بشوند و نه آنرا حمل بر اشتباه ماشین‌نویس نمایند.

(۳) - تذکر پاره‌ای نکات ضروری:

الف - راجع به اموال کمپانی بعد از انقضاء مدت.

نظر این بود که بعد از ۱۹۶۱ تمام آن مایملک متعلق به دولت ایران خواهد بود و هیچ نظری نسبت به مقایسه فصل ۱۵ قرارداد داری و فصل ۲۰ قرارداد ۱۹۳۳ نبود و چنانچه مقایسه شود معلوم خواهد شد که مقررات قرارداد ۱۹۳۳ بر مقررات قرارداد داری اولویتی ندارد.

و اما راجع به وسعت حوزه امتیاز؛ این موضوع مورد انکار این جانب نبوده و باز هم تأیید می‌نمایم که شرکت نفت برای شناسائی نواحی نفت‌خیز ۳۲ سال و برای انتخاب بهترین منابع

نفتی ۵ سال یعنی مدت کافی در اختیار داشته و وسایل فنی امروزی نیز از زمان جنگ اول جهانی در اختیار شرکت‌های نفت بوده و مسلماً شرکت حداکثر استفاده را از آن نموده و موضوع انتخاب بهترین منابع مورد تأیید سر ویلیام فریزر رئیس شرکت نیز واقع شده است.

جواب فقره ۶

راجع به اولویت بهره‌برداری از منابع نفت شمال منظور این‌جانب بخصوص تأمین نیازمندیهای ناحیه شمال ایران به قیمت ارزان و ایجاد رقیب برای شرکت نفت بوده و نسبت به شوروی منظوری غیر از آنچه ضمن بند «د» قانون ۲۹ مهرماه ۱۳۲۶ مقرر شده نبوده است.

جواب فقره ۷ و ۸

اینکه قسمتی از عایدات شرکت نفت را متعلق به شرکت‌های نفت کویت و غیره دانسته‌اند چون هیچگونه عددی داده نشده، این‌جانب نمی‌توانم اظهار عقیده نمایم و چنانچه این اظهار صحت هم داشته باشد آن عواید مبلغ ناچیزی از درآمد شرکت نفت را تشکیل می‌دهد.

در خاتمه لازم است عرض کنم بجای اینکه دولت راجع به تأمین منافع و استیفای حقوق ملت ایران که در اثر تمدید مدت قرارداد داری از بین رفته است جواب مقتضی به سؤال این‌جانب بدهند، اینطور اظهارنظر می‌کنند که جنبه سیاسی قضیه نفت به جنبه اقتصادی و حقوقی آن مقدم است و از این راه می‌خواهند بوسیله قرارداد الحاقی قرارداد باطل دوره دیکتاتوری و بالتیجه و علی‌رغم مصالح ملی تمدید مدت را تنفیذ کنند و هیچ توضیح قابل قبول نسبت به نوع و خصوصیات جنبه سیاسی ادعائی نمی‌دهند تا اگر قرارداد تصویب نشود بدو عواقب و خیمه آن گفته شده باشد این است که از آقایان محترم اعضاء کمیسیون خواهانم، اگر می‌توانند نسبت به جنبه سیاسی توضیحاتی بدهند که در صورت مجلس کمیسیون درج شود و باطلاع عموم هم برسد والا بصرف اظهارات بی‌دلیل، ملت ایران نمی‌تواند از مایملکی که برای آن یک قضیه حیاتی است صرف‌نظر کند.

اما اینکه بعضی مقامات اظهار کرده‌اند که در صورت پافشاری نسبت به تصویب قرارداد الحاقی، مردم نسبت به همسایه جنوبی جری شده و بالمال توجه به همسایه دیگری می‌کنند، منطقی و صحیح نیست. چه علت پیشرفت کمونیسم تنها مرام نیست، بلکه در بسیاری از نقاط مرهون طمع و سوء سیاست بعضی از دول است.

از هر کس سؤال کنند که با قرارداد الحاقی موافق است یا نیست، خواهد گفت نه، پس آنچه که سبب عدم رضایت می‌شود تصویب قرارداد است.

هر کس اینطور تصور کند که ارزش قانونی قرارداد الحاقی بیش از قرارداد ۱۹۳۳ باشد، تصویری به غلط و باطل کرده است. زیرا بطلان قرارداد ۱۹۳۳ فقط از این جهت نیست که در دوره دیکتاتوری منعقد شده، چه بسیاری از امور که در آن دوره گذشته چون بر صلاح بوده، کسی با آنها مخالفت نکرده است.

دکتر محمد مصدق

۱۱۶

نامه دکتر مصدق به مهندس حسینی

۲۸ آذرماه ۱۳۲۹

قربانت شوم [۴] امیدوارم وجود محترم سلامت باشد، حال بنده بواسطه اینکه نمی‌توانم استراحت کنم خوب نشده و تا تکلیف نفت در مجلس معلوم نشود بنده امید به بهبودی ندارم. اکنون ورقه جوف را با تشکرات خود تقدیم می‌نمایم [۰].

دکتر محمد مصدق

۱۱۷

نامه دکتر مصدق به حسین مکی

۷ دی‌ماه / ۱۳۲۹

قربانت شوم [۰] جواب تلگراف شیراز را بنده امضاء نموده‌ام اگر حضرات آقایان موافقتند مخابره شود. راجع به تلگراف هم که در جوف تقدیم می‌شود هر اقدامی که لازم است البته خواهند فرمود.

دکتر محمد مصدق

۱۱۸

نامه دکتر مصدق به حسین مکی

۱۰ دیماه ۱۳۲۹

قربانت شوم [۴] نامه جوف را استدعا می‌کنم مطرح فرمائید و هر تصمیمی که اتخاذ می‌فرمائید بصاحب نامه مرقوم فرمائید. بنده جواب بایشان همینطور نوشتم که هر تصمیمی که اتخاذ شود بااطلاع ایشان خواهد رسید.

دکتر محمد مصدق

۱۱۹

نامه دکتر مصدق به حسین مکی

۱۳۲۹/۱۰/۱۴

ضمیمه دارد

قربانت گردم [۴] از اصفهان نامه‌ای راجع به ملی شدن صنعت نفت رسیده که برای استحضار

خاطر محترم ارسال می‌نمایم. در صورت لزوم به حضرات آقایان محترم نمایندگان اصفهان ارائه خواهند فرمود.

۱۲۰

یادداشت دکتر مصدق خطاب به حسین مکی

چنانچه خدمت حضرت عالی بلیط باشد؛ استدعا می‌کنم سه برگ برای بنده لطف فرمایند.

۱۲۱

نامه دکتر مصدق به سیروس حسین خبیری

فرستنده: دکتر محمد مصدق

تهران - خیابان کاخ - کاستی ۱۰۹

آقای سیروس حسین خبیری

شماره ۵۱۰۸ خیابان کائیدرال

واشنگتن - ایالات متحده امریکا

۱۵ دی‌ماه ۱۳۲۹ - ۱۵ ژانویه ۱۹۵۱

آقای محترم [!] نامه شریف عز و صول ارزانی بخشید و آقایان محترم متحصنین در مجلس شورای ملی ارائه و موجب نهایت امتنان گردید. همگی از احساسات بی‌آلایش شما تشکر می‌کنیم و موفقیت هموطنان عزیز را در پیشرفت مقاصد ملی خواهانیم.

دکتر محمد مصدق

۱۲۲

نامه دکتر مصدق به حسین مکی

۱۶ دی‌ماه ۱۳۲۹

قربانت گردم [؟] نامه جوف را باستحضار حضرات آقایان محترم رسانیده و برای بنده اعاده می‌فرمائید، چنانچه اسباب زحمت نویسنده نمی‌شد برای درج در روزنامه بد نبود چون شرکت در هرکجا نماینده دارد خصوصاً در سازمان برنامه ممکن است اسباب زحمت او را فراهم کنند لذا از انتشار باید خودداری کرد.

دکتر محمد مصدق

[مجدداً]

روزنامه جوف را هم پس از ملاحظه اعاده فرمایند.

۱۲۳

نامه دکتر مصدق به حسین مکی

۱۳۲۹/۱۰/۱۷

ضمیمه دارد
قربانت گردم [؟] تلگرافی به امضای آقای دکتر سلامت بخش و چندین نفر دیگر در موضوع ملی شدن صنعت نفت از رشت به این جانب رسیده که عیناً برای استحضار حضرات آقایان نمایندگان محترم تقدیم می‌شود.

دکتر محمد مصدق

۱۲۴

نامه دکتر مصدق به حسین مکی

۱۷ دیماه ۱۳۲۹

قربانت شوم [؟] رونوشت تلگراف کرمانشاه را تقدیم می‌کنم که هر اقدامی لازم باشد بفرمائید. بامضا کنندگان تلگراف جواب نوشته شد که از آقایان نمایندگان جبهه ملی در مجلس آنچه برآید دریغ نخواهند نمود.

دکتر محمد مصدق

۱۲۵

نامه دکتر مصدق به حسین مکی

۱۳۲۹/۱۰/۱۷

ضمیمه دارد

قربانت گردم [؟] رونوشت تلگرافی بامضای آقای محمد احقری و چند نفر دیگر در موضوع ملی شدن صنعت نفت از همدان باینجانب رسیده که عیناً برای استحضار حضرات آقایان نمایندگان محترم تقدیم می‌گردد.

دکتر محمد مصدق

۱۲۶

نامه دکتر مصدق به حسین مکی

۱۳۲۹

قربانت شوم [؟] رونوشت عریضه‌ای که سندیکای کارگران حلب‌سازی به پیشگاه

اعلیحضرت همایونی شاهنشاهی عرض نموده و برای بنده ارسال داشته‌اند در جوف از لحاظ محترم می‌گذرد، خواهانم اگر مقدور باشد با جناب آقای آشتیانی‌زاده مذاکره و رفع اشکال از کار ایشان بفرمائید، دیگر بیش از این مصدع نمی‌شوم و سلامت جنابعالی را خواهانم.

دکتر محمد مصدق

۱۲۷

نامه دکتر مصدق به حسین مکی

۱۸ دیماه ۱۳۲۹

قربانت شوم [۴] جواب تلگراف شیراز را بنده امضا نموده‌ام اگر حضرات آقایان موافقند مخابره شود. راجع باصل تلگراف هم که در جوف تقدیم می‌شود هر اقدامی که لازم است البته خواهند فرمود.

دکتر محمد مصدق

۱۲۸

نامه دکتر مصدق به حسین مکی

۱۹ دی‌ماه ۱۳۲۹

قربانت شوم [۴] مرقومه محترمه شرف وصول داد. الغاء قوانین ظالمانه مطبوعات مؤده بزرگی بود که به بنده رسید امیدوارم که در سایر مطالب هم خیرخواهان مملکت موفقیت حاصل کنند. در خاتمه تشکرات خود را خدمت حضرات آقایان محترم تقدیم می‌کنم، سلامت و موفقیت همگی را از خداوند مسئلت دارم.

دکتر محمد مصدق

۱۲۹

نامه دکتر مصدق به مهندس حسینی

۱۹ دی‌ماه ۱۳۲۹

قربانت شوم [۴] امیدوارم که سفر رشت حضرتعالی را خسته نکرده باشد، تازه احزاب ما می‌خواهند بوظایف حزبی خود آشنا شوند و جای بسی امیدواری است [۰]. خواهانم که خداوند همگی را بخدمت میهن موفق بدارد [۰]. از حال بنده بخواهید بواسطه استراحت دیگر تب نکرده‌ام [۰]. ۱۸ روز دیگر هم باید استراحت کنم بلکه حالم طوری شود که در حرکت دچار تب نگردم. در خاتمه ارادت خود را تجدید و سلامت جنابعالی را خواهانم. پاکتی هم با پست سفارشی به قلهک فرستاده‌ام البته رسیده است.

دکتر محمد مصدق

۱۳۰

جواب دکتر مصدق به تلگراف مردم شیراز

شیراز توسط جناب آقای عباس صدیق، حضرات آقایان محترم. [؟]
تلگراف آقایان به مجلس شورای ملی تقدیم خواهد شد. امیدواریم که حضرات آقایان
نمایندگان فارس از نیت موکلین خود پیروی نمایند.
از طرف جبهه ملی - دکتر مصدق

۱۳۱

نامه دکتر مصدق به حسین مکی

۱۳۲۹/۱۰/۲۰
ضمیمه دارد

قربانت گردم [؟] شرحی بامضای آقای عالمی در موضوع ملی شدن صنعت نفت از همدان
باین جانب رسیده که عیناً برای استحضار حضرات آقایان نمایندگان محترم تقدیم می‌دارد.
دکتر محمد مصدق

۱۳۲

یادداشت دکتر مصدق به حسین مکی

۲۱ دی ماه

قربانت شوم [؟] هر وقت که مجال فرمودید در این دو روز استدعا دارم چند دقیقه بنده را
سرافراز فرمائید.

دکتر محمد مصدق

۱۳۳

نامه دکتر مصدق به حسین مکی

۱۳۲۹/۱۰/۲۳
ضمیمه دارد

قربانت شوم [؟] تلگرافی بامضای آقای شیخ محمدرضا علوی و چند نفر دیگر در موضوع
ملی شدن صنعت نفت از شهرضا باین جانب رسید که عیناً برای استحضار حضرات آقایان
نمایندگان اعضاء جبهه ملی تقدیم می‌شود.

دکتر محمد مصدق

۱۳۴

نامه دکتر مصدق به حسین مکی

۱۳۲۹/۱۰/۲۴

ضمیمه دارد

قریبات شوم [۴] رونوشت تلگرافی بامضای آقای نادعلی کریمی در موضوع ملی شدن صنعت نفت از کرمانشاه باین جانب رسیده که عیناً برای استحضار حضرات آقایان نمایندگان اعضاء جبهه ملی تقدیم می‌شود که پس از ملاحظه بر طبق تقاضای صاحب تلگراف به مجلس شورای ملی یا بدبیرخانه، هر کدام که مقتضی دانید تسلیم شود.

دکتر محمد مصدق

۱۳۵

نامه دکتر مصدق به حسین مکی

۲۹/۱۰/۲۶

ضمیمه دارد

قریبات شوم [۴] تلگرافی بامضای آقای موسی قطب و چند نفر دیگر در موضوع ملی شدن صنعت نفت و اصلاح قانون انتخابات از دزفول باین جانب رسیده که عیناً برای استحضار حضرات آقایان نمایندگان جبهه ملی تقدیم می‌گردد.

دکتر محمد مصدق

۱۳۶

نامه دکتر مصدق به حسین مکی

۱۳۲۹/۱۰/۲۷

ضمیمه دارد

قریبات شوم [۴] شرحی بامضای آقای علی اکبر جم‌خو در موضوع ملی شدن صنعت نفت از اهواز باین جانب رسیده که عیناً برای استحضار حضرات آقایان محترم جبهه ملی تقدیم می‌گردد.

دکتر محمد مصدق

۱۳۷

یادداشت دکتر مصدق به حسین مکی

۱۳۲۹/۱۰/۲۸

ضمیمه دارد

اصل تلگراف آقای جواد کسائی از اصفهان در موضوع اصلاح قانون انتخابات بانضمام

رونوشت جوابی که تلگرافاً بایشان داده‌ام برای استحضار تقدیم می‌گردد که از نظر حضرات آقایان نمایندگان محترم جبهه ملی بگذرد.

[رقم امضاء] دکتر محمد مصدق

۱۳۸

نامه دکتر مصدق به مردم قزوین

حضور آقایان محترم [۱]

از اظهار محبت و پشتیبانی که نسبت به این جانب و جبهه ملی فرموده‌اید متشکر و یقین دارم با بیدار شدن افکار عمومی و علاقمندی که قاطبه ملت ایران برای رهایی از تسلط اقتصادی بیگانگان نشان می‌دهند، به خواست خداوند متعال صنایع نفت در سراسر کشور ملی خواهد شد. توفیق شما اهالی محترم قزوین را در این مبارزه ملی که آغاز فرموده‌اید مسئلت دارم.

۲۸ دی ۱۳۲۹

دکتر محمد مصدق

۱۳۹

نامه دکتر مصدق به حسین مکی

۳۰ دی ماه ۱۳۲۹

قربانت شوم [؟] امیدوارم که در این سفر به حضرتعالی خوش گذشته باشد و همیشه موفق باشید. نامه‌ها و تلگرافهای ولایات برای تشویق دیگران همانطوری که خود حضرتعالی تاکنون به آن عمل فرموده‌اید اگر در مجلس نشود از آنها صحبتی کرد لااقل باید در روزنامه منتشر شود، سلامت جنابعالی را خواهانم.

دکتر محمد مصدق

۱۴۰

نامه دکتر مصدق به حسین مکی

۱۳۲۹/۱۰/۳۰

ضمیمه دارد

قربانت شوم [؟] شرحی بامضای آقای سیدمحمدکاظم ذکاوت در موضوع ملی شدن صنعت نفت از شیراز بایشان رسیده که عیناً برای استحضار حضرات آقایان نمایندگان محترم جبهه ملی تقدیم می‌دارد.

دکتر محمد مصدق

۱۴۱

یادداشت دکتر مصدق به حسین مکی

۱۳۲۹/۱۱/۴

ضمیمه دارد

قربانت شوم

شرحی از طرف جمعیت ایرانی هواداران صلح باین جانب رسیده که عیناً تقدیم می‌دارد که در جلسه جبهه ملی مطرح فرموده و اگر نظریاتی اظهار شد از آن قرار جواب داده شود.

دکتر محمد مصدق

۱۴۲

نامه دکتر مصدق به دکتر سعید فاطمی

پنجم بهمن ماه ۱۳۲۹

جناب آقای سعید فاطمی

با اینکه حال خوشی ندارم به عرض این مختصر مصدق می‌شوم که چند روز قبل از آقایان پزشکان محترم که دوره تخصص خود را در کشور فرانسه طی می‌کنند راجع به مشکلات ارزی نامه‌ای رسید که آن را برای جناب آقای نخست‌وزیر فرستادم. چون آدرس فرستنده نامه را به واسطه کسالت ضبط نکرده‌ام، اکنون نمی‌دانم جواب آقای نخست‌وزیر را بچه وسیله به آقایان برسانم. این است که تصور کردم اگر خدمت جنابعالی بفرستم ممکن است آن را اگر مجمعی دارند بجمع آنها والا بیکی از آقایان که با جنابعالی مربوط باشد تسلیم فرمایند، چنانچه وسیله مطمئنی نباشد آن را اعاده فرمائید تا هر وقت مطالبه جواب کردند ارسال نمایم. از این مزاحمت معذرت می‌طلبم و از خداوند سلامت جنابعالی را خواهانم.

دکتر محمد مصدق

[مجدداً]

خانه‌ای که شما منزل دارید گمان می‌کنم خانه‌ای است که در سال ۱۹۰۸ میلادی بنده یک اتاق بدون غذا در آنجا داشتم. از خیابان سن میشل که وارد کوچه می‌شوند در حدود ۱۰۰ قدم و در دست چپ واقع شده بواسطه اینکه رو به آفتاب بود چند ماه بنده در آنجا منزل داشتم.

ظہیر پاکت
هرانی

Monsieur Said Fatemi
38 Rue Gay Lussac
Paris - France

دکتر محمد مصدق
تهران

۱۴۳

نامه دکتر مصدق به ریاست مجلس شورای ملی

۱۳۲۹/۱۱/۱۰

ریاست مجلس شورای ملی

جلسه اول دوره دوم کمیسیون مخصوص نفت در روز دوشنبه نهم بهمن ماه ۱۳۲۹ تشکیل یافت. پس از مراجعه به سوابق و تصمیم مجلس شورای ملی که در جلسه ۱۳۲۹/۱۰/۲۱ در این موضوع اتخاذ شده است، متوجه این نکته گشت که چون تصمیم مجلس در تاریخ بیست و چهارم دی ماه ۲۹ طی نامه شماره ۸۷۱۹ برای اظهار نظر به مجلس سنا فرستاده شده و تاکنون با وجود اهمیت موضوع مجلس سنا هنوز در این باب نظری اتخاذ نکرده‌اند، ادامه رسیدگی منوط و متوقف بر وصول نظر آن مجلس شده است. متمنی است از طرف ریاست مجلس شورای ملی به ریاست مجلس سنا تأکید شود که هرچه زودتر موضوع را در آن مجلس مطرح نموده و نظر خود را ارسال دارند تا کمیسیون قادر شود به وظایف قانونی خود اقدام نماید.

رئیس کمیسیون مخصوص نفت - دکتر مصدق

۱۴۴

سؤال دکتر مصدق از کفیل وزارت دارائی

سؤال از جناب آقای شعاعی کفیل وزارت دارائی [!]

چون گفته می‌شود که بحریه دولت انگلیس نفت مورد احتیاج خود را بدون پرداخت قیمت از شرکت نفت می‌برد و در صورت صحت مبلغ مهمی به دولت ایران که در عایدات شرکت سهیم و شریک است ضرر وارد شده برای اینکه معلوم شود این حرف تا چه اندازه صحیح است متمنی است مقدار نفتی که در یکی از سالهای اخیر مثلاً در سال ۱۹۴۸ بحریه دولت انگلیس برده و مبلغی که از آن بابت به شرکت رسیده است در جلسه آتیه به استحضار کمیسیون برسانند.

دکتر محمد مصدق

۱۴۵

سؤال دکتر مصدق از نخست‌وزیر

جناب آقای رزم‌آرا نخست‌وزیر [!]

اکنون که کمیسیون خاص نفت تشکیل و از طرف آقایان نمایندگان مجلس شورای ملی

پیشنهاداتی داده شده و وظیفه کمیسیون این است هر یک از آنها که بیشتر منافع ملت ایران را تأمین کند آن را مقدم بشمارند، به این معنی که تا پیشنهاد نفت به دلایل مسلم و قطعی رد نشود پیشنهاد بعد مورد بحث و شور قرار نگیرد.

نظر به اینکه تعدیات و مظالم شرکت نفت سبب شد که نمایندگان جبهه ملی در مجلس پیشنهاد ملی شدن صنعت نفت را تقدیم مجلس کنند و جنابان آقایان بهبهانی، کاظم شبیبانی و اسلامی هم با این پیشنهاد موافقت و آن را امضاء نمایند تا از معادن زرخیز نفت جنوب، آنچه بیگانگان می‌برند نصیب مردم بدبخت این مملکت بشود و از عدم رضایتی که به واسطه فقر و نااقه در تزیاید است بکاهند.

نظر به اینکه با اطلاعات شخصی و وسایلی که در اختیار دولت است آن جناب، بیش از هر کس واقف به امور و بهتر می‌تواند حقایق مستور را بر کمیسیون روشن نمایند لذا این جناب از آن جناب دو سؤال می‌کنم:

اول - آیا دولت جناب شما ولو با کمک متخصصین خارجی، قادر هست که از معادن نفت جنوب بهره‌برداری کند یا نه؟ چنانچه جواب این سؤال منفی است علل آنرا مرقوم فرمایند.

دوم - چنانچه دولت ایران هیچ‌گونه تغییری در مشتریان نفت ندهد و کلیه محصول معادن نفت جنوب را بعد از وضع مصرف داخلی کماکان با دول و بنگاههایی معامله کند که تاکنون با شرکت نفت معامله می‌کرده‌اند آیا ممکن است ملی شدن صنعت نفت ایجاد عکس‌العمل‌هایی بکند یا نه؟ در صورت امکان توضیح فرمایند که عکس‌العملهای احتمالی از چه قبیل و نتایج آن ممکن است چه باشد؟

امیدوارم هرچه زودتر نظریات خود را مرقوم و یا در کمیسیون شفاهاً بفرمایند تا هر تصمیمی که اتخاذ می‌شود برخلاف مصالح مملکت نبوده و با صلاح و صواب توأم باشد.

دکتر محمد مصدق

۱۴۶

جواب دکتر مصدق به نامه دکتر قاسم غنی

سوم اسفند ۱۳۲۹

قربانت شوم [!؛] مرقومه محترمه مورخ ۲۵ بهمن شرف وصول ارزانی بخشید و موجب نهایت امتنان گردید، تشکرات صمیمانه خود را از تسلیتی که فرموده‌اید تقدیم می‌کنم. بقا و سلامت وجود محترم را خواهانم. حال خود بنده مدتی است خوب نیست. در تابستان طبیب معالج دو ماه تعطیل را برای بنده واجب شمرد ولی متأسفانه کار کمیسیون نفت سبب شد که حتی یک روز هم تعطیل نکنم و مرتباً در جلسات علنی مجلس و کمیسیون که گاه تا عصر طول

می‌کشید حاضر شوم و کار به جایی برسد که همه روزه دچار تب و ناچار شوم این دفعه حرف طبیب را قبول بکنم، قریب دو ماه حرکت نکنم و کمتر حرف بزنم. خلاصه اکنون خوشوقتم که می‌توانم جواب مرقومه محترمه را بخط خود عرض کنم و عوالم ارادت را که لایتغیر است تجدید کنم. بیش از این مصدق نمی‌شوم و مزده صحت و سلامت عالی را همیشه منتظرم.

دکتر محمد مصدق

۱۴۷

پیشنهاد دکتر مصدق به کمیسیون مخصوص نفت

ماده اول - مجلس شورای ملی صنعت نفت را در تمام کشور ملی اعلام می‌کند، به این معنا که بهره‌برداری از تمام معادن نفت به حساب ملت ایران بشود.

ماده دوم - از تاریخ تصویب این قانون، تسویه حساب معادن نفت جنوب را کمپانی سابق به‌طور امانی و به حساب دولت ایران تحت نظر هیئت نظار بهره‌برداری خواهد نمود.

ماده سوم - هیئت نظار در ماده فوق مرکب است از هشت نفر از نمایندگان مجلس شورای ملی و هشت نفر از نمایندگان مجلس سنا به انتخاب هریک از مجلسین.

ماده چهارم - هیئت نظار مکلف است که با کمپانی سابق نفت جنوب برای ترتیب تسویه حساب داخل در مذاکره شده و نتیجه آن را به حداکثر در هشت ماه برای تصویب به مجلسین پیشنهاد نماید.

ماده پنجم - در صورتیکه کمپانی نفت جنوب به مفاد ماده دوم تمکین نکند هیئت نظار مکلف است کمیسینی مرکب از هفت نفر از بین اعضاء خود یا از خارج به عنوان هیئت‌مدیره موقت انتخاب نموده پس از مطالعات لازم و با نظر متخصصین فنی پیشنهاد خود را برای سازمان دائم بهره‌برداری به مجلسین تقدیم کند.

تبصره ۱ - انتخاب اعضاء هیئت‌مدیره موقت باکثرت سه ربع از تمام اعضاء هیئت نظار خواهد بود.

تبصره ۲ - هیئت‌مدیره می‌تواند به قدر لزوم، کارشناس دعوت و یا استخدام نماید. امیدوارم هرچه زودتر نظریات خود را مرقوم و یا در کمیسیون شفاهاً بفرمائید تا هر تصمیمی که اتخاذ می‌شود برخلاف مصالح مملکت نبوده و به اصلاح و صواب توأم باشد.

دکتر محمد مصدق

۱۴۸

نامه دکتر مصدق به مهندس حسینی

۱۱ اسفند ۱۳۲۹

قربانت شوم [!؛ روزنامه جبهه آزادی را امروز قرائت نمودم و از توضیحاتی که در خصوص

پیشنهاد بنده داده‌اید بسیار خوشوقت و متشکر شدم [۰]. بجان عزیز خودتان که در منزل من اشیاء تجملی منحصر است به دوربینی که در سال ۱۳۱۴ که برای معالجه برلن رفته بودم خریدم، در این چند سال هم محتاج نشدم که از آن استفاده کنم و به حال نوری مانده است و چون در این روزهای آخر عمر هم از آن هیچ استفاده نخواهم نمود میل دارم که این دوربین دست جنابعالی باشد و هر وقت صحرا تشریف می‌برید چه بنده باشم و نباشم یادی از من بفرمائید. امیدوارم که تقدیم ناقابل مرا قبول کنید و بر بنده منت گذارید [۰].

ارادتمند دکتر محمد مصدق

۱۴۹

نامه دکتر مصدق درباره لایحه نشر اسکناس^{۳۳}

قبل از اینکه وارد در بحث اساسی خود راجع به لایحه نشر اسکناس که مطرح است بشوم لازم می‌دانم متذکر گردم اگر قانون ملی شدن صنعت نفت تصویب شده بود مجلس شورای ملی هرگز در مقابل چنین لایحه‌ای که دولت آن را پیشنهاد کرده واقع نمی‌شد. پیشنهاد ملی شدن صنعت نفت را تاکنون هفت نفر از اعضاء کمیسیون امضاء نموده‌اند که پنج نفر از امضاءکنندگان نمایندگان جبهه ملی و دو نفر دیگر هم جنابان آقای بهبهانی و آقای عبدالرحمن فرامرزی هستند و بعلاوه دو نفر دیگر از اعضاء کمیسیون نفت طبق صورت جلسه کمیسیون موافقت خود را با آن ابزار داشته و اکثر آقایان دیگر اعضاء کمیسیون در موارد غیررسمی اظهار موافقت با آن نموده‌اند ولی هیچ‌یک از این دو دسته اخیر تاکنون پیشنهاد ملی کردن نفت را امضاء نکرده‌اند. چون نظر این است که این مرتبه هم کمیسیون نفت هر تصمیمی اتخاذ می‌کند با اتفاق آراء باشد امیدوارم که سایر آقایان اعضاء محترم کمیسیون نیز آن پیشنهاد را هرچه زودتر امضاء کنند تا این کار هم به اتفاق آراء بگذرد و بالتیجه رفع بحران فعلی بدون احتیاج به انتشار اسکناس جدید بشود.

چقدر ننگ است برای یک ملتی آن هم ملت باستانی ایران که بعضی از نمایندگانش راضی شوند یک شرکت اجنبی از معادن نفت ما به طریقی که دیده‌ایم بهره‌برداری کند و به ملی شدن صنعت نفت که نتیجه آن این خواهد بود که ملت ایران به حساب خود از این ثروت عظیم خدادادی بهره‌وفی ببرد تن در نداده و مملکت را در این آتش فقر و بدبختی بنبغ استفاده اجانب بسوزانند.

چون هنوز تکلیف کمپانی معلوم نشده و شرکت با وسایلی که در دست دارد به وسیله این

۳۳ این نامه توسط حسین مکی در جلسه خصوصی ۱۳/۱۲/۱۳۲۹ مجلس شورای ملی قرائت شد.

لایحه می‌خواهد از ملت بیچاره ما سوءاستفاده کند لازم می‌دانم نظریات خود را در زمینه این لایحه بعرض مجلس شورای ملی برسانم تا هر تصمیمی که اتخاذ می‌شود با توجه به تمام جوانب موضوع بوده و خدای نکرده از راه سکوت بعضی و عدم اطلاع یا اشتباه بعضی دیگر تصمیمی اتخاذ نشود که بر خلاف مصالح مردم رنج‌دیده کشور و به نفع کمپانی غاصب نفت بوده باشد.

همه می‌دانند که در جنگ بین‌الملل اول وقتی که متفقین یعنی دولت روسیه تزاری و دولت انگلیس از بانک ناشر اسکناس پول خواستند بانک تمکین نمود و گفت در صورت احتیاج به پول بایستی اجازه دهید به حساب شما نقره وارد کنم و در ضرابخانه تهران آن را به صورت مسکوک رایج درآورده و در اختیار شما قرار دهم و به هر حال از نشر اسکناس جدید استنکاف نمود و علت استنکاف نیز این بود که بانک بدون پشتوانه نمی‌توانست اسکناس منتشر کند و با پشتوانه هم نظر به سهولت جریان آن ممکن بود زندگانی گران شده و موجبات بدنامی و مزاحمت بانک فراهم گردد.

با این ترتیب بانک شاهنشاهی چون یک شرکت سهامی بود و نمی‌توانست برخلاف مصالح صاحبان سهام کاری بکند در استنکاف خود باقی ماند و متفقین هم نتوانستند مقاومت نمایند و بالاخره مجبور شدند که پیشنهاد بانک را قبول نمایند.

آن پیشنهاد این بود که بانک نقره وارد کند و روزی ۳۰ هزار تومان که ضرابخانه ایران می‌توانست ضرب کند توسط لاوشری رئیس ضرابخانه به صورت سکه پنج ریالی تحویل متفقین برای رفع احتیاجات آنها بشود و به همین ترتیب هم عمل شد. ولی چون مبلغ مزبور کفاف مخارج متفقین را نمی‌کرد آنها خود در ضرابخانه پتروگراد و ضرابخانه بیرمنگام پنج‌قرانی نقره ضرب نموده وارد ایران نمودند و برای رفع نیازمندیهای خود مصرف کردند.

متحدین که در آن جنگ دولت آلمان و اتریش بودند با وجود آنکه در ایران قشون نداشتند برای مخارج تبلیغاتی خود مجبوراً لیره می‌آوردند و بین مردم تقسیم می‌نمودند و ارزش پول ایران از این جهت که دول بیگانه پول خود را می‌آوردند و در این مملکت خرج می‌نمودند و قیمت نقره هم در بازار بین‌المللی ترقی کرده بود و مملکت ایران هم که از نظر ثوری دوفلزی و از نظر علمی یک فلزی، یعنی داد و ستد معمول با فلز طلا و نقره نبود و فقط با نقره بود بقدری بالا رفت که لیره طلا که قبل از جنگ در بازار آزاد در حدود پنج تومان داد و ستد می‌شد به دو تومان و فرانک سوییس که بیش از دو قران معامله می‌شد به یک قران تنزل کرد.

استقامت بانک شاهنشاهی در مقابل متفقین سبب شد که در آن جنگ و پس از آن زندگی ارزان و کالای وارداتی بعد از جنگ به نصف قیمت قبل از جنگ در ایران داد و ستد شود و مردم متمول نتوانستند از ترقی پول ایران بوسیله ارزش خارجی و فروش آن پس از ترقی ارزش استفاده بسیار

کنند و اگر دنیا در آتش جنگ می‌سوخت، چون مملکت ما قشون مسلح نداشت و به این عذر توانست در تمام مدت جنگ بی‌طرفی خود را حفظ کند با اینکه به مردم ناتوان از قشون خارجی صدمات بسیار رسیده بود با این حال وضعیت ما با ممالکی که وارد جنگ شده بودند قابل مقایسه نبود و نگفته نماند که شخصیت بعضی از رجال و وطن‌پرست که مورد مشاوره مسئولین امر واقع می‌شدند در حفظ بی‌طرفی ایران اثر بسیار داشت.

همه می‌دانند که در اوایل سلطنت مرحوم مظفرالدین شاه که بانک استقراضی دولت روسیه تزاری با بانک شاهنشاهی ناشر اسکناس رقابت داشت عده‌ای از تجار مدیون و هواخواه خود را واداشت که مبلغ زیادی اسکناس جمع‌آوری کرده و در یک روز از بانک شاهنشاهی مطالبه پول طلا یا نقره نموده و به اعتبارات آن سخته وارد کنند.

این کار شد و چون پشتوانه اسکناس با به قدر کافی نبود و یا شمش بود و اسکات مطالبه‌کنندگان وجه ممکن نبود بانک متوسل به دولت شد و مرحوم میرزا علی خان امین‌الدوله صدراعظم وقت از شاه درخواست نمود که مبلغی مسکوک طلا از خزانه اندرون به بانک شاهنشاهی داده شود تا مراجعین خود را راضی و اعتبارات خویش را محفوظ دارد، این کار شد و غائله خاتمه یافت و بانک شاهنشاهی خود را از مهلکه نجات داد.

بنابراین پشتوانه وثیقه پرداخت وجه در مقابل دارندگان اسکناس است چنانچه بانک ناشر اسکناس معتبر باشد احتیاجی به پشتوانه صددرصد نیست زیرا مردم در داد و ستد اسکناس را قبول می‌کنند و نگرانی ندارند.

حال فرض کنیم که پشتوانه صددرصد باشد ولی اسکناس بیش از حد لزوم منتشر شود و یا اعتبارات زیادی برای اشخاص باز شود.

در این صورت مردم توجه به معاملات می‌کنند و قیمت زندگی بالا می‌رود و عکس‌العمل آن افزایش همه قیمت‌ها و بالنتیجه تنزل پول خواهد بود، عملی که در حال حاضر بایستی از آن اجتناب شده و موجبات بدبختی مردم از این رو فراهم نگردد.

با اینکه بانک همیشه اظهار کرده که پشتوانه صددرصد است، بیان حقیقت نمی‌باشد زیرا هر قدر بیشتر اسکناس منتشر شود، پول تنزل می‌کند و قیمت طلا یا نقره بالا می‌رود و در نتیجه مقدار طلای ثابت باید پشتوانه میزان بیشتر اسکناس شده و به فرض اینکه پشتوانه همیشه صددرصد هم باقی بماند باز هم ارزش پول رایج کم شده و به عبارت دیگر کله قیمت‌ها ترقی خواهند نمود.

من باب مثال عرض می‌کنم که اگر شخصی قبل از شهریور ماه ۱۳۲۰ خانه خود را فروخته و وجه آن را به بانک داده باشد، امروز اگر بخواهد با ودیعه خود در بانک همان خانه را خریداری کند باید چهار مقابل ودیعه بانکی خود پول ادا نماید و به عبارت دیگر پول چهار مرتبه تنزل نموده است.

پشتوانه پول ما مثل پول یک قده دوغی است که هر مقدار از آن برمی‌دارند بجای آن آب در قده بریزند و همیشه هم بگویند دوغ است. در صورتی که با تکرار این عمل دیگر جز رنگ دوغ چیز دیگری برای آن باقی نمانده و سایر خواص آن را از میان برده‌است.

در اینجا لازم است به عرض آقایان برسانم که در جنگ بین‌الملل دوم که آن رجال رفته بودند و رژیم دیکتاتوری هم اجازه نداده بود مردمانی که بالقوه می‌توانستند رجال شوند عرض اندام کنند، به متفقین اجازه داد که هرچه خواستند بر ما تحمیل کنند و کار فلاکت و بدبختی را به جایی رسانند که اکنون دچار آن شده‌ایم.

در دوران جنگ دوم جهانی بر خلاف سیاستی که بانک شاهنشاهی در جنگ بین‌المللی اول بکار برد و در اثر قراردادهایی که بسته شد و تحمیلاتی که متفقین پس از اشغال خاک ایران به ما نمودند و به وسیله یکی از مزدوران خویش قیمت لیره را از ۶۷ ریال قبل از جنگ به ۱۲۸ ریال هر لیره ترقی دادند و بر اساس آن با پشتوانه‌ای معادل نصف پشتوانه آن روز پول ایران که در خارج از کشور ایجاد نمودند تا آنجا که لازم داشتند بانک ملی اسکناس چاپ نمود و در اختیار آنان قرار داد و بدبختی مردم را فراهم کرد.

نتیجه این عمل با توجه بعدم افزایش تولید کشور سبب شد که قیمت‌ها تا چند برابر قبل از جنگ بالا رفته و طبقه مزدبگیر و بخصوص کارمند و مستخدم دولت گرفتار بدبختی‌های عظیم گردیده و حتی نتوانند شکم خانواده خود را سیر نمایند. در صورتی که متفقین با پول رایگانی که تحصیل می‌کردند بهترین مواد غذایی این کشور را برای رفع نیازمندیهای قشون اشغالگر خود خریداری کرده و پولی را که روز به روز از قدرت خرید آن کم می‌شد تحویل ملت ایران می‌دادند. نتیجه آن که ضریب زندگی که در ۱۳۱۵ یکصد و در ۱۳۱۹ به ۲۵۰ بالغ شده بود در اواخر اشغال متفقین و در سالهای اول بعد از خاتمه جنگ تا میزان ۱۰۰۰ بالا رفته و نسبت بسال ۱۳۱۹ در حدود چهار برابر گردید. اگر سرعت ماشین چاپ اسکناس نبود متفقین مثل دوره جنگ اول جهانی مجبور بودند که قسمت مهمی از نیازمندی خود به پول را با فروش دلار و لیره تأمین نموده، برای ملت ایران همان نتیجه اقتصادی مساعدی که در جنگ اول جهانی نظر به مقاومت بانک شاهنشاهی در قبول انتشار اسکناس بوجود آمده بود حاصل می‌گردید و لیره کاغذ بجای اینکه تا ۲۰۰ ریال در بازار آزاد بفروش رود از قیمت قبل از جنگ نیز پایین‌تر آمده و مردم بدبخت این کشور دچار آن همه مصیبت و بدبختی نشده بودند و بخصوص زندگانی بعد از جنگ ملت ایران تا به این درجه فقر و بیچارگی تنزل و انحطاط حاصل نکرده بود.

چنانچه نسبت افزایش هزینه زندگی در ۱۳۲۰ و سال آخر جنگ جهانی را با یکدیگر مقایسه نمایم مشاهده می‌شود که بین این دو عدد تقریباً همان نسبتی موجود است که بین میزان انتشار اسکناس در سال ۱۳۲۰ و ۱۳۲۵ وجود داشته‌است.

طبق آمار منتشره توسط خود بانک میزان اسکناس در جریان که در ۱۳۲۰ معادل ۱۸۰

میلیون تومان بوده است در آخرین سال جنگ جهانی به میزان ۷۰۰ میلیون تجاوز نموده بود و چنانچه مشاهده می‌شود همان طوری که ضریب هزینه زندگی ۴ برابر شده است میزان اسکناس در جریان نیز چهار برابر گردیده است.

چنانچه در بالا بدان اشاره شده هیچ گونه دلیلی از نقطه نظر اقتصاد ملی در بین نبوده است تا میزان اسکناس در جریان به این اندازه بالا رود زیرا نه جمعیت زیاد شده و نه مردم متمول‌تر شده‌اند و نه حجم معاملات بیشتر گردیده و به همین علت هم افزایش میزان نشر اسکناس موجب افزایش قیمت‌ها به همان نسبت گردیده است.

پس در حقیقت کلیه متصدیان امور که وسایل و مقدمات لازم برای افزایش میزان اسکناس در جریان را فراهم آورده‌اند مسئول حقیقی بسیاری از بدبختیهای اقتصادی کشور و به‌خصوص در مدت جنگ جهانی دوم که خاک ایران توسط متفقین اشغال شده بود می‌باشند.

در این مدت تنها کسی که از این افزایش میزان اسکناس استفاده برده است در درجه اول متفقین بوده‌اند که با تعهد پرداخت پشتوانه‌ای که بعضی‌ها به طلا و بعضیها به پولهای کاغذی بوده است و میزان آن از نصف پشتوانه واقعی پول ایران تجاوز نمی‌کرده است میلیاردها پول دریافت و به مصرف تأمین نیازمندی‌های قوای نظامی خود رسانیده‌اند و در درجه دوم بانک ملی است که ارزش پشتوانه فلزی و ارزی اسکناسهای آن که در سال ۱۳۲۰ وجود داشته اقلأ دو برابر گردیده و از این راه با میزان پشتوانه معینی بانک توانسته است بیش از دو برابر اسکناس در اختیار مردم قرار داده و با این ترتیب قسمت مهمی از نتیجه کار و کوشش مردم را عملاً به خود اختصاص دهد.

و از این راه به نفع افزایش مایملک و سرمایه خویش استفاده بنماید کما اینکه به گفته متصدیان بانک، میزان طلا و ارزی که متعلق به بانک ملی بوده و جز پشتوانه اسکناس در جریان نیست هم اکنون ۱۳ تن طلا و دو میلیون لیره است که روی هم در حدود ۶۳ میلیون تومان ارزش دارد و از محل همین ارز و طلای متعلق به بانک ملی است که فعلاً می‌خواهند قسمتی از پشتوانه اسکناس‌های لایحه جدید را تأمین نمایند.

اما بهانه‌ای که برای درخواست اجازه انتشار ۲۲۰ میلیون تومان اسکناس توسط جناب آقای نخست وزیر در جلسه خصوصی اظهار شده است فزونی صادرات و پرداخت‌هایی است که برای کالاهای صادراتی از قبیل پنبه و پشم و برنج به عمل آمده است و اما خود بهتر از هر کس می‌دانند که به جای پنبه و پشم و برنج، اسکناس از مملکت خارج نشده تا بتواند موجبات این مضیقه پولی را فراهم آورد و بالاخره فقط کسری از این پول به جیب زارع خرده‌پارفته و آنان نیز با توجه به فقر مادی که همواره با آن دست به گریب‌اند مسلماً نتوانسته‌اند وجوه حاصله از این معامله را به نحوی که ادعا می‌شود پس‌انداز کرده نزد خود نگاهداری نمایند، زیرا مجبورند برای رفع مایحتاج ضروری و تأمین قوت لایموت و ستر عورت خود آن عواید ناچیز را خرج کنند.

پس اگر طبق اظهاری که می‌شود مانند پول در نزد اشخاص باعث این مضیقه مالی شده‌است.

مسئله علت آن انتقال ریال به خارج کشور توسط مسافری و زائرین و نگاهداری و حبس پول توسط صاحبان سرمایه بزرگ و همچنین شرکت‌های نیرومند مثل شرکت نفت می‌باشد و در صورتی که از نشر اسکناس صرف‌نظر شود در مدت کوتاهی نگاهدارندگان ریال مجبور خواهند شد که مجدداً پولها را به جریان گذارده به مضیقه ساختگی فعلی خاتمه دهند.

من فوق‌العاده نگرانم که افزایش میزان اسکناس با توجه به بی‌بند و بار بودن دولت و نیازی که برای نجات خود از مخمصه فعلی به پول دارد باعث شود که بیش از پیش دولت از بانک ملی اسکناس دریافت نموده و با تامین پشتوانه‌های سستی از قبیل اسناد خزانه یک دولتی که کسر بودجه دارد و وسایل بی‌نظمی بیشتری در زندگانی اقتصادی کشور به وجود آورده و با نجات خود از بحران فعلی آیندگان را دچار مخمصه‌ای بس سخت‌تر و لاینحل‌تر بنماید و به همین دلیل هم هست که جداً با لایحه نشر اسکناس که دولت فعلی تقدیم مجلس شورای ملی نموده‌است مخالفم.

طبق اطلاعاتی که این‌جانب از متصدیان بانک به دست آورده‌ام در زمان تصدی وزارت دارایی توسط آقای دکتر تقی نصر صادرات و واردات آزاد شده و واردکنندگان می‌توانستند هر کالایی را که مجاز بوده و مایلند از راه خرید ارز در بازار آزاد وارد نمایند بدون آنکه دولت در زمینه صادرات و واردات مداخله‌ای بنماید و با این ترتیب عمل عرضه و تقاضا تعادلی بین ارز موجودی کشور از محل صادرات و واردات مرئی و غیرمرئی به وجود آورده و بین قیمت اجناس صادراتی و وارداتی نیز ارتباط و تعادلی برقرار شود ولی پس از استعفای ایشان مجدداً مقررات ارزی کشور تغییر داده شده و دو نوع کالای وارداتی تعیین نموده‌اند.

اول کالای وارداتی درجه ۱ که از جمله آنها قند و شکر و آهن و کاغذلا می‌باشد که ارز لازم برای آن بر اساس هر لیتر ۱۱۲ ریال به فروش می‌رسد.

دوم کالای وارداتی درجه ۲ که شامل کالاهای وارداتی غیر از آنچه در نوع اول اسم برده شده است بوده و ارز لازم برای وارد کردن آنها بر اساس هر لیتر ۱۳۶/۵ ریال به فروش می‌رسد.

صمناً برای تشویق صادرات، بانک ملی ارزهای صادراتی را از قرار لیتره‌ای ۱۳۶/۵ ریال خریداری می‌نمایند.

متصدیان بانک معتقدند که با این ترتیب موجبات تشویق صادرات را فراهم آورده و موجب شده‌اند اجناس صادراتی بخصوص پشم و پنبه به مقدار خیلی زیاد صادر گردند و همین تشویق صادرات را که موجب رسیدن پول بیشتری به دست زارعین شده‌است علت‌العلل از جریان افتادن اسکناس‌های منتشره می‌دانند و حال آنکه اگر ارزش کل صادرات کشاورزی از قبیل پشم و پنبه و برنج را روی هم رفته بالغ بر ده میلیون لیتره یعنی در حدود یکصد میلیون تومان فرض کنیم و

قبول کنیم که ثلث این مبلغ در حدود ۳۰ میلیون تومان به دست زارع خرده‌پا رسیده و از جریان خارج شده است باز هم به هیچ وجه این ۳۰ میلیون تومان با ۱۴۰ میلیون تومانی که به ادعای بانک از جریان خارج شده است برابری نکرده و از یک چهارم تا یک پنجم آن تجاوز نخواهد نمود و بنابراین به‌طور مسلم علت‌العلل این مضیقه مربوط به از جریان افتادن پول توسط زارعین خرده‌پا نمی‌باشد و علت دیگری را به عنوان علت‌العلل این مضیقه بایستی تجسس نمود.

حال اگر فرض کنیم که منافع شرکت نفت اقتضا کرده باشد که مقدار مهمی از پول در جریان را از جریان خارج کند محاسبه نشان می‌دهد که با فروش یکصد میلیون لیتر مواد نفتی در هر ماه به قیمت متوسط هر لیتر فقط یک ریال که به جیب شرکت می‌رود (قیمت فروش مواد نفتی با توجه به مالیات دریافتی و قیمت حمل و نقل برحسب نوع و محل فروش آن هر لیتر بین یک ریال و ۴ ریال تغییر می‌کند) شرکت نفت می‌تواند در هر ماه در حدود یکصد میلیون ریال پول ما را از جریان خارج کند و بنابراین در فاصله کمی شرکت نفت خواهد توانست این مضیقه فعلی را که خارج شدن یک میلیارد و ۴۰۰ میلیون ریال از جریان است به وجود آورده و موجبات رکود تجارتي را فراهم آورد و در هر موقع که منافعش اقتضا کند بتدریج این مبالغ را به جریان انداخته موجب تشویق عملیات خرید و فروش و بالتیجه افزایش قیمت‌ها را فراهم آورد و به‌علاوه با این مانور نتیجه کار و ثروت همه مردم را در نزه عده معدودی که با آن شرکت سر و سرّی دارند جمع نماید.

پس به دلیل بالا، شرکت نفت و سایر سرمایه‌داران تحت نفوذ آن دستگاه می‌توانند با کمال آسانی هر نوع گریه‌رقصانی که مایلند بکنند و از دست هیچکس هیچ‌گونه کاری برنیاید، کماینکه به ظن قوی در این موقع که لایحه نفت مطرح است و هرگونه رکود کار و کسب و بیچارگی مردم به نفع شرکت نفت می‌باشد می‌توان به‌طور یقین ادعا نمود که اظهارات بالا فقط حدسیات صرف نبوده و حقیقتاً از این وسایل شیطانی به منظور فشار به مردم ایران، آن شرکت غاصب حداکثر استفاده را می‌نماید.

ممکن است گفته شود که این عمل باعث رکود سرمایه بزرگی از طرف شرکت نفت می‌شود ولی آنجا که پای میلیاردها لیره کلاه‌گزاری به سر ملت بدبخت ایران در بین است شرکت نفت می‌تواند به خود اجازه دهد که چند یا چندین میلیون لیره خود را موقتاً برای ایجاد این بدبختی به وسیله خود و عمال خویش محبوس نموده و موجبات رکود اقتصادی و بدبختی مردم را فراهم آورد.

البته علاج این دردها که همواره ما با آن دست به‌گریبان خواهیم بود و فقط همان کوتاه‌کردن دست غاصب و پرنیرنگ شرکت نفت به وسیله ملی کردن صنعت نفت در سراسر کشور است و بس.

موضوع بالا مرا از اصل مطلب اندکی دور کرد. مطلب به اینجا کشیده بود که تعیین قیمت خرید لیره صادراتی موجب افزایش صادرات و خارج شدن ریال از جریان بوده است و من قسمت دوم این ادعا را که خارج شدن ریال از جریان است با محاسبات بالا رد کردم و حال لازم است بگویم که تازه علت واقعی افزایش صادرات هم منحصراً قیمت خرید ۱۳۶ ریال هر لیره صادراتی نبوده بلکه طبق اطلاعی که همگی آقایان دارند این فزونی به علت افزایش فوق‌العاده سریع قیمت مواد اولیه در اثر خریدهای احتیاطی کشورهای بزرگ در این موقع بحرانی بوده است. چنانچه مثلاً قیمت پنبه در فاصله کوتاهی از ۲۵ ریال به ۹۰ ریال یعنی در حدود سه برابر و نیم ترقی کرده است و البته در این صورت قسمت مهمی از این منافع به جیب تجار و سرمایه‌داران بزرگ رفته است و به همین علت بود که این جانب در بالا فقط حداکثر ثلث ارزش محصول صادراتی را قابل نگاهداری توسط زارع خرده‌پا دانسته و به وسیله آن نشان دادم که عامل اصلی رکود فعلی به هیچ حال دلیلی که آقای کفیل وزارت دارایی و نخست وزیر اقامه کرده‌اند نمی‌باشد.

در اینجا لازم است که تذکر دهم که اگر برنامه‌های عمرانی و نقشه دولتها براساس متین و با توجه به خیر و صلاح مردم تنظیم گردیده و اجرا شده بود کشور ایران که خود یکی از تولیدکنندگان مواد اولیه صنایع کشاورزی می‌باشد بایستی تا کنون حداقل به اندازه رفع نیازمندی‌های کشورهای کارخانجات ریسندگی و بافندگی و قندسازی و غیره تهیه و به کار انداخته باشد تا کشور بدبخت ما مجبور نشود مواد اولیه از قبیل پشم و پنبه خود را مثلاً در دوره‌های جنگ به سه برابر قیمت زمان صلح فروخته و پارچه‌های نخی و پشمی مورد نیاز کشور را تا ۹ برابر قیمت‌های زمان صلح خریداری نمایند.

دولت افتخار می‌کند که آنقدر پنبه و پشم از کشور صادر شده است که کارخانه‌های شخصی و دولتی و دستگاه‌های قالی‌بافی از کار افتاده و ایجاد یک دنیا بدبختی برای مردم فقیر و مفلوک شده است و حال آنکه به تبعیت از دولت‌های سابق خود و حتی بدتر از آنان یک قدم اساسی در راه افزایش استعداد تولیدی کشور برنداشته و اگر دنیا گرفتار تشنج جدیدی بشود باز همان آش خواهد بود و همان کاسه، یعنی فروش محصولات کشاورزی به سه برابر زمان عادی و خرید مواد صنعتی مربوطه به ۹ تا ۱۰ برابر قیمت زمان صلح.

البته از کسانی که به خود زحمت نمی‌دهند که دلیل واقعی از جریان خارج شدن پول کشور را به دست آورند نبایستی انتظار هیچ‌گونه عملی را که متکی بر نقشه باشد داشت. اما ببینیم که در صورت توفیق دولت در گذراندن این لایحه چه کسانی از آن استفاده خواهند نمود؟

در صورتی که میزان اسکناس ۲۲۰ میلیون یعنی در حدود ۲۵ درصد افزایش یابد با توجه به اینکه هیچ‌گونه فعالیت تولیدی جدیدی در کشور ایجاد نشده و با توجه به فایده‌ای که دولت و

بانک می‌توانند از پولی که در اختیار بانک است ببرند نتیجه بالمآل در جریان باقی ماندن پول جدید و افزایش ۲۵ درصد میزان آن بدون افزایش مربوط در میزان تولید کشور بوده و دیر یا زود قیمت‌ها ۲۵ درصد افزایش خواهد یافت و این لایحه نشر اسکناس که در حکم یک مسکن قوی برای تخفیف تبی است که دولت، این کشور را بدان دچار کرده است در آتیه نزدیک وسایل ناراحتی اقتصادی بیشتر را فراهم آورده و بر اشکالات آینده ما در این ایامی که لایحه نفت ممکن است هنوز مطرح بوده باشد خواهد افزود و به علاوه افزایش جدیدی که در اثر تنزل قیمت ریال در قیمت آزاد لیره حاصل خواهد شد به شرکت نفت اجازه خواهد داد که بیش از پیش سعی نماید تا مقداری از ریال مورد نیاز خود را از راه بازار سیاه تأمین نموده و یا به دولت فشار بیاورد که نرخ رسمی لیره افزایش یابد و این پیش‌آمد هم به ضرر دولت و ملت ایران خواهد بود زیرا شرکت نفت با لیره کمتر همان مقدار ریال را که برای مزد کارگران خود بکار می‌برد خواهد توانست تحصیل نماید.

ممکن است گفته شود که در صورتی که اظهارات بالا صحیح باشد چون قیمت‌ها بالا می‌رود میزان دستمزد به همان تناسب بالا رفته و شرکت مجبور خواهد بود میزان لیره‌های تبدیلی را ثابت نگاه دارد و ضرری متوجه ملت ایران نخواهد شد، ولی حقیقت مطلب این است که شرکت نفت با تبانی و معافیت‌هایی که تاکنون از آن برخوردار بوده است در صدد برخواهد آمد که بیش از پیش و مثلاً مثل زمان جنگ قسمت مهم و بلکه تمام مواد مصرفی کارمندان و کارگران خود را از خارج و به قیمت مناسب‌تری تهیه نموده و در دسترس آنها قرار دهد بدون آن که میزان دستمزد را بیفزاید و بنابراین تنزل ۲۵ درصد از میزان لیره‌های تبدیلی خود بکاهد و این جریان مسلماً به نفع شرکت نفت خواهد بود.

خلاصه این که تصویب این لایحه به نظر این‌جانب طبق دلایلی که اقامه شد صددرصد به ضرر مردم است تا وجدان آقایان چه قضاوت کنند.

۱۵۰

نامه دکتر مصدق به مهندس حسینی

۱۷ اسفند ۱۳۲۹

قربانت شوم [؟] کلیه اوراق متعلق به جنابعالی را به ضمیمه نظریات کمیسیون مرحوم نخست‌وزیر که هیچ‌وقت مورد استفاده بنده نخواهد بود تقدیم خدمت می‌کنم و از توجهات جنابعالی بأمور مملکتی و الطاف مخصوصی که همیشه نسبت به بنده اظهار فرموده‌اید صمیمانه تشکر می‌کنم و بقای وجود محترم را که برای وطن عزیز بسیار مفید است از خداوند مسئلت دارم.
دکتر محمد مصدق

۱۵۱

تلگراف دکتر مصدق و آیه‌الله کاشانی به نمایندگان کارگران نفت جنوب

۱۰ فروردین ۱۳۳۰

اهواز - آقایان احمدی، موحدی و سایر نمایندگان محترم کارگران [!] تلگراف آقایان اصل، بلافاصله به دولت تذکر داده شد که اقدامات لازم برای رفاهیت متحصنین و اعتصاب‌کنندگان به عمل آورد و چنانچه درخواست کرده بودید هیئتی مأمور رسیدگی شود. در جلسه دیشب هیئت دولت موضوع مطرح مذاکره قرار گرفته، هیئت تعیین، قریباً اعزام، اینجانبان و جبهه ملی کمال مراقبت را در رعایت منویات مشروع آقایان خواهیم داشت.

انتظار داریم که رعایت کمال وطن‌پرستی را چنانچه همیشه کرده‌اید برای جلوگیری از دسایس بیگانگان معمول و نظم و آرامش را جداً مراقبت نمایند و اینجانبان را مرتباً از جریانات مستحضر دارند.

سیدابوالقاسم کاشانی - دکتر محمد مصدق

۱۵۲

نوشته دکتر مصدق روی پاکت محتوی وصیت‌نامه سپرده‌شده به مجلس

نشان شیر و خورشید و تاج

مجلس شورای ملی

اداره

تاریخ

...

(یک برگ وصیت‌نامه رسمی و یک برگ غیررسمی خود را در بایگانی مجلس شورای ملی ودیعه می‌گذارم که بلافاصله بعد از وفاتم سر پاکت را باز و به آن عمل کنند.)

۱۸ فروردین‌ماه ۱۳۳۰ - دکتر محمد مصدق

۱۵۳

جواب دکتر مصدق به نامه خانم افتخارالملوک بیات

۱۸ فروردین ۱۳۳۰

قربانت گردم [؟] مرقومه محترمه که از قم ارسال فرموده‌اید رسید و موجب نهایت امتنان و

خوشوقتی گردید که بحمدالله سلامت در آن آستان قدس برای تحویل حمل بسر برده‌اید، امیدوارم که این سال از هر جهت مبارک و میمون باشد و سالهای بسیار با صحت و خوشی درک این اعیاد را بفرمائید و حال بنده اجازه دهد که بدیدار شما آمده تبریکات خود را حضوراً تجدید کنم [۰]. بیش از این عرضی نمی‌کنم و به این انتظار می‌مانم [۰].
دکتر محمد مصدق

۱۵۴

نامه دکتر مصدق به دکتر امیرعلائی

۱۹ فروردین ۱۳۳۰

قربانت شوم [۰]. قبول بفرمائید که بنده از ایام توقف در زندان بیرجند همیشه قصد و نیتم این بوده که هر وقت یک وزیر دادگستری اصلاح‌طلبی وارد کار شود راجع به اصلاح زندان تذکری بدهم. خصوصاً اینکه جناب آقای شاه‌باغ دادستان کل با نظریات نوع‌خواهانه‌ای که در این باب دارند و عمل می‌فرمایند بنده را سرفراز کنند و تذکر دهند که موقع مقتضی است و نباید سکوت اختیار کرد. از طرف آقایان نمایندگان تهران تقاضا خواهد شد که اصلاح زندان و ساختن محلهای مناسب و کافی جزو برنامه قرار گیرد، تمنا دارم جنابعالی قبول بفرمائید و پس از آن با جناب آقای شاه‌باغ مذاکره فرمائید [۰]. هرطور که صلاح بدانند توجهی شود که کار زندانیان بی‌چاره اصلاح شود و بیش از این در زحمت و گرفتار فساد اخلاق نباشند. مخصوصاً رونوشت نامه آقای دکتر میرسپاسی طبیب قانونی که بدادستان کل نوشته‌اند تقدیم می‌شود که از لحاظ محترم بگذرد.
دکتر محمد مصدق

۱۵۵

جواب دکتر مصدق به تلگراف اهالی رشت

جواب تلگراف ۱۵۱۶ توسط جناب حجت‌الاسلام آقای صدرائی اشکوری خدمت حضرات آقایان محترم رشت [!] زیارت تلگراف شما موجب نهایت تشکر گردید. امیدوارم که به پشتیبانی شما رجال و وطن‌پرست و قاطبه ملت ایران، مجلس شورای ملی تصمیم خود را هرچه زودتر به موقع اجراء گذارد.
دکتر محمد مصدق

۱۵۶

مکتوب دکتر مصدق در جواب مرقومه آیت‌الله آقا میرزا سید حسن چهارسوقی

۲۴ فروردین ماه ۱۳۳۰

بعرض عالی می‌رساند [۴] مرقومه محترمه شرف وصول ارزانی بخشید و موجب نهایت

امتنان گردید تیریکات خود را برای این سال تقدیم می‌کنم و از خداوند مسئلت دارم که سالهای بسیار با صحت و خوشی درک این اعیاد را بفرمائید و مجلس شورای ملی با پشتیبانی مقامات روحانی و فداکاری ملت ایران تصمیمی که در مصالح ملک و ملت گرفته است زودتر عملی کند [.]

در خاتمه تشکرات خود را از الطاف مبذوله تقدیم می‌کنم و مزده سلامت عالی را همیشه انتظار دارم [.]

دکتر محمد مصدق

[ظهر باکت]

اصفهان [۴] خدمت ذی‌شرافت حضرت حجة الاسلام آیت‌الله آقای آقا میرزا سید حسن چهارسوقی ادام‌الله بقائه مشرف آید [.]

دکتر محمد مصدق [.] تهران

[در حاشیه با خط دیگری]

وصول ۹ رجب ۷۰

۱۵۷

تلگراف دکتر مصدق در جواب تلگراف کارگران اعتصابی بندر شاهپور

۱۳۳۰/۱/۲۶

بندر شاهپور - هیئت مدیره اعتصاب کارگران: آقای منتظری - فخرآبادی
پاسخ تلگراف مورخ ۲۴ فروردین شما که ضمن آن گزارش جریانات اعتصاب بندر معشور را ارسال داشته بودید اشعار می‌دارد:

تلگراف شما عیناً برای اقدام فوری به دولت تسلیم شد. در این موقع که حیانات اجرای اصل ملی بودن صنعت نفت در سراسر کشور جزو دستور کمیسیون و مجلس شورای ملی است، حفظ نظم و آرامش در نواحی نفت خیز ایران لازم و ضروری می‌باشد.
البته اقدام خواهد شد که تقاضای حق کارگران رسیدگی و انجام گردد.

دکتر محمد مصدق

۱۵۸

نامه دکتر مصدق خطاب به سناتور خواجه نوری

۲۷ فروردین ماه ۱۳۳۰

قریبات شوم [۴] مقاله‌ای که در شماره ۲۶ فروردین ماه روزنامه «ستاره» بقلم شیوای جنابعالی منتشر شده در جلسه روز قبل جبهه ملی مورد مذاکره و بحث قرار گرفت و پس از

تحسین زیاد از قضاوت منصفانه و وطن‌پرستانه آن جناب، حصار بنده را مأمور نمودند که تشکرات صمیمانه آنها را خدمتتان تقدیم کنم [۰]. امیدوارم با پشتیبانی افکار اشخاصی مثل جنابعالی و فداکاری ملت حساس ایران مجلسین سنا و شورای ملی بتوانند تصمیمی که در صلاح ملک و ملت گرفته‌اند هرچه زودتر عملی کنند.

ما نمایندگان جبهه ملی با احساسات پاک شما رجال خیرخواه امیدواریم و یقین داریم که نظریات خیرخواهانه ما همیشه مورد حمایت شما واقع خواهد شد. اکنون نظر ما اینست که قانون انتخابات مجلس شورای ملی اصلاح شود چونکه سرآمد هر اصلاحی در این مملکت حضور نمایندگان حقیقی مردم در مجلس است. بیش از این مصدق نمی‌شوم و سلامت عالی را خواهانم.

دکتر محمد مصدق

۱۵۹

جواب دکتر مصدق به تلگراف اعتصابیون

بندر شاهپور - هیئت مدیره اعتصاب کارگران آقای منتظری فخرآبادی [؟] پاسخ تلگراف مورخ ۲۴ فروردین شما که ضمن آن گزارش جریانات اعتصاب بندر معشور را ارسال داشته بودید اشعار می‌دارد.

تلگراف شما عیناً برای اقدام فوری به دولت تسلیم شد. در این موقع که جریانات اجرای اصل ملی بودن صنعت نفت در سراسر کشور جزء دستور کمیسیون و مجلس شورای ملی است فقط نظم و آرامش در نواحی نفت‌خیز ایران لازم و ضروری می‌باشد. البته اقدام خواهد شد که تقاضای حقه کارگران رسیدگی و انجام گردد.

دکتر محمد مصدق

۱۶۰

یادداشت دکتر مصدق در جلسه ۲۴۱ دوره شانزدهم خطاب به حسین مکی*

به کرات دولت‌های خوب تصمیمی در مصالح مملکت گرفته‌اند، چون سیاست خارجی نخواستند اجرا شود دولت را از کار انداخته‌اند.

* پس از ارائه پیشنهادی توسط جمال امامی به مجلس (۷ اردی‌بهشت ۱۳۳۰).

۱۶۱

دو نامه دکتر مصدق به ریاست دفتر مخصوص شاهنشاهی

۱۰ اردیبهشت ۳۰

نامه اول - ریاست دفتر مخصوص شاهنشاهی

تصمیم قانونی دائر به ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور و دو ماه تمدید به کمیسیون نفت جهت مطالعه در اطراف اجرای این اصل و تصمیم متخذه کمیسیون نفت که در جلسه بیست و چهارم اسفندماه یکهزار و سیصد و بیست و نه به تصویب مجلس شورای ملی و به تأیید مجلس سنا رسیده است برای توشیح به صحنه مبارک ملوکانه تلوا ایفاد می‌گردد.

«نخست‌وزیر»

نامه دوم - ریاست دفتر مخصوص شاهنشاهی

قانون دائر بطرز اجرای اصل ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور به تصویب مجلس شورای ملی و در جلسه عصر دوشنبه نهم اردیبهشت‌ماه ۱۳۳۰ به تصویب مجلس سنا رسیده است برای توشیح بصحنه مبارک ملوکانه تلوا ایفاد می‌گردد.

«نخست‌وزیر»

۱۶۲

نامه دکتر مصدق به شهربانی کل کشور

۱۱ اردیبهشت ۱۳۳۰

در جراید ایران آنچه راجع به شخص اینجانب نگاشته می‌شود، هرچه نوشته باشند و هرکس که نوشته باشد نباید مورد اعتراض و تعرض قرار گیرد. لیکن در سایر موارد بر وفق مقررات قانون عمل شود. به مأمورین مربوطه دستور لازم در این باب صادر فرمائید که مزاحمتی برای اشخاص فراهم نشود.

۱۶۳

نامه دکتر مصدق به موریسون وزیر امور خارجه انگلستان در جواب پیام نامبرده توسط سفیرکبیر ایران در لندن (سهیلی)

۱۶ اردیبهشت ۳۰

جناب آقای سهیلی سفیرکبیر

آقای موریسون وزیر امور خارجه انگلستان

پیام جنابعالی را توسط سفیرکبیر ایران دریافت داشتم. اینجانب نیز کمال علاقه را به حسن

روابط و تشدید مبانی مودت با دولت انگلستان دارم و لازم می‌دانم پاره [ای] سوء تفاهات بکلی رفع شود. یکی از علل سوء تفاهات عملیات و رفتار شرکت سابق نفت انگلیس و ایران بود که باعث عدم رضایت ملت ایران شده بود و غالباً آنرا از چشم مأمورین دولت انگلیس می‌دیدند و یقین حاصل است بعد از اجرای قانون طرز اجرای ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور این موجبات عدم رضایت از بین خواهد رفت زیرا تشدید و استحکام دوستی ایران و انگلستان نه فقط در خیر و صلاح این دو کشور می‌باشد بلکه به خیر و صلاح کلیه دول دموکراسی و بنفع صلح عمومی جهان خواهد بود.

مقصود از ملی کردن صنعت نفت کاملاً روشن است.

ملت ایران می‌خواهد از حق حاکمیت ملی خود استفاده و بهره‌برداری از منابع نفت را خود بعهدہ داشته باشد و جز اجرای قانون ملی شدن صناعت نفت مقصودی ندارد و برطبق مواد ۲ و ۳ آن قانون (سفارت کبرای ایران نسخه [ای] از ترجمه قانون را به جنابعالی خواهد داد) حاضر است به دعاوی شرکت سابق نفت رسیدگی کند و این امر با عمل کمونیستی که اشعار داشته‌اید بهیچوجه قابل مقایسه و تطبیق نیست و نیز برطبق ماده ۷ قانون مزبور حاضر است به مشتریهای سابق به نرخ عادلانه بین‌المللی نفت بفروشد. ملی کردن صنایع حق حاکمیت هر ملتی است و بر فرض اینکه قراردادها یا امتیازاتی با اشخاص و شرکتهای خصوصی نسبت به آن صنایع منعقد شده باشد که از جمیع جهات حقوقی هم فرض صحت آن شود چنین قراردادها یا امتیازات مانع از اعمال حق حاکمیت ملی نخواهد بود و هیچ مقام بین‌المللی هم صلاحیت رسیدگی به چنین امری را ندارد.

دولت ایران می‌خواهد با استفاده از حق حاکمیت خود، از عواید نفت بینه اقتصادی کشور خود را تقویت و موجبات آسایش عمومی را فراهم و به فقر و فلاکت و ناراضایتی عمومی خاتمه دهد و این امر مایه آبادی و آرامش ایران و موجب جلوگیری از هرگونه اختلال و آشوب خواهد بود.

در اصل موضوع هم چون بموجب قانون طرز اجرای ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور هیئت مختلطی از سنا و مجلس شورای ملی باید انتخاب شوند و اینکار هم همین چند روزه انجام خواهد شد بمحضی که این هیئت تشکیل شود از شرکت سابق نفت برای ترتیب کار و اجرای قانون دعوت بعمل خواهد آمد.

دکتر مصدق نخست‌وزیر

۱۶۴

پاسخ دکتر مصدق به تلگراف دکتر سید احمد ابطحی

آقای دکتر سید احمد ابطحی، وصول تلگراف محترم موجب امتنان گردید. از خداوند توفیق

در خدمت مسئلهت دارم.

دکتر محمد مصدق

۱۶۵

جواب دکتر مصدق به نامه دکتر سعید فاطمی

نشان شیر و خورشید و تاج

نخست‌وزیر

تاریخ ۳۰/۲/۱۸

شماره.....

پیوست.....

آقای سعید فاطمی

وصول نامه محترم موجب امتنان گردید از خداوند توفیق خدمت مسئلهت دارم.

دکتر محمد مصدق

۱۶۶

بخشنامه دکتر مصدق به وزارت‌خانه‌ها، ادارات مستقل، بانکها

۲۳ اردی‌بهشت ۱۳۳۰

بخشنامه

وزارت‌خانه‌ها - ادارات مستقل - بانکها

در این موقع که قوانین مربوط به ملی شدن صنعت نفت و طرزالعمل آن به تصویب مجلسین شورای ملی و سنا رسید و فرامین ملوکانه در اجراء و قوانین مزبور صادر و ابلاغ گردیده، لازم است به قسمتهای تابعه دستور فرمائید که در مکاتبه با شرکت سابق نفت انگلیس و ایران همانطور که در ماده ۲ و ماده ۷ قانون طرز اجرای اصل ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور نیز «شرکت سابق» ذکر شده است، بعنوان «شرکت سابق نفت انگلیس و ایران» مکاتبه و کلمه سابق را قید نمائید.

نخست‌وزیر دکتر مصدق

۱۶۷

نامه دکتر مصدق به دکتر امیرعلائی

تلگراف به خوزستان (اهواز)

جناب آقای امیرعلائی مأمور فوق‌العاده دولت

دستور فرمائید هیئت مدیره موقت شرکت ملی نفت ایران جنابان آقایان دکتر محمود

حسابی، مهندس محمد بیات و دکتر عبدالحسین علی‌آبادی به رؤسای ژاندارمری و شهربانی و کلیه مقامات دولتی معرفی شوند تا هرگونه تشریک مساعی که مورد لزوم هیئت مذکور می‌باشد، معمول دارند و ضمناً نیز دستور فرمائید محل سکونت آبرومند و وسائل لازم و کافی زندگی در اختیار آقایان و کارمندان هیئت‌مدیره در حدود ۲۵ نفر بگذارند.

دکتر محمد مصدق

۱۳۳۰/۳/۱۶ - ۶۳۷۷

رونوشت - برای اطلاع هیئت‌مدیره موقت شرکت ملی نفت ایران ارسال می‌گردد.

۱۶۸

نامه دکتر مصدق در جواب پیام آقای ترومن رئیس‌جمهور امریکا

۲۰ خرداد ۱۳۳۰

حضرت مستر ترومن رئیس‌جمهوری کشورهای متحده امریکا [.] افتخار دارم از وصول پیام گرامی که بوسیله جناب سفیرکبیر آنحضرت ارسال شده بود خالصانه تشکر نمایم.

ملت و دولت ایران همواره کشورهای متحد امریکا را دوست صمیمی و خیرخواه خود می‌دانند و به این دوستی مستظهرند.

در خصوص ملی شدن صنعت نفت در ایران اطمینان داشته باشید که دولت و مجلسین ایران هم مانند آن حضرت علاقمند هستند که از این تصمیم ملی کوچکترین لطمه‌ای به ممالکی که تاکنون از آن استفاده کرده‌اند وارد نیاید لیکن از اینکه نگرانی دولت کشورهای متحده را بیان فرموده‌اید چنین استنباط می‌شود که مطلب کاملاً بر آن حضرت روشن نیست و بنابراین اجازه می‌خواهم از فرصت استفاده نموده شمه‌ای از سوابق قضیه و اقداماتی که اکنون در جریان است بااستحضار برسانم.

سالهاست که دولت شاهنشاهی ایران از رفتار شرکت سابق نفت ایران و انگلیس ناراضی بوده است و اگر دوستدار بخوام تعدیات آن شرکت را شرح بدهم و با ذکر سوابق و مدارک متقن روشن نمایم که حساب این مؤسسه با حقیقت مطابقت نداشت و در حساب ظاهری هم سهمی که برای ملت ایران یعنی برای صاحب و مالک معادن نفت منظور می‌داشتند بقدری ناچیز بود که هر منصفی را تحریک می‌کند موجب تصدیق خاطر محترم خواهد شد و از حوصله این پیام خارج است.

ملت ایران این اوضاع را سالها تحمل کرد و نتیجه آن فقر و پریشانی هولناکی است که اکنون گریبان ما را گرفته است، لیکن ادامه این بردباری با اوضاعی که جنگ بین‌المللی دوم در کشور ما

بیار آورده است امکان نداشت.

البته آنحضرت بخاطر دارند که ملت ایران در این جنگ برای پیشرفت حق و عدالت و آزادی در جهان با متفقین همکاری صمیمانه نمود و در این جنگ برای همکاری متحمل چه مشقات و فداکاریهایی گردید. در این کارزار کلیه فعالیت‌های عمرانی داخلی ما تعطیل و تمام قوای مولده ما شب و روز برای اجراء نقشه‌های عظیم حمل مهمات و تهیه خواربار و سایر لوازم ارتش متفقین مشغول شده بود. کشیدن این بار سنگین در طی چند سال مالیه و اقتصاد ما را بی‌اندازه ضعیف و مختل کرد و ما را با یک سلسله مسائل اقتصادی پر وخیم و گوناگونی مواجه نمود و طبقات زحمتکش این کشور که در تمام مدت جنگ برای متفقین جان‌کنده بودند با گرانی طاقت‌فرسا و بیکاری دست‌بگریبان شد.

پس از خاتمه جنگ اگر ما را بحال خود می‌گذاشتند می‌توانستیم رفته رفته اوضاع مولود جنگ را بحال سابق برگردانیم و دهات خودمان را که در نتیجه جلب کشاورزان به کارهای زمان جنگ در جاده‌ها و کارگاه‌ها و کارخانه‌ها خالی از سکنه و ویران شده بود احیاء کنیم.

اگر به ما هم مانند سایر ملل آسیب‌دیده زمان جنگ از خارج کمک شده بود باحیاء اقتصادی کشور خود زودتر موفق می‌شدیم ولی بدون این کمک هم اگر طمع کمپانی سابق نفت جنوب از یک طرف و دسائس عمال آن از طرف دیگر مجال می‌داد باز موفق می‌شدیم. لیکن این کمپانی سعی می‌کرد با محدود کردن درآمد ما را همیشه در فشار مالی نگاهداشته و اداره امور ما را طوری مختل نماید که همیشه مجبور باشیم دست خود را بطرف او دراز کنیم و آنچه به ما تحمیل کند تمکین نمائیم.

ایادی مرموز شرکت از یکطرف با فشار اقتصادی نهضت اصلاحی ما را فلج کردند و از طرف دیگر باستناد اینکه این مملکت دارای منابع ثروت سرشار و معادن نفت است مانع شدند از کمک‌هایی که به سایر آسیب‌دیدگان جنگ شده بود ایران هم بهره‌مند شود.

از آنحضرت انصاف می‌خواهم آیا ملت بردبار ایران که با تحمل تمام این شداید و محرومیتهای یأس‌آور تاکنون توانسته است در مقابل تبلیغات قوی و انقلابی ایستادگی کرده و اسباب زحمت دنیا را فراهم نیاورد قابل تحسین و تقدیر هست یا نیست؟ و آیا جز ملی کردن صنایع نفت برای استفاده از ثروت خداداد و خاتمه دادن به کار یک شرکت بی‌انصاف چاره دیگری داشته است؟

اکنون که مختصری از علل تصمیم ملی کردن صنعت نفت در ایران بااستحضار رسید هرگاه به متن قانون توجه فرمایند تصدیق خواهند فرمود که مجلسین ایران در وضع این قانون از جاده حق و عدالت بهیچوجه منحصرنفس نشده‌اند این قانون بطوریکه مکرر از پشت تریبون مجلسین و در طی مصاحبه‌ها اعلام گردیده مصادره و تصاحب اموال را تجویز نکرده بلکه برعکس تأدیبه غرامات و خسارات احتمالی را پیش‌بینی و تأمین نموده است و از طرف دیگر بادامه معاملات

نفت با ممالکی که تاکنون از منابع ایران استفاده نموده‌اند توجه خاص نموده و نظر مشتریان سابق را صریحاً تأمین کرده است.

اکنون بیش از یکماه است که قانون طرز اجراء اصل ملی شدن صنعت نفت در سراسر ایران به تصویب مجلسین و توشیح مقام سلطنت رسیده است و با اینکه در قانون به خلع ید بلافاصله حکم شده و دولت در فشار فوق‌العاده افکار عمومی ایران است که با کمال بی‌صبری خواهان خلع ید شرکت سابق هستند، دولت و هیئت مختلط منتخب از مجلسین مطالعاتی کرده‌اند که قانون را به بهترین ترتیبی اجرا کنند که بعمل بهره‌برداری مؤسسات نفت و صدور آن به خارج هیچگونه خللی وارد نشود و بهترین گواه صدق این گفتار و حسن‌نیت دولت شاهنشاهی مقرراتی است که در مورد اجراء خلع ید به نماینده شرکت سابق ابلاغ شده است که اهم آن مقررات این است:

(۱) مادام که اساسنامه شرکت ملی نفت ایران به تصویب مجلسین ایران نرسیده است ملاک عمل هیئت مدیره موقت مقررات شرکت (جز آنچه با قانون ملی شدن صنعت نفت مغایرت داشته باشد) می‌باشد.

(۲) کارشناسان، کارمندان و کارگران ایرانی و خارجی شرکت سابق نفت کماکان به خدمت خود باقی و از این تاریخ مستخدم شرکت ملی نفت ایران شناخته می‌شوند.

(۳) هیئت مدیره باید نهایت دقت و سعی را در اجراء برنامه‌های موجود و افزایش محصولات نفت بعمل آورد بطوریکه میزان استخراج و بهره‌برداری از میزان فعلی بیشتر شود.

(۴) هیئت مدیره مکلف است بوسیله آگهی خریداران سابق نفت را برای ابراز مدارک معاملات سابق دعوت کند و در عین حال تسهیلاتی نماید که تا آخر صحت مدارک آنها و حصول توافق با خریداران در امر صدور نفت وقفه و مضیقه پیش نیاید.

و بالاخره به شرکت سابق مجال داده شده است که پیشنهاداتی که با اصل ملی شدن نفت مبیانت نداشته باشد سریعاً بدهد و دولت عده کرده است پیشنهادهای او را مورد توجه قرار دهد. منظور دولت ایران و هیئت مختلط از اتخاذ این تصمیمات برای ادامه جریان نفت ایران به طرف کشورهای مصرف‌کننده نفت جنوب بوده که مورد نظر آن حضرت قرار گرفته است و می‌توانند اطمینان داشته باشند که ملت ایران به حفظ دوستی با عموم ملل بخصوص با مللی مانند انگلستان که با ما روابط دیرینه دارند علاقه‌مند است.

راجع به عمل خلع ید و تصفیه حساب با شرکت سابق که برطبق مقررات قانون مصوب مجلسین باید بعمل بیاید چون یک امر داخلی ایرانست البته تصدیق می‌فرمایند که دولت جز با نمایندگان شرکت سابق نمی‌تواند با دیگری داخل مذاکره شود.

دولت انگلیس وقتی می‌تواند اظهار نگرانی نماید که ایران در اجراء قانون ملی کردن صنعت نفت نسبت به شرکت سابق از حدود حق و قانون تجاوز کند و اطمینان داشته باشید که چنین

تجاوز می‌نخواهد شد.

ما همیشه سعی خواهیم بود که روابط دوستی خود را با دولت انگلستان حفظ کنیم هرگونه نگرانی که آن دولت از مسئله رسیدن نفت ایران به نیازمندیهای انگلستان برطبق قانون داشته باشد رفع نمائیم و با این ترتیب دیگر هیچ موجبی برای ادامه نگرانی دولت و ملت انگلستان در روابط خود با دولت و ملت ایران باقی نخواهد ماند.

موقع را برای تجدید احترامات صمیمانه خود نسبت به آن حضرت و آرزوی دوام ترقی و تعالی ملت بزرگ امریکا مغتنم می‌شمارم.

نخست‌وزیر ایران

۱۶۹

تلگراف تشکرآمیز نخست‌وزیر به نماینده
فوق‌العاده دولت در خوزستان

۲۱ خرداد ۱۳۳۰

جناب آقای امیرعلائی از مراقبت و توجه مخصوصی که در این موقع خطیر در انجام امور محوله مبذول فرمودید این جانب کمال امتنان و تشکر خود را ابراز می‌دارم و توفیق بی‌پایان این خدمت مهم ملی را برای جنابعالی آرزو منددم.

دکتر محمد مصدق

۱۷۰

تلگراف دکتر مصدق به هیئت اعزامی به خوزستان

به وسیله جناب آقای امیرعلائی؛

جنابان آقایان نمایندگان محترم کمیسیون مختلط و هیئت محترم مدیره موقت شرکت نفت ملی ایران وصول گزارش‌های مبسوط از اقدامات بسیار مؤثر و مفید آن جنابان بی‌نهایت موجب مسرت و تشکر است.

دولت و هم‌چنین کمیسیون مختلط از این موفقیت و پیشرفتی که تاکنون حاصل شده امتنان کامل دارند و توفیق نهائی آن جنابان را آرزو مندیم.

دکتر محمد مصدق

۱۷۱

پاسخ دکتر مصدق به دو بانوی ایرانی

نشان شیر و خورشید و تاج
نخست‌وزیر

تاریخ ۳۰/۳/۲۷

شماره ۷۷۶۴

پیوست -

جناب آقای مدیر محترم روزنامه شاهد

نامه خواهان عزیزم که از معرفی نامشان خودداری شده شرف وصول ارزانی بخشید. نمی‌دانم از احساسات پاک و وطن‌پرستانه آن دو بانوی شرافتمند چگونه سپاسگذاری کنم، امیدوارم همواره شایسته این حسن ظن باشم و همه با شرکت هم در خدمت به وطن عزیز موفق و کامیاب شویم. مبلغ پنجاه و شش تومان وجه نقد به وزارت دارائی فرستاده شد. انگشتر هم خدمت جنابعالی ارسال می‌شود تا هرطور صلاح باشد اقدام فرمایند.

در خاتمه انتظار دارم که این نامه در روزنامه شاهد منتشر شود تا نویسندگان محترم آن دو نامه از تشکرات خالصانه و صمیمانه این جانب، استحضار حاصل کنند.

نخست‌وزیر - دکتر محمد مصدق

۱۷۲

پاسخ دکتر مصدق به تلگراف اتحادیه جوانان حسینی

اتحادیه جوانان سادات حسینی

تلگراف آقایان اصل و موجب تشکر و امتنان گردید. امید است همه با هم در راه خدمت به وطن عزیز موفق گردیم.

نخست‌وزیر

۱۷۳

پاسخ دکتر مصدق به تلگراف اتحادیه رانندگان خراسان

اتحادیه محترم رانندگان خراسان ۳۸۳۷ - ۳/۲۷ وصول تلگراف موجب تشکر و امتنان گردید از خداوند برای همگی توفیق خدمت می‌طلبم.

دکتر محمد مصدق

۱۷۴

نامه دکتر مصدق به آقای شپرد سفیر کبیر دولت پادشاهی انگلستان

نشان شیر و خورشید و تاج

نخست وزیر

۳۱ خرداد ۱۳۳۰

سفیر کبیر عزیزم

چون امور شرکت سابق نفت انگلیس و ایران از امور داخلی کشور است شرکت سابق نفت هرنوع مکاتبه که با دولت دارد مستقیماً با وزارت دارائی به عمل می‌آورد. بنابراین نامه مورخ بیست و یکم ژوئن ۱۹۵۱ آن جناب و ضمیمه آن بدین وسیله اعاده داده می‌شود.
ارادتمند - دکتر محمد مصدق

جناب آقای شپرد سفیر کبیر دولت پادشاهی انگلستان

تهران

۱۷۵

تلگراف دکتر مصدق پس از دریافت تلگراف انجمن فارغ التحصیلان دانشسرای عالی

۱۳۳۰/۴/۳

جناب آقای عبدالحسین پازوکی

وصول تلگراف موجب تشکر و امتنان گردید، از خداوند برای همگی توفیق خدمت می‌طلبم.

دکتر محمد مصدق

۱۷۶

جواب دکتر مصدق به آیت‌الله حاج میرزا خلیل کمره‌ای

نشان شیر و خورشید و تاج

نخست وزیر

تاریخ ۳۰/۴/۸

شماره ۱۷۸

پیوست -

بعرض می‌رساند

نامه گرامی شرف وصول ارزانی بخشید. از احساسات بی‌آلایش و پاک آیت‌الله نمی‌دانم

چگونه سپاسگزاری کنم. از خداوند برای حضرت‌عالی وجود توفیق خدمت می‌طلبم و در خاتمه ارادت خود را تجدید و سلامت عالی را خواهانم.

دکتر محمد مصدق

۱۷۷

نامه دکتر مصدق به ترومن

۵ تیر ۱۳۳۰

حضرت آقای ترومن رئیس‌جمهور ممالک متحده امریکای شمالی؛

نظر به علاقه‌ای که از طرف شخص حضرت رئیس‌جمهور نسبت به مصالح کشور ما عموماً و نسبت به مسئله اخیر نفت خصوصاً ابراز شده و حتی در تاریخ ۳ ژوئن ۱۹۵۱ شخصاً پیامی در این باب به اینجانب فرستاده‌اند لازم می‌داند باردیگر باستحضار خاطر عالی برساند که دولت شاهنشاهی ایران بوحسب وظیفه‌ای که از طرف مجلس شورای ملی و سنا به او محول شده مکلف بود قانون ملی کردن صنعت نفت ایران را در سراسر کشور و طرز اجرای آنرا در اسرع اوقات به موقع اجرا بگذارد با اینهمه بعلت لزوم اقدامات اولیه از طرفی و برای ایجاد توافق بین دولت و شرکت سابق نفت از طرف دیگر عمل اجراء با نهایت احتیاط و بتدریج آغاز گردید تا فرصت باقی برای مذاکرات بین نمایندگان دولت و شرکت سابق دست دهد.

دولت شاهنشاهی با کمال صداقت حاضر بود از این فرصت حد اعلای استفاده بشود مخصوصاً بر اثر پیام آن حضرت و وساطت دوستانه جناب سفیرکبیر امریکا به این موضوع توجه بیشتری معطوف داشت و با تقاضای شرکت سابق راجع به تمدید مهلت برای شروع مذاکرات موافقت کرد و بدین ترتیب یکماه و نیم از وضع قانون گذشت.

دولت ایران قبلاً و کراً اعلام کرده بود که در حدود قانون ملی شدن صنعت نفت و قانون طرز اجرای آن می‌تواند با نمایندگان شرکت وارد مذاکره شود و حاضر است در مسائل مختلفی نظیر موضوع خسارت محتمله شرکت سابق و فروش نفت به خریداران سابق و امثال آن با کمال میل مذاکره نماید و از این لحاظ آمدن نمایندگان شرکت سابق نفت را به تهران حسن استقبال کرد و مغتنم شمرد ولی با کمال تأسف نمایندگان شرکت سابق پیشنهادهایی برخلاف قوانین ملی شدن صنعت نفت دادند که دولت نتوانست به مذاکرات ادامه دهد.

دولت شاهنشاهی چون تصمیم دارد بهر عنوان که باشد نگذارد در بهره‌برداری و فروش نفت

به خریداران سابق حتی یک روز وقفه حاصل شود بکرات اعلام نمود که حاضر است کارمندان و کارشناسان و کارگران خارجی را با همان مزایا و حقوق و همچنین حقوق تقاعد استخدام کند و وسائل هرگونه تشویق آنان را فراهم آورده به ترکیب و ترتیب تأسیسات شرکت سابق دست نزنند و مقررات شرکت سابق را تا آنجا که با قانون ملی شدن تناقض نداشته باشد مرعی و مجری دارد، ولی با نهایت تأسف مشهود می‌گردد که اولیاء شرکت سابق شروع به عملیاتی نموده که ناچار در صادرات نفت ایجاد وقفه خواهد نمود بدین معنی که:

اولاً - کارمندان را به ترک محل خدمت تشویق و دولت را باستعفای دسته‌جمعی آنان تهدید می‌کنند.

ثانیاً - کشتی‌های حامل مواد نفتی را وادار می‌کنند از دادن رسید به هیئت مدیره شرکت ملی نفت خودداری نمایند.

گرچه ملت ایران برای انجام مقصود، خود را برای هرگونه محرومیت آماده کرده است با اینحال تردید ندارد که خوابیدن دستگاه بهره‌برداری تنها بضرر ما نیست بلکه بضرر انگلستان و کلیه دولتی که از محصول معادن نفت جنوب ایران استفاده می‌کنند تمام می‌شود و اولیای شرکت سابق نفت بایستی این عاقبت وخیم را متذکر باشند.

بدیهی است دولت و ملت ایران با تمام قوا و وسائل ممکنه اهتمام خواهد نمود که جریان نفت قطع نشود ولی در صورتیکه در نتیجه دست‌ازکار کشیدن دسته‌جمعی کارمندان انگلیسی یا تأخیر در بارگیری حمل مواد نفتی بعلت ندادن رسید وقفه‌ای ولو بطور موقت حاصل شود موجب نهایت تأسف است و در این صورت مسئول عواقب نامطلوب این امر رؤسای شرکت سابق نفت خواهند بود. این نکته را نیز لازم است متذکر شود که با وجود ابراز احساسات ملی در ایران بهیچوجه خطری نسبت به امنیت جانی مالی اتباع انگلیس متوجه نیست و انتشار اینگونه اخبار بی‌اساس از طرف عمال شرکت سابق نفت بخودی خود ممکن است تولید نگرانی و ایجاد اختلال کند حال آنکه اگر شرکت سابق مطابق انتظار دولت ایران رفتار کند ابداً جای نگرانی نیست و دولت شاهنشاهی کاملاً «بر اوضاع مسلط است» نظر به اینکه بین ملتین ایران و امریکا همواره روابط دوستانه برقرار بوده و رجاء واثق هست که هیچوقت کوچکترین خللی به این حسن روابط وارد نشود و ملت بزرگ و ارجمند امریکا از طرفداران جدی آزادی و حاکمیت ملل شناخته شده و فداکاری‌های آن ملت نیک‌نهاد در دو جنگ اخیر بهترین گواه این معنی است، لذا لازم دانستم خاطر آن حضرت را از جریانات اخیر مستحضر سازم و یقین دارم که دولت‌های آزاد جهان و خصوصاً دولت دوست ما امریکا در این موضوع مهم از معاضدت بآمال ملی ایران خودداری نخواهند کرد.

در خاتمه احترامات فائقه و ادعیه خالصانه و خیرخواهانه خود را تقدیم می‌دارد.

نخست‌وزیر ایران

۱۷۸

نامه دکتر مصدق به دیوان بیگی

۳۰/۴/۱۱

شماره ۸۵۲۲

فوری

جناب آقای دیوان بیگی سناتور محترم

به منظور رسیدگی به مدارک و اسنادی که از شرکت سابق نفت به دست آمده جلسه‌ای با حضور جنابعالی تشکیل خواهد شد. خواهشمند است در ساعت ۹ صبح چهارشنبه هفته جاری در منزل سدان واقع در خیابان قوام السلطنه، کوچه ایرج، حضور به هم رسانید. این جلسه تا خاتمه کار همه روزه در محل مذکور تشکیل خواهد شد.

نخست وزیر - دکتر محمد مصدق

۱۷۹

نامه تشکر دکتر مصدق به آیت‌الله چهارسوقی

نشان شیر و خورشید و تاج
نخست‌وزیر

تاریخ ۳۰/۴/۱۲

شماره خصوصی ۳۴۲

پیوست ...

بعرض عالی می‌رساند؛

نامه گرامی شرف وصول ارزانی بخشید، نمی‌دانم از اظهار لطف و مرحمت حضرت آیت‌الله چگونه تشکر کنم [.] امیدوارم همواره شایسته این حسن ظن باشم و تحت توجهات خداوند متعال و همه با شرکت هم در خدمت بوطن عزیز موفق و کامیاب شویم.

دکتر محمد مصدق

۱۸۰

نامه دکتر مصدق به مجلس شورای ملی

ساحت مقدس مجلس شورای ملی [!]

در قبال کشف اسناد و مدارک محرمانه اداره منحلّه اطلاعات و انتشارات شرکت سابق نفت که در محل سابق آن اداره در خیابان نادری و در محل اقامت آقای سدان نماینده کل شرکت سابق

نفت در تهران (کوچهٔ ایرج) به دست آمده و اکنون مورد توجه خاص مجلس شورای ملی قرار گرفته، مراتب زیر به استحضار آقایان نمایندگان محترم می‌رسد.

این جانب از جریان رسمی کشف و عکس‌برداری و مطالعهٔ اوراق و اسناد مزبور هیچ‌گونه اطلاعی نداشتم و طبق دستور این جانب اطلاعات رسمی که رسیده، حاکی است که آقای ناصر وثوقی دادیار داسرای تهران در تاریخ ۱۲ تیرماه جاری گزارش مبسوط اقدامات خود را به ریاست داسرای شهرستان تهران داده و اینک متن گزارش مزبور:

ریاست داسرای شهرستان تهران

تعقیب مأموریت محوِّله در مورد تفتیش و بررسی ادارهٔ منحلّهٔ اطلاعات شرکت سابق نفت، جریان اقدامات انجام شده را تا این تاریخ به شرح زیر به عرض می‌رساند:

در تاریخ پنجم و هشتم و نهم تیرماه ۱۳۳۰ به موجب صورت مجلسهای موجود این جانب به اتفاق آقای امیرحسین پاکروان نمایندهٔ تیمسار زاهدی وزیر کشور، دادخواه رئیس کلانتری ۳ در ادارهٔ منحلّهٔ اطلاعات شرکت سابق نفت حضور یافتیم و شروع به بررسی و مطالعهٔ اوراق و اسناد کردیم؛ قبل از مراجعه تا حال نیز ادارهٔ مذکور لاک و مهر شده و تحت حفاظت و نگهداری مأمورین انتظامی است. از تعداد زیادی اسناد و اوراق مربوط به این اداره عکس‌برداری شده؛ اسناد انگلیسی به فارسی ترجمه گردید و از کلیهٔ آنها رونوشت تهیه شد. به موجب این اسناد ادارهٔ منحلّهٔ اطلاعات شرکت سابق نفت در پاره‌ای امور سیاسی و داخلی ایران به منظوره‌های خاصی مداخله می‌نموده‌است.

عدهٔ زیادی روزنامه‌ها مقالات خود را از این اداره می‌گرفته‌اند؛ آگهی‌ها و اخبار مربوط به نفت که در عین حال برای رسیدن به هدفهای معینی تهیه می‌شده از طرف این اداره به وسیلهٔ آقای ابوالقاسم حداد که رابط مطبوعاتی اداره بوده‌است، بین روزنامه‌ها قسمت می‌شده و مقالات توهین‌آمیز و تحریک‌کننده به منظور تحقیر رجال و سیاستمداران میهن‌پرست ایرانی و انعطاف افکار عمومی از مسألهٔ نفت به دست بعضی نویسندگان از جمله آقای علی جواهرکلام تهیه و پس از صوابدید ادارهٔ مذکور برای درج به روزنامه‌ها داده می‌شده است. اسناد دیگری مبنی بر رابطه بعضی رجال و سناتورها با آقای «فیلیپ استاکیل» رئیس ادارهٔ مذکور نیز در دست است؛ در عین حال بعضی اقدامات سیاسی و مطبوعاتی عده‌ای از رجال از این اداره سرچشمه و الهام می‌گرفته‌است. مثلاً به موجب سندی که در دست است آقای شاهرخ اساساً مأموریت‌هایی از طرف این اداره داشته‌است.

عکسها، ترجمه‌ها و رونوشت‌های ترجمه شده در اختیار وزارت کشور قرار گرفت و عین آنها در اداره در تاریخ ۳۰/۴/۸ بنا بر مذاکرهٔ تلفنی و ارجاع آن جناب و رؤیت امریهٔ جناب آقای نخست وزیر، معلوم شد که پس از انحلال ادارهٔ اطلاعات، بعضی کارمندان این اداره منزل آقای «سدان» را تبدیل به یک ادارهٔ مخفی نموده و در آنجا به کار خود ادامه می‌دهند. محتمل است

یک دستگاه فرستنده در آنجا مشغول به کار باشد و علی‌ای حال مقرر است اداره مذکور نیز تفتیش شود.

در روزهای ۸، ۱۰ و ۱۱ تیرماه جاری به موجب صورت مجلسهای موجود این‌جانب به اتفاق نمایندگان وزارت کشور و شهربانی کل و کلانتری ۳ به‌خانه مذکور وارد و به شرح بررسیهایی معمول گردید:

حین ورود به‌خانه نامبرده، آقای حداد (رابط به‌اصطلاح مطبوعاتی اداره اطلاعات) و آقای فیلیپ استاکیل (رئیس اداره مذکور) در حالی که هریک دسته‌ای اوراق و مطبوعات زیر بغل داشتند، در حال خروج مشاهده شدند و اوراق و اسناد مذکور بررسی شد.

خانه آقای «سدان» که دارای اتاقهای متعدد است، کلاً تبدیل به یک اداره یا شعبه‌ای از اداره اطلاعات منحل شده بود و وسایل کار از قبیل ماشین تحریر، دستگاه دیکتافون و غیره به‌طور کامل در کلیه اتاقها ملاحظه گردید و حتی یک اتاق نیز برای استفاده و سکونت شخصی در این ساختمان دیده نشد. از بررسی اوراق و اسناد این اداره، مداخلات دامنه‌دارتر شرکت سابق در امور داخلی و سیاسی ایران و اقداماتی که به هیچ وجه با امر استخراج و تصفیه نفت ارتباط ندارد مشهود و مکشوف گردید. اسناد ارتباط روزنامه‌نویس‌ها و نویسندگان و بعضی از رجال در این اداره ملاحظه می‌شود. پیشنهادهایی که از خریداران نفت جهان به عنوان شرکت ملی نفت با پست فرستاده [شده] بود، در آرشیوهای این اداره بایگانی شده است (جمال امامی - این پیشنهادها چه‌طور آنجا رفته؟). نطق تیمسار رزم‌آرا نخست وزیر اسبق در جواب نمایندگان جبهه ملی که از طرف شرکت تهیه شده بود به دست آمد و بالاخره یک سند کتبی به خط آقای استاکیل حاکی است که مقداری از اوراق و اسناد مهم نابود گردیده است که بلافاصله اقدام مقتضی معمول گردید.

نماینده وزارت کشور از این اسناد نیز عکسها و رونوشتها و ترجمه‌هایی تهیه کرد و سپس عین اسناد ضبط گردید. قسمتی در بانک ملی و بقیه در خود محل لاک و مهر شد و تحت حفاظت مأمورین انتظامی قرار گرفت.

تطبیق عملیات انجام شده و اسناد موجود با قوانین جزایی ایران و بررسی دقیق نوشتجات به فرصتهای بعد موکول می‌گردد، و اینک ضمن ارسال ۱۲ برگ صورت مجلسهای تنظیم شده مراتب را جهت اطلاع آن جناب اعلام می‌دارد؛ جریان تحقیقات ادامه خواهد داشت. دادیار دادسرای تهران - ناصر وثوقی

چنان که از گزارش مزبور استنباط می‌شود، جریان رسیدگی به اسناد و مدارک تا ۳۰/۴/۱۲ جریان رسمی و طبیعی خود را طی کرده است. لیکن این‌جانب عصر سه‌شنبه یازدهم تیرماه اطلاع حاصل کردم که صبح همان روز ماده واحده راجع به طرز رسیدگی اسناد و مدارک مکشوفه از طرف عده‌ای از نمایندگان محترم تقدیم مجلس شده است که ضمن آن تقاضا شده

بود که کمیسیونی از مجلس انتخاب شود و مأمور رسیدگی به آن اسناد و مدارک شود. چون سه فوریت لایحه مزبور به تصویب رسیده بود، ولی تصویب لایحه به بعد موکول گردید، این جانب تشخیص دادم که رسیدگی به مدارک را نمی‌توان متوقف نمود، و از جهت دیگر ممکن است تصمیم شورای ملی به تأخیر افتد؛ از ۳ نفر از نمایندگان محترم مجلس سنا، آقایان دادگر، دیوان‌بیگی و دکتر حسابی و ۳ نفر از نمایندگان محترم مجلس شورای ملی آقایان دکتر طاهری، مخبر فرهمند و دکتر بقایی دعوت کردم که در محل اقامت مستر سدان حضور به هم رسانیده، با حضور جناب آقای دادستان کل اسناد و مدارک را مطالعه نمایند.

اینک اطلاع حاصل است که از قسمت عمده از اسناد و مدارک مشکوفه عکس‌برداری و ترجمه شده‌است. لیکن طبق سندی که از مستر استاکیل رئیس اداره منحلّه اطلاعات و انتشارات شرکت سابق نفت به دست آمده و عیناً قرائت می‌شود «شماره ۸۵۱۳ برای ا.ج. چیزم. از طرف ف. استاکیل

در ۲۷ و ۲۸ ژوئن مطابق ۵ و ۶ تیرماه دواير اداره اطلاعات از طرف شهربانی ممهور شد. در تاریخ ۲۱ ژوئن، دکتر بقایی و سایر اعضای جبهه ملی به آنجا وارد و عکسهایی بسیار از اسناد برداشتند، شماره‌های چند از این اسناد ظاهراً به منظور اثبات عملیات مخرب اداره انتشارات در تهران مصور و شاهد درج شد، ولی در نظر اشخاص بیغرض اثر بدی برای وجهه شرکت نباید داشته باشد.

نظر به مراقبت کاملی که از هفته گذشته از طرف جبهه ملی نسبت به دواير اداره انتشارات به عمل می‌آمد، ممکن نشد اسناد بکلی منهدم، یا از آنجا بیرون برده شود زیرا به محض اقدام به چنین امری، سریعاً به جبهه ملی گزارش داده می‌شد و قطعاً موجب می‌گردید هنگامی که احتیاج خاصی به اداره انتشارات بود حمله‌ای به منظور بستن آن به عمل آید و آنچه را برای ما جرم می‌شمارند، یا اقدام ما برای از بین بردن یا انتقال مدارک جلوه‌گر سازند، ولی برخی از پرونده‌هایی که محرمانه‌تر، بود به جای امن برده شد و برخی دیگر به انضمام آنچه که کتینگ قبل از مراجعتش به انگلستان به استاکیل داده بود منهدم گردید.

بدیهی است برای من غیرممکن بود قبل از ممهورشدن اداره کلیه اسناد را انتقال داده و یا منهدم سازم. ولی آنچه را که به نظرم بیشتر احتمال خطر داشت، بانضمام آنچه را کتینگ پیش از بازگشت به انگلستان شخصاً به من داده به جای امن انتقال داده و یا از بین بردم. شرح مفصل با پست فرستاده می‌شود.»

سند فوق به موجب اعتراف صریح مستر استاکیل ثابت می‌نماید که قسمت اعظم و مهم اسناد و مدارک به جای امن دیگری منتقل شده و یا منهدم گردیده‌است. مستر استاکیل به موجب سند فوق و گزارش ذیل تحت تعقیب قانونی قرار گرفته‌است:

«ریاست دادرسی شهرستان تهران

تعقیب مأموریت محوله و دستور مقام ریاست وزراء که از طریق شهربانی به این جانب ابلاغ گردید، در بازرسی منزل آقای سدان - نماینده شرکت سابق نفت - ضمن اوراق و اسناد متعددی که به دست آمد و حاکی از این بود که شرکت سابق نفت از طریق اداره منحلّه اطلاعات، مداخلات بی‌موردی در امور سیاسی می‌نماید. سندی به دست آمده که به موجب آن آقای فیلیپ استاکیل رییس سابق اداره منحلّه اطلاعات، مبادرت به سوزاندن و مخفی کردن مقداری از اسناد شرکت سابق نفت کرده است و چون از تاریخ تصویب قانون ملی شدن نفت در سراسر کشور ادارات و اسناد شرکت سابق در حکم ادارات و اسناد دولتی است، از بین بردن اسناد مذکور طبق قانون مجازات عمومی جرم می‌باشد و با تقدیم یک برگ رونوشت سند مذکور به خط خود استاکیل نامبرده است، مراتب را جهت تعقیب جزایی و هر نوع اقدام مقتضی اعلام می‌دارد. رونوشت این شرح تعقیب، به دستور مقام ریاست وزراء تقدیم معظم له گردید.

دادیار دادسرای تهران.

در هر حال اسناد و مدارک موجود تحت نظر کمیسیون مختلطی که بنا به دعوت این جانب تشکیل گردید، جریان رسیدگی خود را طی می‌نماید. لیکن این جانب از مجلس تقاضا دارم، کمیسیونی از نمایندگان محترم هرچه زودتر انتخاب نمایند، تا به همراهی چند نفر از نمایندگان سنا که انتخاب خواهند شد و با حضور نماینده دولت و دادستان کل ه این کار رسیدگی نمایند و تکلیف اسناد و مدارک مزبور را به طور منجز تعیین نمایند و دولت منویات و تصمیمات کمیسیون مزبور را محترم شمرده بموقع اجرا خواهد گذاشت.

دکتر محمد مصدق

۱۸۱

نامه دکتر مصدق به سرلشکر بقائی

۲۷ تیر ۳۰

آقای سرلشکر بقائی نظر به اینکه در چند روزه ریاست شهربانی خود نتوانستید خدمات محوله را در حفظ انتظامات چنانچه جامعه انتظار آنرا داشته انجام دهید از این تاریخ از ریاست شهربانی برکنار می‌شوند، تا انتخاب رئیس جدید جناب آقای وزیر کشور تصدی این مقام را نیز خود بعهده خواهد داشت.

۱۸۲

جواب دکتر مصدق به نامه کارگران چاپخانه مصطفوی

آقایان کارگران محترم چاپخانه مصطفوی شیراز [!]

نامه گرامی عز وصول ارزانی بخشید. احساسات بی‌آلایش امثال آقایان محترم است که

زحمات و مشقات را در پیش بردن مقاصد ملی هموار و این‌جانب را بیش از پیش به کار تشویق می‌نماید. امیدوارم تحت توجهات خداوند متعال کلیه آرزوهای هموطنان عزیزم برآورده شود.

شماره خصوصی ۷۲۵ - ۳۰/۴/۲۶

دکتر محمد مصدق

۱۸۳

تلگراف دکتر مصدق به حسین مکی

نشان شیر و خورشید و تاج

وزارت پست و تلگراف و تلفن

تلگراف

از کاخ	شماره قبضی	تعداد کلمه	تاریخ اصل	تاریخ وصول
به خرمشهر	شماره تلگراف			روز ماه
				۲۷ / ۴

جناب آقای مکی نماینده محترم مجلس شورای ملی [!]
از فداکاری جنابعالی که برای انجام وظایف محوله از طرف هیئت مختلط فرموده و با وجود سختی گرمی هوای آبادان همچنان به انجام وظایف ادامه داده‌اید صمیمانه تشکر می‌کنم.

۳۰/۴/۲۷ ۱۰۰۰۷

نخست‌وزیر - دکتر محمد مصدق

۱۸۴

پاسخ دکتر مصدق به ریاست هیئت مدیره سندیکای ساختمانی شیراز

جناب آقای قهرمانی ۱۲۴۸ - ۳۰/۴/۲۸

احساسات پاک صمیمانه و خداپرستانه آقایان و برادران عزیزم موجب امتنان است. مزید سعادت و توفیق عموم را از خداوند متعال خواهانم [.]

دکتر محمد مصدق